

قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستور العمل حکام

مصوب ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۵

فصل اول

در تقسیم مملکت و تحدید حدود دوائر محلیه

ماده ۱- مملکت محروسه ایران برای تسهیل امور سیاسی بایالات و ولایات منقسم میشود.

ماده ۲- ایالت قسمتی از مملکت است که دارای حکومت مرکزی و ولایات حاکم نشین جزء است و فعلا منحصر بچهار ایالت است (آذربایجان) (کرمان و بلوچستان) (فارس) (خراسان).

ماده ۳- ولایات قسمتی از مملکت است که دارای يك شهر حاکم نشین و توابع باشد اعم از اینکه حکومت آن تابع پایتخت یا تابع مرکز ایالتی باشد.

ماده ۴- در ایالات و ولایات و بلوکات برای ترتیب و تنظیم کلیه امور علاوه بر انجمن ایالتی و ولایتی و بلدی که مطابق نظامنامه انجمنهای مذکوره تکالیفشان معین است دوائری تشکیل میشود که بدوائر محلیه موسوم خواهد بود (در مقابل دوائر مرکزیه که عبارت از وزارت-خانهها است) این دوائر از حیث وظائف و وسعت قلمرو

و حدود اختیارات از یکدیگر متمایزند چنانکه از حیث وظائف کلیه منقسم میشوند بدوائر اداریه و عدلیه و از حیث قلمرو بدوائر ایالتی و ولایتی و بلوکی و از حیث اختیارات بدوائر تابعه و متبوعه چنانکه بلوک در اختیارات تابع اداره ولایات است و قریه تابع اداره بلوک.

ماده ۵ - اختیارات دوائر محلیه کلیه از این قرار است .

(اولاً) عزل و نصب اشخاصیکه تعیین آنها بموجب قوانین بدوائر مزبوره و اگذار شده است .

(ثانیاً) نظارت و تفتیش اعمال شعبات جزء .

(ثالثاً) حل و تسویه امور راجعه بآنها و اقدام در اجراء قوانین .

(رابعاً) واسطه بودن در امور ما بین دوائر تابعه و متبوعه .

ماده ۶ - دوائر اداره نیز به دو قسم منقسم میشود اولاً دوائر حکومتی ثانیاً شعب وزارت خانه ها که قانوناً در ولایات تشکیل شده - دوائر حکومتی عبارت است: (اولاً) در ولایات از حاکم و دفترخانه او و اداره ولایتی یا دفترخانه آن و ادارات نظمیة شهری .

(ثانیاً) در بلوک از نایب الحکومه و اداره بلوکی و اداره نظمیة بلوکی .

(ثالثاً) در دهات از کدخدا .

تبصره - قوانین و نظامنامه های شعب وزارتخانه ها در ولایات علیحده مرتب و مدون است اصول و فصول قوانین این نظامنامه راجع بتشکیل و ترکیب دوائر حکومتی ولایات و بلوکات و قراء روابط آن دوائر بادوائر مرکزی و محلی است .

فصل دوم

در تشکیل ولایات (اول - قواعد عمومی)

ماده ۷ - فرمانفرمایان و حکام بموجب فرمان اعلیحضرت همایونی و تصویب وزارت

داخله بسمت حکومت منصوب و از حکومت معاف میشوند .

ماده ۸ - در صورت غیبت یا مرض یا عزل یا انفصال حاکم معاون حکومت متصدی شغل اوست و هرگاه معاون حاضر نباشد و یا بجهتی نتواند قائم مقام حاکم واقع شود یکی از رؤسای شعب وزارتخانه از قبیل کارگذاری یا اداره مالیه یا غیره بموجب قدمت خدمت و تحقق لیاقت کارهای ولایتی را موقتاً موافق قوانین و دستور العملهاییکه برای ولایات وضع شده اداره خواهد کرد .

ماده ۹ - هرگاه حاکم از حدود ولایات خارج نشود و غیبت او فقط از کرسی ولایت برای بلوک گردشی یا انجام یکی از تکالیف اموریتی او باشد غائب محسوب نتواند شد و حل عقد امور با خود حاکم خواهد بود خاصه اموری که بشخص حاکم محول است درین صورت اگر برای قائم مقام حاکم در تسویه امری اشتباهی حاصل شود یا با اعضای اداره ولایتی موافقت حاصل ننمایند آن امر را موکول بمراجعت حاکم خواهد کرد و چنانچه غیبت حاکم از شهر متمادی باشد مطلب را بحاکم راپرت خواهد نمود .

تبصره - در مورد ماده ۱۲ معاون یا شخصی که در غیاب حاکم متصدی امر حکومت است کاغذها را بعنوان مدیری امضاء میکند و در مورد ماده ۱۳ بسمت نیابت .

(دویم - در وظایف حکام بطور عمومی)

ماده ۱۰ - چون از طرف دولت امور ولایت بعهده کفایت و صداقت حاکم که رئیس ولایت است محول شده حاکم باید بیش از همه در حفظ منافع و مصالح دولت و ملت و اجرای قوانین و نظامنامهها و دستورالعملهای ادارات متبوعه و قراردادهای انجمنهای ولایتی و بلدی بکوشد و فواید مملکت و منافع اهالی را در نظر داشته باشد و

احتیاجات آنها را بفهمد و با اختیاراتی که بحکم داده شده امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی رافراهم آورد و قوانین و قواعدی که برای نظم و آسایش عمومی ایجاد شده است بموقع اجرا گذارده و همچنان برعهده حاکم است که در تهیه اسباب حفظ الصحة و وفور ارزاق و آذوقه در ولایات بکوشد و ناظر اجرای کلیه قوانین و دستورالعملهای راجعه بادارات محلیه که در قلمرو ولایت تأسیس شده باشد .

ماده ۱۱ - چون حاکم نماینده دولت است در ولایت و نظارت تمام امور کشوری بعهده او تعلق میگیرد لهذا حق دارد که بی مقدمه بتمام دوائر کشوری سرکشی نماید حدود این حق حکام بعضاً در این قوانین مقید و بعضاً در نظامنامههای راجعه بشعبات وزارتخانهها مندرج است .

ماده ۱۲ - حکام بساید در امر انتخابات و کلاء دارالشورای ملی و منتخبین انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی نهایت جد و جهد را منظور دارند و ناظر باشند که انتخابات مذکوره مطابق نظامنامه انتخابات از روی کمال صحت بعمل آید و در صورت تجدید انتخابات لوازم سهولت و سرعت آنرا بعمل آورند و در موردیکه یکی از وکلاء یا منتخبین از سمت عضویت منفصل شود یا فوت کند پس از اطلاع فوراً امر بتجدید عضو دیگری بجای او نمایند .

ماده ۱۳ - چون حکام ناظر نظم و ترتیبند حق دارند بمواد شکایات متظلمین نظر کنند اگر امور آنها در جائی برخلاف قوانین موضوعه معطل و معوق مانده باشد در سرعت آن اقدام نمایند و کار صاحبمنصبان و مستخدمین ادارات محلیه را در صورت نقض قوانین موضوعه و یا ارتکاب آنها باعمال شنیعه و جنحه و جنایات موافق قوانین بمحاکم عدلیه رجوع نمایند و در مواقع لازمه توجه ادارات متبوعه آنها را باکمال و اتمام عمل آنها معطوف دارند که رسیدگی لازم بعمل آید ولی خود حاکم وجهاً من الوجوه نمیتواند شخصاً محاکمه نماید و نه در محاکمه طرف واقع شود .

ماده ۱۴ - حاکم باید پیوسته درصدد آبادی ولایت و رفاهیت اهالی بوده و چنانچه اقداماتی لازم شود که خارج از تکالیف او باشد اگر جزء وظائف انجمنهای ولایتی و بلدی است بآنها اطلاع دهد و الا بادارات متبوعه راپورت کند و کلیه راپورتهای صحیح از اقدامات خود و احتیاجات اهالی و وضع امور ولایتی بوزارتخانههای لازمه بفرستد .

ماده ۱۵ - حکام مکلفند که مواظبت تامه را در اعلان و انتشار قوانینی که وضع شده و اعلام نامهها و دستورالعملهای رؤساء و احکام ادارات متبوعه و غیره در صورتیکه اطلاع قاطبه اهالی از مفاد آنها لازم است بعمل آورند .

ماده ۱۶ - هرگاه حکام مشاهده نمایند که برخلاف قوانین موجوده اقدامی میشود باید بلا تأمل مانع آن اقدام شده بموجب قوانین درصدد سیاست و تنسیه مقصرین بر آیند و کلیه باید مراقبت نمایند که امور اداره ولایتی و ادارات تابعه در جریان قانونی تحت نظم و ترتیب باشد و هر اداره امور محوله بخود را .

ماده ۱۷ - حکام حق دارند که در موارد فوق العاده و یا در موقعی که امر مهمی مورد مذاکره باشد مجلسی در تحت ریاست خود از رؤسای کلیه دوائر محلیه تشکیل دهند در این مواقع حکام صورت مجلس و رأی آنرا بوزارتخانه که مرجع آن کار است میفرستند و در صورت لزوم کسب تکلیف مینمایند این نوع مجالس را نمیتوان بدون جهت تشکیل کرد فقط وقتی صورت لزوم خواهد یافت که اشتباه و تردیدی در معنی قانون و یا اشکال در امر مهمی روی دهد و اطلاع وزارتخانهها از اشتباه و اشکالی که پیش آمده لازم باشد (رجوع بماده ۱۴۱) شود .

ماده ۱۸ - چنانچه با اداره ولایتی از دوائر جزء و تابع آن اخبار شود که شك و شبهه در موقع اجرای قانونی حاصل شده و یا اشکالی در اجرای احکام پیش آمده حاکم مکلف است مراقبت نماید که موافق ترتیبی که در ماده (۱۵۸) مذکور است این نوع امور

فوراً در اداره ولایتی مطرح مذاکره شود هرگاه اداره ولایتی نتواند توضیحات لازمه را بدهد و خودش هم تردید یا اشتباهی در معنی قانون حاصل نماید باید حاکم یارای اداره ولایتی را بوزارتخانه لازمه فرستاده توضیحات و رفع اشکال را بخواهد و یا در صورت اهمیت مسئله مجلسی را که در ماده (۱۴۷) مذکور است منعقد داشته و موافق مدلول آن ماده رفتار کند .

ماده ۱۹ - چون حکام مسئول نیک و بد امور قلمرو خود هستند باید مواظب باشند که انجمنهای ولایتی و بلدی از حدود وظایف خود خارج نشوند و همچنین کمال مراقبت را در صحت انتخابات مستخدمینی که تعیینشان بعهده حکام واگذار شده داشته باشند و اطلاعات لازمه را قبل از وقت در باب خدمت سابق اشخاصی که میخواهند مستخدم شوند و نیز در باب اخلاق و رفتار و کردار آنها تحصیل نمایند و کلیه مراقبت کنند که اشخاصی که داوطلب استخدام هستند مسبوق بارتکاب جنحه و جنایات و قباحت نبوده دارای اخلاق پسندیده و لایق کاری که بآنها رجوع میشود باشند .

ماده ۲۰ - چنانچه دوایر اداره محلیه بخواهند بموجب اختیاراتیکه بآنها داده شده مستخدمین جدیدی معین کنند یا مستخدمین سابق را بمشاغل جدیدی برگمارند یا از جایی بجای دیگری مأمور نمایند حکام میتوانند در مورد عدم لیاقت مستخدمین مزبوره مراتب را با ادارات مرکزی اطلاع دهند .

ماده ۲۱ - حکام برای تشویق مستخدمین و اجزای لایق قابل خود میتوانند بر طبق قوانین بآنها رفعت رتبه و انعام بدهند و یا استدعای ترفیع رتبه و اعطای منصب و امتیاز از دولت نمایند و مکلفند که قوانین راجعه بخدمت دولتی و ترفیع رتبه و اعطای مناصب و امتیازات را صحیحاً بموقع اجرا گذارند .

ماده ۲۲ - کلیه مستدعیات ادارات محلیه در ترفیع رتبه و اعطای مناصب و امتیازات درباره مستخدمین جزو باید بتوسط حاکم بوزارتخانه لازم تقدیم شود ولی صاحب منصبان

و مستخدمین ادارات عدلیه و تقنینیه از این قاعده مستثنی خواهند بود .

ماده ۲۳ - حکام باید مواظب باشند که مرخصی موقتی ارباب مناصب و مستخدمین ادارات و اجزای دفتر خانه‌ها و انفصال آنها از خدمت موافق قواعدی باشد که ایجاد شده و بتوسط اشخاصی باشد که حق اینگونه اقدامات را دارند و هرگاه حکام مشاهده کنند که مستخدمین فوق العاده غایب میشوند اختلالات لازمه را در این باب بآنها بنمایند و اگر پند و نصیحت آنها اثری نبخشید و وضع و حالت این نوع مستخدمین طوری باشد که در سر خدمت مرتباً نتوانند حاضر شوند باید حکام بمراکز متبوعه اطلاع دهند .

ماده ۲۴ - حاکم مواظبت مخصوصی خواهد داشت که در حدود ولایتی که بریاست او محول شده هیچگونه اغتشاش و بی نظمی اتفاق نیفتد مخصوصاً مراقب افعال و اعمال صاحب منصبان و مستخدمین جز و حکومت خواهد بود و هرگاه از یکی از ارباب مناصب و مستخدمین جز و آشکارا مسامحه یا سوء رفتار یا اعمال شنیعه سرزند و یا آنکه از اختیاراتی که بآنها داده شده تجاوز نموده باشند حاکم بتوسط اداره ولایتی بعد از پند و نصیحت امر بمؤاخذة و تنبیه و سیاست آنها خواهد کرد .

حدود مؤاخذة و سیاست در این موارد از قرار تفصیل است (۱) توبیخ و ملامت (۲) کسر گذاشتن مقرری و مواجب (۳) تنزل دادن از شغل اعلی به اسفل (۴) انفصال مقصر از شغلی که دارد .

تبصره - کسر مواجب و مقرری حدی دارد که نباید از آن تجاوز نماید و آن ثلث مواجب یا مقرری سالیانه شخص مقصر است .

ماده ۲۵ - حاکم حق انفصال از شغل و کسر گذاشتن از مقرری یا مواجب مقصر و تنزل دادن از شغل اعلی با اسفل را فقط نسبت بصاحب منصبان و مستخدمین دارد که تعیین آنها بموجب قوانین با اختیار حاکم محول شده و هرگاه اجرای سیاست مزبوره در باره صاحب منصبانی لازم شود که از وزارتخانه‌ها و مقامات عالیه معین شده‌اند حاکم

مراتب را با کلیه اطلاعات و توضیحات بوزارت یا بمقامات لازمه خواهد فرستاد (رجوع به ماده ۳۹۴).

ماده ۳۶ - هرگاه تقصیر مقصر بقدری اهمیت داشته که اجرای سیاست مذکوره در ماده (۲۴) کافی نباشد بعد از تحقیقات لازمه در اداره ولایتی کار این نوع مقصرین بمحکمه عدلیه رجوع خواهد شد (رجوع بماده ۳۹۳).

ماده ۳۷ - هرگاه حاکم مسامحه یا تقصیرات جزئی در خدمات مرجوعه از طرف مستخدمین بلوکی و دهات مشاهده کند حق دارد که موافق ماده ۲۴ آنها را تنبیه و سیاست نماید - اما در باب مباشر دهات حاکم حق دارد فقط موقتاً او را از شغل خودش انفصال داده بداره بلوکی تفصیل تقصیر او را اطلاع بدهد که اداره مزبوره با اداره ولایتی در این باب مذاکره کرده یا مباشر را بکلی از شغل خودش خلع نمایند و یا بمحکمه عدلیه بفرستند.

ماده ۳۸ - چون حاکم نماینده دولت است در ولایت تمام صاحب منصبان و مستخدمین ولایتی چه آنهاییکه در اداره حکومتند و چه اشخاصی که در سایر دوائر محلیه خدمت مینمایند خواه در تحت ریاست حاکم باشند خواه نباشند باید قطع نظر از رتبه و منصب و قدمت خدمت و غیره نسبت به حاکم احترامات لازمه را بعمل آورند و هرگاه حاکم آنها را برای مذاکره در امری احضار نماید حاضر شوند.

ماده ۳۹ - حدود حقوق و تکالیف حکام را سمت آنها معین و مشخص میکند یعنی چون حکام آلت اجرائیه اند بهیچوجه حق ندارند قانون یا قرار جدیدی بگذارند یا مالیات و عوارض جدیدی وضع نمایند و یا در احکام محاکم عدلیه تغییری بدهند و یا بالاخره از اجرای قوانین موضوعه خودداری کنند.

ماده ۳۰ - حکام باید سعی نمایند که همیشه اطلاعات صحیحه کافیه از وضع ولایتی که قلمرو مأموریت آنهاست داشته باشند یعنی از عدد نفوس و وسعت خاک ولایت و ثروت

طبیعی آن و مقدار زراعت‌ها و چمن‌ها و جنگل‌ها و از چگونگی شغل و حرفت و صنایع و معادن و تجارت و ولایتی و وضع مساجد و ابنیه خیریه و عمارات عتیقه و دارالمساکین و مریضخانه‌ها و از انتشار معارف و اخلاق و عادات اهالی و عده جنحه و جنایاتیکه اتفاق می‌افتد و کلیه اطلاعاتی که اوضاع و احوال و ولایت و اهالی آنرا نشان می‌دهد .

ماده ۳۱ - برای جمع‌آوری این اطلاعات در هر ولایتی در تحت ریاست حاکم هیئتی تشکیل میشود موسوم به هیئت احصائیه (استاتستیک) حاکم باید مراقبت نماید که احصائیه مزبور مرتباً کار نماید .

ماده ۳۲ - نتیجه اقدامات احصائیه را بعد از تدقیق حاکم بوزارت داخله ارسال میدارد و هنگام مسافرت یا عبور موکب همایونی از ولایتی حاکم ولایت مختصری از اطلاعات هیئت احصائیه را که مفید و جامع باشد با راپورت خود کتباً تقدیم حضور مبارک همایونی مینماید .

ماده ۳۳ - حکام باید مواظبت مخصوصی درباره تبعه خارجه که مقیم ولایتی هستند یا از آن ولایت عبور مینمایند داشته باشند و در امور تجارتي و سایر اموری که مضرب حال دولت و ملت نیست موافق قوانین موضوعه و عهدنامه‌ها حمایت لازم را در موارد مقتضیه از آنها بنمایند که از امنیت و رفاهیت عمومی متمتع باشند و نیز باید مراقبت نمایند که بتذکره های تبعه خارجه همیشه بتوسط اداره نظمیه رسیدگی شود که مجهول الحال نباشند تبعه خارجه فقط بحکم محکمه عدلیه با رعایت مدلول عهد میتواند از خاک ایران تبعید شوند هر گاه حاکم مشاهده کند که اقامت اتباع خارجه در ولایتی بواسطه سوء رفتار و کردار آنها مضر است باید مراتب را به وزارت خارجه اطلاع داده و موافق دستور العمل های آن ادارات رفتار کند .

ماده ۳۴ - یکی از مشاغل عمده حکام این است که مراقبت مخصوص در قلع و قمع چیزهاییکه موجب فساد اخلاق اهالی میشود از قبیل قمارخانه‌ها و غیره بعمل آورند

و بجهت نیل باین مقصود اداره نظمیه و ضبطیه بلوکی و غیره را حاکم مأمور مینماید که در موارد اجتماع اهالی در نقطه مخصوصی مراقبت در حفظ نظم و امنیت داشته باشند و از اعمال شنیعه ممانعت نمایند و مقصر را دنبال کنند - ولی باید دستور العمل های حاکم در این باب طوری روشن و واضح و موافق قوانین موضوعه باشد که این مأموریت ادارات نظمیه و ضبطیه مبدل با جحاف و تعدی و هتک ناموس نشود .

ماده ۳۵ - حکام باید اسباب امنیت جان و مال اهالی را از هر حیث چه در شهرها و دهات و چه در طرق و شوارع فراهم آورند چنانچه دزدان و قطاع الطریق در نقطه ای از نقاط ولایت پدید آیند و ادارات نظمیه و ضبطیه از قلع و قمع آن عاجز باشند باید حاکم فوراً اقدامات مؤثره سریعه را بعمل آورده مأمور مخصوصی برای انجام این مأموریت بمحل لازم روانه کند و در صورت لزوم بقوای نظامی ولایتی رجوع نماید . برای حفظ و امنیت راهها در صورت عدم کفایت قراسوران حکام با تصویب ادارات نظمیه و ضبطیه امر به تشکیل دسته مستحفظین سواره از اهالی و سکنه محل مینمایند و باید به پست و کاروانی که حمل مال التجاره و پول مینماید مستحفظ بدهند .

ماده ۳۶ - هرگاه در شهر یا دهی اغتشاشی روی دهد و مردم او امر قانونونی حکومت را اطاعت نکردند باید حاکم بدون فوت وقت شورشیان را بپند و نصیحت و یا توبیخ و ملامت نماید اگر مؤثر واقع نشد قشون ولایتی را خواسته باز شورشیان را بپند و نصیحت متنبه و اتمام حجت نماید و هرگاه باز نتیجه حاصل نشد حاکم یا کسیکه از طرف حاکم مأمور است بقوه جبریه اغتشاش را بر طرف مینماید و محرکین اغتشاش و شورش را بمحکمه عدلیه میفرستد بعد از این اقدامات باید حاکم مواظبت نماید اشخاصی که متنبه شده پشیمان شده اند مجدداً بواسطه سوء اقدامات مأمورین و یا سختی بی موقع بحالت اغتشاش عودت نمایند و کلیه اقداماتی از طرف مأمورین بعمل آید که باعث تسکین قلوب و رفع هیجان عامه شود هرگاه ماندن قشون در محل لازم باشد امر حاکم در آن باب صادر خواهد شد .

تبصره - تکالیف حکام و مأمورین کشوری در وقت احضار قشون برای کمک

بحکومت علیحده مرتب و منضم باین ماده است

ماده ۳۷ - در ولایات سرحدی حکام مکلفند که نظارت مخصوصی نسبت بآدارات

نظمیه ولایتی و ضبطیه بلوکی داشته باشند که حتی المقنور فراری های نظامی و مقصرین مدنی و اشخاصی که جنایت کرده اند از دولت همسایه به خاک ایران نگذردند و کسی

قدرت پذیرفتن آنهارا در خاک ایران نداشته باشد هر گاه با وجود مراقبت لازمه این نوع اشخاص در خفا داخل خاک ایران شوند حاکم بعد از حصول اطلاع موافق مدلول عهود و فرارنامه هائی

که در این باب با دول خارجه منعقد شده و بآستور العمل وزارت خارجه اقدام مینماید

ماده ۳۸ - حکام مراقبت لازمه را خواهند داشت نسبت به اشخاصی که در

تحت نظارت ادارات نظمیه و ضبطیه هستند که نه سستی از طرف ادارات مزبوره بعمل آید و نه سختی .

ماده ۳۹ - یکی از تکالیف حکام مراقبت و مواظبت لازمه است که در قلمرو

مأموریت آنها انجمنهائیکه مخالف قوانین موضوعه است تشکیل نشود.

ماده ۴۰ - در صورتی که حکام مشاهده کنند که اقدامات انجمنی یا حوزه مخالف

اصلی از اصول قانونی بوده تولید فساد می کند یا قسمتی از اهالی را بر قسمتی می شوراند

و باعث فساد و تخریب اخلاق میشود پس از تحقیق حق دارد آن انجمن یا حوزه را تعطیل

کند و در صورت عدم فرصت و احتمال خطر و فساد عاجل حاکم حق دارد که فوراً آن

انجمن را تعطیل نماید تا رسیدگی لازم در محکمه عدلیه بعمل آید در این موارد حاکم

باید مراتب را بوزارت داخله و وزیر مسئول اطلاع دهد

سوم وظایف حکام

در باب آذوقه اهالی و امور داخلی و اجتماعی ولایت

ماده ۴۱ - وظایف حکام در این باب از قرار تفصیل است :

(اولاً) مراقبت در امر آذوقه و ارزاق اهالی

(ثانیاً) مراقبت در اینکجه ابنیه جدید الاحداث شهرها و دهات موافق قوانین

موضوعه تأسیس شوند

(ثالثاً) وقایه امنیت در حدود ولایت و حفظ رفاهیت و آسودگی اهالی

(رابعاً) تشویق اهالی با اقدامات عام المنفعه

(خامساً) مساعدت لازمہ (بقدری که در قوه و استطاعت حاکم است) در پیشرفت

زراعت و حرفت و صنایع و تجارت ولایتی

ماده ۴۲ - اقداماتی که از طرف حکام برای و فوراً آذوقه و ارزاق میشود بر دو

نوع است عمومی و خصوصی

ماده ۴۳ - اقدامات عمومی که راجع به پیشرفت امر زراعت و جلوگیری و

ممانعت از چیزهایی که مخل امر محصولات زراعتی و ارزاق است باید همیشه در مد

نظر حکام باشد بخصوص وقتی که در تمام ولایات یا قسمتی از آن احتمال قحطی برود

ماده ۴۴ - ما حصل اقدامات عمومی آنست که حاکم باید مراقبت مخصوص

بعمل آورد که گندم و سایر ارزاق بدون ممانعت در تمام ولایت با آزادی و قیمت عادلہ

خرید و فروش شود و کسی احتکار ننماید

ماده ۴۵ - اقدامات خصوصی آنکه حکام اطلاعات لازمہ را در باب نرخ ارزاق

و آذوقه از اداره بلدیہ تحصیل مینمایند و نه فقط بتوسط ادارات نظمیه و ضبطیه و

بلدیہ حکام مواظب تعدیل نرخ و عدم کم فروشی و صحت اکیال و اوزان میباشند بلکه

خودشان هم در مورد لازمہ حق دارند بتوسط مأمورین مخصوصی باین امور رسیدگی نمایند

ماده ۴۶ - هر گاه عمارت یا خانه را کسی بدولت و یا بشهری واگذار کند

حاکم مکلف است مراتب را بوزارت داخله و وزارتیکه از آن خانه یا عمارت استفاده

خواهد کرد اطلاع دهد

ماده ۴۷ - هرگاه آثار عتیقه در ولایت باشد و یا مجدداً کشف شود حاکم مکلف است که مراتب را مفصلاً بوزارت داخله اطلاع بدهد

ماده ۴۸ - حاکم باید مراقبت نماید که ادارات اطفائی در کمال نظم و ترتیب بوده قواعد راجعه باین اداره تماماً بموقع اجراء گذارده شود اگر شهری استطاعت ترتیب اداره اطفائی را نداشته باشد حاکم می تواند در صورت لزوم بتوسط وزارت داخله استدعای وجه اعانه از دولت برای دایر نمودن اداره اطفائی در آن شهر بنماید و آن وجه اعانه را با اطلاع انجمن ولایتی بمصرف مذکور برساند

چهارم در وظایف حکومت نسبت بحفظ الصحه عمومی

ماده ۴۹ - وظایف حکام در این باب آنستکه مراقبت لازمه را در اجرای نظامنامه طبی و حفظ الصحه داشته باشند و ساعی باشند که با اقدامات صحیه سریعه در امراض مسریه و امراض سریع الانتشار جلوگیری شود لذا همینکه خبر حدوث چنین مرضی از دوائر جزو حکومت و یا از محل موثقی رسید حاکم باید رسیدگی و معلوم نماید که چه نوع اقدامات برای جلوگیری از انتشار مرض بعمل آمده و علاجی که شده است کافی است یا نه بعد پس از مشاوره با طبیب حافظ الصحه ولایتی اگر لازم شود حاکم مأمور مخصوصی با چند نفر طبیب و معاون طبی و ادویه و آلات و اسباب طبی روانه محل آلوده بمرض و جاهای لازمه مینماید و هرگاه صلاح بداند چند نفر اجزای لازم را هم با مأمور مخصوص روانه میکند بعد از این اقدامات در صورت لزوم خود حاکم به محل ناخوشی رفته شخصاً تحقیقات لازمه را مینماید و هرگونه اقدام مجدانه که مقتضی باشد بعمل میآورد و بتوسط مأموری مخصوص حکام ولایات همجوار را مطلع میدارد

ماده ۵۰ - حکام حق نظارت مخصوصی نسبت بمریضخانه های شهری و بلوکی و

دهات و همچنین مریضخانه‌های مجسها و غیره دارند و خواه هنگام محال گردشی خود در غیر این موقع رسیدگی بمریضخانه‌ها را غالباً بطیب حافظ الصحه ولایتی یا بمعاونین او می‌سپارد .

پنجم وظایف حاکم

نسبت بوصول شدن مالیات دولتی و عوارض محلی

ماده ۵۱ - حاکم باید مراقبت تامه داشته باشد که مالیات و عوارض دولتی بموجب قوانین موضوعه در موقع خود بتوسط کارگذاران مالیه وصول و ایصال شود و بعلاوه باید نظارت صحیح نسبت بوصول و ایصال عوارضی که برای مخارج محلیه از بلدیة و غیره اخذ میشود داشته باشد

ششم در وظایف حاکم نسبت باداره مالیه

ماده ۵۲ - نوشتجاتیکه محتاج بامضای حاکم یا تصویب او است و نزد حاکم فرستاده میشود یا بامضای حاکم میرسد و یا در صورت عدم تصویب مشارالیه عقیده خود را باداره مالیه اظهار میدارد

ماده ۵۳ - حاکم فهرست کارهای تمام شده را که از اداره مالیه برای او در آخر هر سال میفرستند ملاحظه نموده هرگاه تعویقی یا تعطیلی در جریان امور آن اداره مشاهده کند فوراً بوزارت مالیه راپورت میدهد

ماده ۵۴ - هرگاه حاکم بی‌نظمی یا اغتشاشی در اداره مالیه مشاهده کند باید فوراً باداره مزبوره ملاحظات خود را اخطار نموده مراتب را بوزارت مالیه اطلاع دهد و اگر رفع بی‌نظمی نشد باز بوزارت مالیه را مطلع نموده توجه آن وزارت را بمسئله لازمه معطوف دارد ولی حاکم حق ندارد رأساً اجزای اداره محاسبات را تنبیه یا سیاست نماید

هفتم - در وظایف حکام نسبت با اداره خالصجات

ماده ۵۵ - حکام مراقبت تمامه خواهند داشت که اداره خالصجات و مستخدمین و اجزای آن اداره تکالیف خود را موافق قوانین و دستورالعملهای راجعه بآن اداره بعمل آورند و امور آن اداره موافق قوانین و دستورالعمل های وزارت مالیه مرتب باشد هرگاه حاکم مشاهده کند که از طرف اداره یا یکی از مستخدمین آن اداره از حدود مقرر تجاوز میشود باید مراتب را بوزارت مالیه اطلاع داده درخواست اقدامات لازمه را برای رفع بی نظمی بنماید.

ماده ۵۶ - حکام باید مراقبت مخصوصی نسبت به جنگلهای دولتی داشته آنها را حفظ نمایند و هرگاه برخلاف قواعدی که برای حفظ جنگلها ایجاد شده است اقدامی ملاحظه نمایند باید بدون فوت وقت ممانعت نموده مراتب را بوزارت مالیه اطلاع بدهند.

ماده ۵۷ - حکام در راپورت های خود که به مقامات عالیه میدهند باید همیشه وضع خالصجات ولایتی را مفصلا بنویسند و هرگاه اداره خالصجات منظم و مرتب و مستخدمین آن در اجرای تکالیف خود ساعی باشند حاکم میتواند که از وزارت مالیه خواهش امتیازی برای مستخدمین آن اداره بنماید.

ماده ۵۸ - نرخ فروش هیزم جنگل دولتی را که اداره خالصجات در هر سال معین و به وزارت مالیه میفرستد باید قبل از وقت به نظر حاکم برسد.

هشتم - در وظایف حاکم نسبت به تحویل خانهها

ماده ۵۹ - حاکم در وقت بلوک گردشی و همچنان هر وقتی که لازم بداند حق دارد پولی که در دوائر محلیه (ولایتی و بلوکی) موجود است تفتیش نماید و همچنان حق دارد

که بکلیه اموال متعلقه بآن ادارات رسیدگی نموده معلوم دارد که عایدات دولت بدون حیف و میل وارد صندوق میشود یا نه و مقدار بقایا چقدر است تمام اطلاعات خود را در این باب حکام باید بوزارت مالیه راپورت کنند بعلاوه این اقدام حکام مکلفند که اطلاعات خود را در تفیش صندوق ادارات با اداره مالیه نیز اعلام نمایند که اقدامات مقتضیه از طرف آن اداره بعمل آید و اگر اغتشاش یا بی نظمی روی داد جلوگیری کامل بعمل آورند .

ماده ۶۰ - حکام باید سالیانه بوزارت داخله راپورتی تقدیم نمایند که در آن راپورت اطلاعات راجعه به اخذ مالیات و بقایا و كذلك مقدار بقایائی که لاوصول مانده و جهت وصول نشدن بقایا و کلیه اقداماتیکه برای اخذ مالیات و وصول شدن آن از طرف حکومت بعمل آمده است توضیح و تصریح شده باشد راپورت مزبور مبتنی بر اطلاعات خود حاکم که در وقت بلوگ گردشی تحصیل کرده است و اطلاعات اداره ولایتی و ادارات نظمی خواهد بود.

نهم - در وظایف حکام نسبت با اداره علوم و معارف

ماده ۶۱ - حکام مکلفند که مراقبت مخصوصی نسبت بمکاتب ابتدائیه داشته بی خبر به این نوع مکاتب و همچنان بمدارس متوسطه و عالیه (در صورتیکه باشد) سرکشی نمایند و هرگاه از قوانین و دستورالعملها و دستور تعلیمات راجعه بمعارف تخلف میشود مراتب را بوزارت معارف اطلاع دهند و با اداره معارف ولایتی نیز اخطار نمایند بعلاوه این اقدامات حکام باید مساعدت و همراهی لازم را با اداره معارف در اشاعه معارف نمایند .

دهم -- در وظایف حکام

نسبت با ادارات زراعت و فلاحت و معادن و جنگلها

و گمرک و پست و تلگراف و غیره

ماده ۶۲ - حکام مکلفند که در مواردی که این ادارات بتقویت و همراهی حکام محتاجند موافق قوانین موضوعه و دستورالعملهای رؤسای آنها کمال مساعدت و همراهی را از آنها بنمایند و نیز برعهده حکام است به اندازه که در قوانین و نظامنامه های این ادارات معین شده است مراقبت و مواظبت نمایند که بخزانة دولت ضرری وارد نیاید و رفع موانع و اشکالات و اشتباهات بعمل آید .

ماده ۶۳ - حکام حق دارند که ادارات مذکوره در ماده قبل را سرکشی نمایند بدون اینکه حق مداخله در امور آن ادارات داشته باشند و نمیتوانند رأساً اجزای آن ادارات را تنبیه یا سیاست نمایند ولی در صورتیکه اغتشاش یا بی نظمی در آن ادارات مشاهده کنند مکلفند فوراً مراتب را بر رؤسای بلاواسطه آن ادارات که در محل هستند اخطار نمایند و اگر نتیجه مترتب نشد مراتب را بوزارت متبوعه آن اداره و وزارت داخله راپورت نمایند .

یازدهم - در وظایف حکام

در صورت رجوع کار صاحب منصبان و مستخدمین

و اجزای دوایر اداره بمحاکم عدلیه

ماده ۶۴ - حدود تکالیف حکام در باب جلب مستخدمین و اجزای دوایر اداره

بمحاکم عدلیه در نظامنامهٔ محاکمه جنایتی مفصلاً مندرج است (رجوع بمادهٔ ۳۹۱-۳۹۵)

دوازدهم - در وظایف حکام

نسبت باداره جنگ

مادهٔ ۶۵ - تکالیف حکام نسبت بادارهٔ نظام از قراری است که در نظامنامه خدمت نظامی و سایر قوانین و نظامنامه‌های نظامی مندرج است قواعدی که باید در موقع احضار و استعمال قشون (رجوع بمادهٔ ۳۶) و در باب روابط صاحبمنصبان کشوری و لشکری باید مراعات شود جداگانه مرتب و منضم بمادهٔ ۳۶ خواهد بود.

سیزدهم - در وظایف حکام

نسبت بکار گذاریهای خارجه

مادهٔ ۶۶ - کار گذاریهای امور خارجه مقیم ولایات در روابط حکام یا قنصلگریهای خارجه مقیم ولایات واسطه‌اند لهذا تمام امور خارجه در روابط حکام یا قنصلگریها باید باطلاع کار گذارها باشد و همچنان اجرای عهدنامه‌ها و قرارنامه‌های بین الملل باندازهٔ که راجع بتبعه خارجه است باید بواسطه و باطلاع کار گذاریها باشد حکام کمال همراهی و مساعدت را از کار گذاریها در اجرای تکالیف آنها که مبتنی بعهدنامه‌ها و قراردادها و نظامنامه‌ها و دستورالعمل‌های آنها است خواهند نمود از طرف دیگر حکام حق دارند که در صورت لزوم بامور کار گذاریها سرکشی نموده و هرگاه اغتشاشی یا بی‌نظمی مشاهده کنند مراتب را فوراً بوزارت خارجه اطلاع دهند و هرگاه راپورت آنها منتج نتیجه نشد مجدداً توجه مقامات عالیه را به راپورتهای سابقه خود جلب نمایند ولیکن حکام حق ندارند که کار گذار یا اجزای کار گذاری را تنبیه و سیاست کنند.

چهاردهم - در وظایف حکام

هنگام تحویل گرفتن و تحویل دادن ولایات

ماده ۶۷ - حاکمی که از شغل خود منصرف میشود باید اوضاع امور ولایتی را با کلیه اطلاعات راجعه بولایت مشروحاً بوزارت داخله و بفرمانفرما (در صورتیکه ولایت جزو ایالتی باشد) تقدیم نماید و نسخه ای هم بحاکم جدید بدهد .

ماده ۶۸ - هرگاه انفصال حاکمی از ولایت قبل از ورود حاکم جدید باشد حاکم منصرف باید کلیه اطلاعات خود را بقائم مقام حکومت بدهد و او هم بعد از ورود حاکم جدید راپورتی که حاوی اطلاعات حاکم سابق و اطلاعاتی است که خود او در زمان مدیری تحصیل کرده بحاکم جدید بدهد حاکم جدید هم بعد از مباشرت بشغل خود باید راپورت اطلاعاتی را که از حاکم قبل باو رسیده با ملاحظات خود بوزارت داخله و یا بفرمانفرما بدهد (در صورتیکه ولایت جزو ایالتی باشد) .

ماده ۶۹ - در راپورتی که حاکم منصرف و حاکم منصوب میدهند باید مواد ذیل مندرج باشد (اولاً) اموری که تسویه نشده - (ثانیاً) وضع دفترخانه حاکم (ثالثاً) وضع اداره ولایتی (رابعاً) حالت ادارات اطفائیه شهرهای ولایتی و بلوکی - (خامساً مقدار بقایائیکه لاوصول مانده - (سادساً) خیالاتیکه حاکم منصرف در اصلاح وضع و امور ولایتی داشته و خیالاتیکه حاکم منصوب دارد - (سابعاً) وضع نرخ ارزاق و وفور یا قحطی آذوقه .

ماده ۷۰ - در باب دفترخانه حاکم باید مطالب ذیل (در راپورت حاکم منصرف و جدید) تصریح شده باشد اولاً اموری که راجع بدستور العمل های مقامات عالییه و وزارتخانه ها است - ثانیاً کلیه اموری که بموجب مراسلات و راپورت های سایر دوایر دولتی

و مملکتی و شکایات و احکام خود حاکم شروع شده .

تبصره - از کلیه این کارها آنچه محرمانه است باید مجزی شده علیحده نوشته شود .
ماده ۷۱ - آنچه باید از امور اداره ولایتی در راپورت فوق الذکر نوشته شود از قرار ذیل است حاکم منفصل دفعه آخر که در اداره ولایتی حاضر میشود کتابچه ای ترتیب داده در آن کتابچه معین میکند چقدر از اموری که راجع بمجلس وزراء و تحقیقات و امور جنایتی است تسویه شده و چه مقداری از امور بلا تسویه مانده و همچنان چقدر از امور تکلیفش در اداره ولایتی معین نشده سوادى از کتابچه مزبور برای فرمانفرما (در صورتیکه باشد) ارسال و نسخه ای بحاکم جدید داده میشود کتابچه مزبور باید بامضای حضار برسد .

ماده ۷۲ - در باب بقایا باید حاکم منفصل اطلاعات اخیر خود را مفصلاً برای هر محلی علیحده قید نماید .

ماده ۷۳ - حاکم منفصل باید خیالات و نقشه های خود را که راجع باصلاحات ولایتی است مشروحاً و واضح (نزدیک بفهم) بحاکم جدید اظهار نماید و جهت لزوم این اصلاحات را با وسائلی که میتوان برای اجرای اصلاحات اتخاذ کرد و همچنان موانعی که تا آنوقت مانع اجرای خیالات او بوده باید تصریح کند و کلیه اگر چیزی موجب جلب توجه او شده خاطر حاکم جدید را بدان معطوف دارد .

ماده ۷۴ - حاکم منفصل حتماً باید اطلاعات فوق الذکر را بجای لازم بدهد و الا نقض قانون و تخلف از تکلیف کرده و مسئول خواهد بود بعلاوه هر اغتشاشی و بی نظمی که در محل بتوسط حاکم جدید کشف شود و حاکم منفصل اطلاع نداده باشد بر عهده او خواهد بود .

ماده ۷۵ - همینکه حاکم جدید امور ولایتی را از حاکم منفصل یا در غیاب او از مدیر تحویل گرفت راپورت خود را در باب امور ولایتی بفرمانفرما (در صورتیکه

ولایت در جزو ایالتی باشد) والا بوزارت داخله میفرستد .

ماده ۷۶ - نه فقط حاکم منفصل مسئول اطلاعات غیر صحیحه ایست که بجاهای

لازمه و بجانشین خود داده بلکه اشخاصیکه راپورت حاکم را تصدیق کرده و امضاء نموده اند نیز مسئولند .

ماده ۷۷ - راپورت واطلاعات مذکوره در مواد (۶۹ و ۷۰ الی ۷۳) را حکام

باید در موقع مرخصی موقتی یا مأموریت مخصوصی که بآنها داده میشود نیز بقائم مقام خودشان ولو موقتی هم باشند بدهند و ولایت را تحویل داده و تحویل بگیرند هرگاه حاکم رعایت این قاعده را ننماید و هنگام مرخصی بجای دیگر مأمور شود و یا استعفاء کند باید بخرج خود بمحل حکومت سابق خود مراجعت کرده ولایت را بطوریکه در مواد ۶۷ الی ۷۵ ذکر شد تحویل بدهد مگر اینکه حرکت فوری حاکم از ولایت بجهتی مقتضی شده باشد .

ماده ۷۸ - هرگاه حاکم ولایتی فوت نماید و یا بواسطه مرضی نتواند ولایترا

اداره کند قائم مقام او موافق مواد ۷۶-۶۷ باید اقدام بترتیب کتابچه های فوق الذکر از تاریخ تصدی خود به امر حکومت بنماید .

پانزدهم - در محال گردشی

ماده ۷۹ - حکام جدید بعد از تحویل گرفتن ولایت بطوری که در مواد

۶۷-۷۶ مذکور است بدون فوت وقت بادارات واقعه در کرسی ولایت و دفترخانه ها و دفاتر آنها و همچنین بصندوق ولایتی و ادارات نظمی و اداره اطفائیه و محبسها و مریضخانه ها و ادارات خیریه سرکشی مینمایند بعد از تفتیش و رسیدگی ملاحظات خود را اخطار میکنند و قواعد و قوانین موضوعه و مقتضیات وقت و محل را و همچنان نقشه اصلاحات حاکم سابق را منظور نموده در صورت لزوم اقدام در اجرای اصلاحات

مینماید اگر این اقدامات بموجب قوانین در حیطه اختیارات حاکم است رأساً و یا بتوسط و اطلاع اداره ولایتی اقدام میکند (رجوع بمواد ۱۰۱ و ۱۱۱) و هرگاه اطلاع و اجازه مقامات عالیه و وزارتخانهها لازم است مراتب را به وزارت داخله و وزارت لازمدرابورت میکند .

ماده ۸۰ - بعد از اتمام سرکشی بادارات ولایتی و آشنا شدن بامور آن ولایت حاکم جدید شروع بسرکشی توابع قلمرو خود مینماید و طوری سرکشی میکند که از کرسی ولایت زیاد دور نشود و غیبت او از کرسی ولایت زیاد از اندازه طول نکشد مگر در صورت ضرورت قبل از شروع به محال گردشی حاکم اطلاعات ذیل را میخواهد (اولاً) صورتی از اطلاعات اخیری از هر کدام از بلوکات در باب امور دوایر بلوکی رسیده و صورت اتفاقاتیکه دلالت بر بی نظمی و اختلال امور بلوکی مینماید (ثانیاً) از اداره مالیه اطلاعات راجعه بصندوق بلوکی و بقایای بلوکات (ثالثاً) از اداره خالصجات اطلاعات راجعه بچنگلها و عایدات خالصجات و بهمین طور از هر اداره اطلاعاتیکه مهم و برای تقنینش و سرکشی حاکم مفید است از آن اداره میخواهد .

ماده ۸۱ - حاکم هنگام محال گردشی شخصاً تمام ادارات را سرکشی مینماید و صورتها را که از ادارات مختلفه گرفته با فهرستها و صورتهای دوائر بلوکی تطبیق کرده و اختلافات را یادداشت مینماید اگر این اختلافات طوری است که رفعش آسان است فوراً حکم باصلاح و رفع آن میکند و چنانچه مهلت لازم دارد موعدی معین کرده رفع اختلافات را در آن موعده میخواهد ولی هرگاه اختلافات مهم و کلی است و مسامحه بزرگی روی داده و یا سوء استعمال شده حاکم صورت آنرا با اداره ولایتی میفرستد و اداره مزبوره موافق اختیاراتی که بآن اداره قانوناً داده شده از مقصر مؤاخذنه مینماید و در صورت اهمیت تقصیر تحقیقات لازم را برای فرستادن مقصر بمحکمه عدلیه بعمل میآورد ملاحظات خود را حاکم به اداراتیکه سرکشی کرده اخطار کرده بعد صورتی از آن

ملاحظات را بادرهٔ ولایتی ارسال میدارد و هرگاه این ملاحظات حاکم راجع بسایر دوائر محلیه باشد ملاحظات خود را بآن دوائر اخطار مینماید .

ماده ۸۲ - بعد از سرکشی يك بلوك حاکم به بلوك ديگر ميرود و طوری مسافرت خود را ترتیب میدهد که بعضی از نواحی و دهات معتبر را هم ببیند در سر راه حاکم بطور رسمی ولی محرمانه از اشخاص لازم سؤال های راجعه بادره شدن امور بلوکی وغيره مینماید و میفهمد که بی اعتدالی میشود یا نه و احتیاجات اهالی چیست و میل بچه نوع اصلاحات دارند و میخواهند و هرگاه مطلبی کشف کند که دلالت بر بینظمی و پایئه بی اعتدالی راجع بادراتی باشد که تابع دوائر ديگرند مراتب را بآن دوائر اطلاع میدهد.

ماده ۸۳ - هنگام بلوك گردشی حکام متوجه باخلاق و آداب و درجه معارف و حالت زراعت و معادن و ثروت و تجارت محلی بوده و اطلاعات خود را جداگانه مرتب و باعقائد خود در اصلاحات لازم بوزارت داخله ارسال خواهند داشت.

ماده ۸۴ - حکام مکلفند که هنگام بلوك گردشی طوری نمایند که این سرکشی آنها که برای رفاهیت و آسودگی اهالی است تولید زحمت و آزردهی خاطر برای اهالی ننماید بدین جهت لوازم مسافرت را بقدری که احتیاج تحصیل نموده مراقبت نمایند که از طرف خدمه و همراهان آنها اجحاف و تعدی بکسی نشود .

ماده ۸۵ - بعد از اتمام عمل بلوك گردشی حاکم مکلف است که راپورت محال گردشی خود را مستقیماً بوزارت داخله تقدیم کند و سوادى هم برای فرمانفرما (در صورتی که باشد) از راپورت خود و منضمات آن خواهد فرستاد.

ماده ۸۶ - حاکم مکلف است که این سرکشی را موافق مواد ۷۹ و ۸۵ و همه ساله يك دفعه بعمل آورد و اگر وضع ولایت بواسطه وسعت زیاد و بدی راهها اقتضا ندارد لامحاله دو سال یک دفعه بلوك گردشی نماید.

(تنبیه) ترتیب سرکشی که غفلتاً و بطور خصوصی بدوائر محلیه میشود در مواد آتیه مرتب است (مورد هفتم ماده ۱۴۶ و غیره).

شانزدهم - در راپورت‌های سالیانه و اطلاعات فوری

که حکام باید بدهند

ماده ۸۷ - غیر از راپورتی که حکام بوزیر داخله بعد از اتمام عمل محال گردشی میدهند باید در مواقع معینه راپورت‌های مفصل و مختصر را در باب وضع ولایت و اقداماتیکه کرده‌اند بدهند این راپورت‌ها بر دو نوع است یکی عمومی است که حکام بعد از انقضای هر سالی میدهند دیگری خصوصی که در موارد لازمه یا در مواقع فوری در عرض سال باید بدهند.

ماده ۸۸ - راپورت‌های عمومی را حکام سالی یکمرتبه بوزارت داخله تقدیم میکنند و باید تمام ادارات ولایتی حتی ادارات بلدیه اطلاعاتیکه برای تقدیم این راپورت لازم است بحاکم برسانند سوادى از این راپورت عمومی را حکام برای فرمانفرما در جائیکه هست ارسال میدارند.

ماده ۸۹ - غیر از راپورت سالیانه حکام مکلفند که ماهی دو دفعه راپورت گزارشات ولایتی را بوزیر داخله بدهند و نیز گزارشات و وقایع فوری را بدون فوت وقت تقدیم کنند کلیه هرگونه اطلاعات راجعه بوزارت داخله را باید حکام بوقت و بموقع خود برسانند و آنچه را که موافق قوانین بسایر وزارتخانه‌ها راجع است بموقع بان وزارتخانه اطلاع دهند.

(تنبیه) - حکام میتوانند در مواقع مهمه در صورتیکه شکل و وضع و اهمیت کار تقاضا مینماید چاپار مخصوص روانه پایتخت نمایند.

هفدهم - در مسئولیت حکام

ماده ۹۰ - حکام در موارد ذیل مسئول و مؤاخذند (اولاً) در صورتیکه قوانین و احکام و همچنان دستور العملهای رؤسای خود را بلا اجرا گذارند و یا درست اجرا نمایند و نتوانند بی تقصیری خود را مدلل نمایند (ثانیاً) هرگاه در موقع تفتیش ولایات بواسطه مفتشی که از مرکز دولت فرستاده شده مدلل شود که اغتشاش و اختلال امور ولایتی تقصیر حاکم بوده و میتوانسته است از اغتشاش ولایتی جلوگیری کند ولی بمسامحه گذرانیده (ثالثاً) چنانچه مصرح شود که رواج رشوه و تعارف در ولایت بواسطه اغماض حاکم یا شراکت خود حاکم در این گونه عمل شنیع بوده - (رابعاً) در صورتیکه حکام اقدامی نمایند که خارج از وظیفه آنها باشد و یا آنکه خارج از حدود اختیاراتی باشد که بآنها بموجب قوانین و نظامنامهها داده شده - (خامساً) وقتیکه باشخصیکه در ادارات حکومتی خدمت میکنند و كذلك باجزای نظمیه کارهائی رجوع نمایند که خارج از حوزه تکالیف آنها باشد و یا آنکه کارهای شخصی خود را بآنها رجوع کنند (سادساً) در صورتیکه بی قاعده تحقیقاتی را در امری شروع نمایند و خود سرانه تحقیقاتی را ختم کنند (سابعاً) وقتیکه حکام شخصاً و رأساً اقدام کنند در امری که راجع باداره ولایتی و یا سایر دوائر محلیه و یا ادارات جزو آن دوائر است و در این باب دستور العملی از رؤساء خود نداشته اند - (ثامناً) در مواردی که حکام دخالت بکار محاکمه نمایند و ملک کسی را انتزاع نموده بدیگری دهند و کلیه باموری دخالت نمایند که راجع بمحاکم عدلیه است - (تاسعاً) در مواردی که خود سرانه و بدون اجازه جاهای لازم تغییری در وضع ولایت دهند که باعث اجحاف و تعدی و آزردهالی شود یا بواسطه اهمال و عدم دقت در امور قوانین را طوری اجرا نمایند که منظور از ایجاد قوانین که مساوات است بعمل نیاید و یا آنکه بالاخره مالیات و عوارضی که قانوناً معین نشده از

اهالی اخذ نمایند (عاشراً) در مواقعیکه تحقیقات جنایتی بعمل میآید بواسطه غرض شخصی اغتشاش و اختلالی فراهم آورند و این اقدامات شنیعه آنها در محاکم استیناف یا جای دیگر کشف شود - (حادی عشر) وقتی که معلوم شود اقدامی که حاکم برای جلوگیری از تعدی و اجحاف و جنحه و جنایات و قباحت و رفع ظلم و غیره کرده است بدرجهای که لازم است سخت نبوده و نتیجه حاصل نشده خصوصاً اگر ظاهر شود که حاکم غرضی داشته یا باجانی و ظالم و مقصر همراه بوده (ثانی عشر) در مواردی که حکام برای وصول بقایا همراهی لازم بعمل نیاورند و از اجرای قوانین خودداری نمایند - (ثالث عشر) وقتی که حکام در موارد بلیات سماوی از قبیل حریق و امراض مسریه در میان مردم وحشم و حیوانات و همچنان در موقع طغیان آب و طوفان و غیره باتمام قدرت و اختیاراتی که بآنهاداده شده برای حفظ نفوس و کمک و اعانه بدرماندگان و بیچارگان اقدام نکرده اند (رابع عشر) در صورتیکه مشاهده شود که عمداً یا چند دفعه سهواً قوانین راجع بخودشان را نقض کرده اند و از اندازه خود خارج شده اند خواه این اقدام را رأساً خودشان کرده باشند خواه از اداره ولایتی و جاهائی شده باشد که در تحت ریاست یا نظارت حکام واقعند (خامس عشر) وقتی که بمأموریتی که بداخله ولایت برای انجام کاری میفرستند خرج سفر بدهند بدون اینکه قواعدی را که در این باب ایجاد شده رعایت نموده باشند .

ماده ۹۱ - در تمام مواردی که در ماده قبل معین شده و همچنان در سایر مواردی که از این قبیل باشد حکام بحکم قانون مسئولند و تنبیه و سیاست آنها بعد از ثبوت تقصیر آنها از توبیخ و شماتت گرفته الی خلع از شغل و عزل از حکومت بر حسب تصویب وزارت داخله بحکم بندگان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی بعمل میآید و هرگاه تقصیر حاکم بقدری مهم باشد که بعد از عزل باید بمحاکم عدلیه جلب شود موافق نظامات عدلیه کار او بمحکمه لازمه رجوع خواهد شد و تحقیقات لازمه برای ارجاع کار حاکم مقصر

بمحکمه عدلیه در مجلس وزراء بعمل خواهد آمد .

هیچدهم - در روابط حکام

بامقامات عالییه و ادارات متساویه و تابعه (جزو حکومت)

ماده ۹۲ - حکام در مواردی که بموجب این نظامنامه معین شده بتوسط وزارت داخله بحضور مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی راپورت عرض میکنند و بصورت اوامر و احکام که برطبق قوانین موجوده است از جانب سنی الحوانب مقتخر و مباهی می شوند .

ماده ۹۳ - حکام بوزیر داخله و بفرمانفرما اگر باشد راپورت میدهند و دستور العمل میگیرند و بسایر وزراء در موقع لازمهاطلاعات و عقاید خودشان را تقدیم میکنند

ماده ۹۴ - در صورتیکه ولایتی جزو ایالتی باشد حاکم تابع دستور العملهای قانونی فرمانفرمای آن ایالت است و اطلاعات و عقاید و ملاحظات خود را توسط فرمانفرما بوزرای مسئول راپرت مینماید از این قاعده کلی موارد ذیل مستثنا است .

(اولاً) - راپرت تحویل دادن و تحویل گرفتن ولایت و راپرت سرکشی نوبت اول ولایت و راپرتهای سالیانند و اطلاعات فوری راجعه بجریان امور ولایتی و اتفاقات فوق العاده امثال آن .

(ثانیاً) - راپرتهای راجعه با اتفاقات مهمه که اندک تأخیری در وصول اطلاعات در مرکز موجب خسران بزرگ تواند شد .

(ثالثاً) - در مواردی که حکام دستور العمل های واصله از فرمانفرما را مناقض و مخالف قوانین موجوده میدانند - در کلیه موارد مذکوره حکام مستقیماً اطلاعات و عقاید و ملاحظات خود را بوزیر داخله راپورت و بوزراء مسئول تقدیم میکنند و در همین موقع

صورت آن راپورتها را بجهت فرما نفرما میفرستند .

ماده ۹۵ - حکام بادارات کل و ادارات جزو وزارتخانهها در پایتخت و کذاک بادارات طرق و شوارع و معارف و گمرک و معادن و نظامی و بحری و پست و تلگراف که در ولایت تأسیس شده و مدعی عمومی ولایت و همچنان باداره تقشیش ولایتی و انجمنهای ولایتی و بلدی مراسله مینویسند .

ماده ۹۶ - حکام باداره ولایتی و به هیئت احصائیه و اداره مالیه و انجمن ولایتی و اداره بلدی و کمیسیونها و نرخ ارزاق عقاید و ملاحظات خودشانرا اخطار مینمایند و ادارات ملاحظات خودشانرا بحاکم تقدیم میکنند .

ماده ۹۷ - حکام بادارات نظمیه و ضبطیه کرسی ولایت و بلوکات که جزو حکومت هستند حکم میکنند و از آنها راپرت میگیرند - بادارات قراسوران که در کرسی ولایت تأسیس شده مراسله مینویسند و راپرت اطلاعات رامیگیرند .

ماده ۹۸ - ترتیب روابط حکام بادوایر عدلیه در نظامات عدلیه مندرج است .

ماده ۹۹ - حکام باید مراقبت نمایند که نوشتجات و مکاتبات آنها با سایر ادارات و همچنان مکاتبات اشخاص و دوایر جزو حکومتی با ادارات متفرقه موافق قواعد توقیر و ادب باشد و طوری نباشد که تولید مناقشه و مکابره نماید و بیجهت مسائلی طرح شود که باعث ازدیاد مکاتبه و فوت وقت طرفین شود .

ماده ۱۰۰ - حکام باید سعی نمایند که مکاتبه ما بین دوایر حکومتی و سایر دوایر حتی المقدور بموقع و بامعنی باشد و بیجهت رشته مکاتبات بطول نینجامد و کارها از جریان طبیعی نیفتد .

ماده ۱۰۱ - حکام باید مراقبت نمایند که هر کاری در اداره و دایره متعلق بها طرح و تسویه شود و حدود و حقوق ادارات محفوظ بماند حاکم فقط در دو مورد حق دارد که کارها را در دفترخانه خود تسویه کند اولاً وقتیکه کار فوری و فوتی است و سرعت اقدام

مستلزم استثناء از قاعده کلی است اینگونه امور با منضمات آن بعد از تسویه فوری با اداره ولایتی داده خواهد شد و ثانیاً در صورتیکه استتار مطلبی یا مسئله مقتضی پیشرفت آن مسئله است و یا آنکه موقع مقتضی افشای آن مطلب نیست .

ماده ۱۰۲ - حکام حق ندارند سواد قرارداد های اداره ولایتی را از آن اداره خواسته بدفتر خانه خودشان بدهند و باید مراقبت داشته باشند که در دفتر خانه آن اداره آن قراردادها بموقع اجرا گذارده شود .

ماده ۱۰۳ - روابط رسمی حکام با ادارات و اشخاصیکه تابع و جزو اداره ولایتی است و همچنان با ادارات و اشخاصیکه جزو شعبات ولایتی و وزارتخانه ها هستند باید بتوسط رؤسای آنها باشد مگر در صورتیکه ضرورت ارتباط بلاواسطه را اقتضاء کند یا نفع مهمی برای امور و ارتباط بلاواسطه منظور باشد .

تبصره - هنگام سرکشی ولایات حکام حق دارند با ادارات و اشخاص جزو دوایر ولایتی مستقیماً مذاکرات شفاهی نمایند و ملاحظات و عقاید خود را اخطار نمایند زیرا که بتجربه رسیده که نوع مذاکرات و اخطارات شفاهی بیشتر از مکاتبه مؤثر است .

ماده ۱۰۴ - حاکم باید حتی المقدور بیشتر با مردم معاشرت نماید و اشخاصی که برای کار نزد او می آیند بآداب و توقیر بپذیرد و بانجباء و معارف ولایتی رابطه و آمیزش داشته باشد و کلیتاً طوری حرکت و رفتار نماید که طرف محبت و اعتماد اهالی واقع شود زیرا که اول وظیفه حاکم اجرای قوانین و حفظ رفاهیت و امنیت اهالی است و ارتباط معنوی که مابین حاکم و اهالی ازوداد و اعتماد حاصل میشود بهترین اسباب اجرای این مقصود مهم است .

نوزدهم - در باب قواعدی که باید حکام ترتیب داده

و بموقع اجرا گذارند

ماده ۱۰۵ - چون اجرای قوانین راجعه بامنیت و رفاهیت اهالی یکی از وظایف

عمده حاکم است و عادات و اخلاق اهالی ولایات متفاوت و مقتضی بعضی تصرفات و اقدامات است که باید از طرف دوائر حکومتی و نظمیہ بعمل آید لهذا حکام و ادارات نظمیہ میتوانند نظر بآداب و عادات و اخلاق اهالی ولایت بعضی قواعد لازمه را چه عمومی باشد چه خصوصی مرتب نموده اعلام نمایند ولی اول شرط این حق حاکم آنست که این قواعد نباید وجهاً من الوجوه مخالف قوانین موجوده و مناقض دستور العمل های وزارتخانهها باشد.

ماده ۱۰۶ - کلیه این قواعد بطوری که در ماده قبل مذکور است برای اهالی حتمی الاجراست و تا موقوف نشود در قوت خود باقی خواهد بود و اشخاصیکه برخلاف این قواعد رفتار نمایند مورد مسئولیت خواهند بود و محاکمه و تنبیه آنها راجع است بمحاکمی که بموجب نظامنامه عدلیه مرجع امثال این امور خواهد شد.

ماده ۱۰۷ - قواعدی که حکام و ادارات نظمیہ و ضبطیہ ایجاد میکنند باید در روزنامه های محلیه چهار دفعه اعلام شود و بطبع رسیده در معابر و کوچهها و میدانها و ادارات پلیس و غیره یکماه قبل از اجرا نشر و اعلام شود.

تبصره - - قواعدی که ادارات بلدیہ و ادارات اجتماعیہ وضع میکنند بامضای حاکم رسیده بهمین ترتیب اعلام و بموقع اجرا گذارده میشود.

ماده ۱۰۸ - اداره ای که ایجاد این قواعد را کرده است میتواند این قواعد را تکمیل یا تغییر داده یا بکلی رفع نماید ولی باز باید بهمان ترتیب تکمیل و تغییر و رفع قواعد اعلام شود.

ماده ۱۰۹ - تفصیل این اقدام خود را با جهت آن و صورت قواعدی که ایجاد کرده اند حکام باید فوراً بوزیر داخله راپورت کنند و نسخه ای هم بفرمانفرما (جائیکه هست) تقدیم مینماید وزیر داخله حق دارد رأساً یا بواسطه شکایت ادارات و اشخاص متفرقه حکم تغییر و تکمیل و رفع قواعد موضوعه را بدهد.

ماده ۱۱۰ - انجمن ولایتی و اشخاص متفرقه و کذا لك ادارات بلدیة حق دارند که بوزارت داخله و بمجلس شورای ملی از قواعدیکه ایجاد شده شکایت نمایند و لسی مادامیکه حکم نسخ نرسیده است از اجرای قواعد مزبور نمیتوانند تخلف نمایند .

بیستم - در ترتیب دفترخانه حاکم

ماده ۱۱۱ - حاکم هر ولایتی دفترخانه ای دارد که امور مذکوره ذیل را تسویه میکنند (اولاً) مکاتبات راجعه بسرکشی ولایت - (ثانیاً) نوشتجات راجعه بر اپورت های سالیانه - (ثالثاً) اموری که باید در خفا بماند و بموجب قانون دستور العملها باید بتوسط شخص حاکم فقط تسویه شود - (رابعاً) اموری که فوتی و فوری است و سرعت اقدام لازم دارد (امور اخیره با منضات آن بعد از تسویه ب اداره ولایتی داده می شود) - (خامساً) مکاتبه با ادارات نظامی در باب حرکت و استعمال قشون در ولایت .

ماده ۱۱۲ - در این دفترخانه غیر از کتابچه فهرست نوشتجات وارده و ثبت نوشتجات صادره و مخفیة (دوسیه) کارها با نمایندۀ عمومی (مقصد از نمایندۀ عمومی دفترست که فهرست تمام مطالب در آن ثبت است) داشتن کتابچه های مخصوص ذیل هم لازم است (اول) کتابچه دستورالعملهای وزیر داخله (دوم) کتابچه ثبت امور محرمانه (چهارم) کتابچه ثبت خواهش و استدعاهائیکه از حاکم میشود و در این کتابچه مستدعیات بترتیب حروف تهجی نوشته شده و قید میشود که عریضۀ شخص عارض بکی و بکدام اداره فرستاده شد .

ماده ۱۱۳ - رئیس دفترخانه مسئول تمام امور دفترخانه است منشی و محررین دفترخانه را بقدر لزوم خود حاکم معین میکند .

ماده ۱۱۴ - حکام حق دارند که يك یا دونفر آجودان از صاحبمنصبان نظامی

و کشوری با انتخاب خودشان داشته باشند برای انجام مأموریت های مخصوص که بآنها محول میشود و برای پیغامات مهمه ولی این اشخاص نباید با حاکم قرابست و خویشی داشته باشند عزل و نصب این اشخاص با حاکم است بشرط رعایت قوانین راجعه بخدمت دولتی و ترفیع رتبه و مرخصی و عزل و غیره که برای مأمورین دولتی مقرر است .

ماده ۱۱۵ - علاوه بر آجودان های مذکور در ماده قبل حکام باید بعضی مستخدمین از شاگردان فارغ التحصیل مدارس که خود را برای خدمت حاضر میکنند در دفتر خانه خرد داشته باشند این نوع اشخاص تا تجربه در امور حاصل نکرده اند و صداقت آنها بتجربه نرسیده در دفتر خانه حکومتی مجاناً کار خواهند کرد و گاهگاهی مأموریت های غیر مهمه با خرج دولتی بآنها محول میشود تا در موقع مقتضی داخل خدمت شوند و در صورتیکه این نوع اشخاص داخل خدمت شدند خدمت سابق آنها در دفتر خانه حاکم جزو خدمت دولتی آنها محسوب خواهد شد.

فصل سیم - در اداره ولایتی

اول - تشکیل اداره ولایتی و حدود وظایف

اداره ولایتی و اختیارات آن

ماده ۱۱۶ - اداره ولایتی مجلس عالی است که برای اداره کردن امور ولایتی تأسیس شده اداره مزبور مجری و ناظر اجرای قوانین راجعه بولایت است.

ماده ۱۱۷ - وظایف این مجلس از قرار تفصیل است (اول) اعلان و انتشار قوانینی که ایجاد شده و کذا لک دستور العمل های وزارت داخله و تبلیغ نسخه های چاپی قوانین با ادارات نظمی و ضبطیه (دوم) نظارت اجرای قوانین در تمام دوائر ادارات (محلیه) و اینکه اقدامات لازمه برای جلوگیری از نقض قوانین بعمل آید و نظارت

جریان طبیعی امور در تمام دوائر محلیه تابعه و تنبیه و سیاست صاحبمنصبانی که از طرف رئیس ولایت در دوائر حکومت معین شده اند و همچنان تنبیه و سیاست صاحبمنصبان اداره نظمیه و ضبطیه (در صورتیکه از صاحبمنصبان دوائر حکومتی و نظمیه و ضبطیه مسامحه یا اهمال و یا تقصیر جزئی سرزده باشد) و ارجاع بمحاکم عدلیه در صورتیکه تقصیر مهمی از آنها ناشی شده باشد و کذا لک جلب مستخدمین و اجزاء ادارات دوائر محلیه را بمحاکمه در صورتیکه آنها را دوائر محلیه معین کرده باشند (رجوع بماده ۳۹۱)

تبصره - صاحب منصبان اداره تقنینش از این قاعده مستثنا و بموجب قانون مخصوص تشکیل وزارتخانه ها بمحاکم عدلیه جلب خواهند شد .

(سیم) حل مشکلاتی که در فهمیدن قوانین یاد ر موقع اجرای آن پیش می آید و کذا لک اختلافاتی که فیما بین انجمن ولایتی با ادارات محلیه واقع میشود و نیز اختلافاتی که مابین دوائر تابعه با اداره ولایتی و دوائر تابعه با اداراتیکه در ولایت تشکیل شده اند در باب مرجعیت امور حاصل میشود همچنان رفع معارضاتی که فقط فیما بین دوائر بلوکی که در یک ولایت واقع و تابع اداره ولایتی هستند در باب مرجعیت امور اتفاق می افتد (چهارم) جمع کردن اطلاعات لازمه از مأمورین سرحدی در باب مهاجرت تبعه خارجه بولایات ایران و قسم دادن تبعه خارجه را در وقت دخول بتابعیت ایرانیه (پنجم) دادن تعلیمات لازمه بدوائر و اشخاص لازم در باب اخطاراتی که رئیس ولایت در موقع محال گردشی بآن دوائر و اشخاص نموده است .

(ششم) تسویه کلیه اموری که از دوائر مختلفه نزد حاکم می آید و تمام کارها و مسائلی که بموجب قانون راجع بحاکم است تسویه شود باستثنای اموری که در ماده (۱۱۱) مذکور و راجع بدفترخانه حاکم است .

(هفتم) مراقبت در امور حفظ الصحه بطوری که در نظامنامه حفظ الصحه مصرح

بها است (هشتم) تحصیل اطلاعات راجعه بدفتر نفوس و حرفت و صنعت ولایتی و کارخانه ها و پست و تلگراف و راهها و پلها و معابر و نظارت اکیال و اوزان و امور راجعه بیزارهای عمومی و غیره (نهم) نظارت در ساختن راههای ولایتی و راههای نظامی (دهم) تحصیل اطلاعات راجعه به بقایای ولایتی و راپورت های اداره ضبطیه در پیشرفت وصول بقایا و یا عدم وصول آن (یازدهم) تقدیم لوایح مقاطعه هائیکه در ولایت از طرف خزانه دولت بتصویب انجمن ولایتی داده میشود و مبلغ آن بیش از پانصد تومان است بوزارت داخله و سایر وزارتخانهها (مقاطعه که مبلغش الی پانصد تومان است) بسته بتصویب حاکم و اطلاع انجمن ولایتی است (دوازدهم) تحصیل تمام اطلاعات راجعه به ممیزیها و تحدید حدود املاک و غیره (سیزدهم) نظارت در امور راجعه بتوقیف اموال و املاک بحکم محکمه عدلیه با رعایت قوانین شرعیه (چهاردهم) الزام در اجرای وصایای متعلقه به امور خیریه عامه در صورت تأخیر و تخلف از عمل وصایا (پانزدهم) تسویه کلیه کارهای اداره که بعد بموجب قوانین باین اداره موقوف و محول خواهد شد (شانزدهم) رسیدگی بشکایاتی که مردم از ادارات بلدییه بحاکم میدهند (هفدهم) تسویه کلیه اموری که راجع بحصول آسایش و امنیت اهالی است (هیجدهم) عزل و نصب مستخدمین دفترخانه اداره ولایتی و مرخصی موقتی آنها و امور راجعه بترقیع رتبه و مناصب و امتیازات آنها موافق قوانین موضوعه.

ماده ۱۱۸ - اداره ولایتی باموریکه راجع برسیدگی در محاکم عدلیه است دخالت نخواهد کرد یعنی محاکمه نمینماید.

ماده ۱۱۹ - اداره ولایتی در اداره وزارت داخله و تابع اوامر و دستورالعمل های مجلس وزراء است .

ماده ۱۲۰ - اداره ولایتی مرکب است از یک مجلس مشاوره و یک دفترخانه مجلس مشاوره در تحت ریاست حاکم مرکب است از معاون و دو مستشار و مهندس

ولایتی وطیب و مساح و معمار ولایتی و یکنفر معین الاداره تمام این اشخاص موسومند باعضاء مجلس مشاوره ولایتی .

تبصره - ۵ - در جاهائیکه از برای مجلسها مقتش معین شده و در ولایت مقیم است او هم عضو این مجلس محسوب است .

ماده ۱۲۱ - حاکم و معاون و مستشارها و معین الاداره در کلیه اجلاس مجلس حاضر شده و رأی میدهند ولی سایر اعضاء در صورتی حاضر میشوند که امری راجع بکار آنها مطرح مذاکره باشد .

تبصره - ۶ - یکی از مستشارهای اداره ولایتی بتصویب حاکم و امضای وزیر داخله مستشار اول خواهد بود .

ماده ۱۲۲ - دفترخانه مجلس مشاوره نظر بانواع و اقسام امور بچند شعبه منقسم میشود و هر شعبه در اداره یکی از مستشارها یا اعضاء مجلس مشاوره خواهد بود و مدیر آن شعبات هر کدام معاون و بقدر لزوم منشی و اجزاء خواهند داشت امور عمومی اداره ولایتی راجع بشعبه عمومی دفترخانه است و يك نفر منشی بامعاون و اجزاء آن شعبه را اداره خواهد کرد کتا بچه های صادره و وارده و دفاتر کار (دوسیه) این اداره بموجب دستورالعمل وزارت داخله مرتب خواهد شد تمام شعبه های دفترخانه در تحت ریاست معاون حاکم است .

ماده ۱۲۳ - در ولایاتیکه اداره محبسها با مفتشین ایجاد شده در دفترخانه مجلس مشاوره شعبه ای نیز با اسم شعبه محبسها ایجاد خواهد شد

ماده ۱۲۴ - مواردی که در اداره ولایتی مسائل حفظالصحه یا مطالب راجعه بامراض مسریه از قبیل وبا و طاعون وغیره طرح میشود و یا مطالبی مورد مذاقه است که راجع بدوائر مختلفه است و برای انجام آن سعی و کوشش آن دوائر لازم است اشخاص ذیل هم بمجلس مشاوره مزبور دعوت میشوند کار گزارها و رؤسای دوائر

محاسبات و دوائر محاسبات و دوائر معارف و خالصجات و رؤسای انجمن های ولایتی و بلدی (کلانترها) و رؤسای نظمی و معاون طبیب ولایتی و کلیه اشخاصی که اطلاعات و بصیرت آنها موجب پیشرفت مقاصد است.

ماده ۱۳۵ - در صورتی که مسئله در اداره ولایتی طرح شود که راجع بعمل طبی و مهندسی و مساحی باشد در تحت ریاست مهندس و یا حافظ الصحه یا مساح ولایتی انجمنی از اشخاصی که در اداره آنها هستند تشکیل می شود و بعد از مذاکره صورت مجلسی که باعضای اعضای انجمن رسیده بمجلس مشاوره می آید رؤسای این انجمنها می توانند اشخاص معروف و اهل علم و عمل را باین انجمنها دعوت نمایند .

ماده ۱۳۶ - حافظ الصحه ولایتی و همچنین مهندس و مساح ولایتی بعلاوه اینکه در مجلس مشاوره و اداره ولایتی در موارد لازمه حاضر میشوند هر کدام در تمام ولایت بامور راجعه بفن خودشان نظارت خواهند داشت یعنی طبیب بامور طبیه ولایتی و مهندس و معمار بامور مهندسی و معماری ولایت و مساح بامور راجعه به مساحی و هر کدام از مستخدمین مزبوره در شعبه لازمه دفترخانه اداره ولایتی راجعه بفن خودشان سرکشی خواهند نمود .

ماده ۱۳۷ - مفتشین محبس های ولایتی موافق دستورالعملهای حاکم در شعبه دفترخانه اداره ولایتی که راجع بامور محبس و محبوسین و اجرای احکام محاکم عدلیه است سمت مدیری خواهند داشت و امور آن شعبه را اگر راجع بحاکم است بدستورالعمل حاکم و هرگاه راجع به اداره ولایتی است بدستورالعمل آن اداره موافق حدود این قوانین انجام خواهند داد تکالیف مفتش محبس ها در نظامنامه راجعه بمحبس ها و محبوسین مندرج است .

ماده ۱۳۸ - طبیب ولایتی و مهندس و معمار و مساح و مفتش محبسهای ولایتی هر کدام شعبه ای از شعبات دفترخانه اداره ولایتی را که راجع بآن نه است اداره خواهند

کرد و در صورت لزوم معاون و اجزاء خواهند داشت و عده منشی و صاحبمنصبان و مستخدمین دفترخانه اداره ولایتی را وزیر داخله تعیین کرده صورت آنرا برای هر ولایتی اعلان خواهد کرد.

ماده ۱۲۹ - اداره ولایتی در صورت لزوم مطبعه خواهد داشت که روزنامه رسمی ولایتی و اجزاء و قواعد خدمت آن نهاد در مطبعه و اداره روزنامه رسمی در نظامنامه انطباعات مرتب خواهد داشت.

ماده ۱۳۰ - اداره ولایتی میتواند بصاحبمنصبانیکه برای خدمت مخصوصی در نزد حاکم (آجودانهای حاکم) هستند خدمتی رجوع نماید و کذا لک بعضی از جوانان فارغ التحصیل را در دفترخانه بعنوان مستخدمین یدکی مجازاً مشغول نماید و بعد از اینکه درستی و صداقت و علم و اطلاعات آنها بتجربه رسید در ادارات نظمی و ضبطیه و یایکی از دوائر بلوکی داخل خدمت شوند.

ماده ۱۳۱ - هرگاه مستخدمین یدکی در مدت یکسال با بودن محل نتوانستند داخل خدمت واقعی شوند از دفترخانه اداره ولایتی خارج خواهند شد و اگر بعد از دادن امتحانات و تحصیل اطلاعات لازمه داخل خدمت شدند زمان خدمت سابق آنها جزو خدمت واقعی محسوب خواهد شد.

ماده ۱۳۲ - هرگاه لازم شود که صاحبمنصبان و مستخدمین حکومتی برای انجام مأموریتی بجائی فرستاده شوند ممکن است که با اجازه حاکم از وجوهی که برای این نوع مصارف معین شده مخارج سفر بآنها داده شود حاکم و اداره ولایتی خرج سفر را در صورت ضرورت بمسئولیت خودشان خواهند داد و باید مراقبت نمایند که خرج سفر از مقصری که باعث فرستادن مأمور شده است گرفته شود و باشخصیکه در جزو مقرری آنها خرج سفر منظور شده (از قبیل میرهای ضبطیه نظمی و غیره) خرج سفر داده نشود حاکم حساب این نوع مخارج را باید سالیانه بوزیر داخله بدهد.

ماده ۱۳۳ - مقدار مقرر صاحبمنصبان و مستخدمین اداره ولایتی و کلیه دوایر حکومتی چه در ولایات و چه در محال و همچنین ترتیب مراتب و مناصب مستخدمین مزبوره و قواعد ترفیع رتبه و اعطای امتیازات در باره آنها و کذاک ترتیب متقاعد شدن آنها و مقدار مستمری که بمستخدمین مزبوره در موارد لازمه باید داده شود در قوانین خدمت دولتی و نظامات راجعه بمستخدمین دولتی مندرج است .

ماده ۱۳۴ - مستخدمین دفترخانه اداره ولایتی را هر يك از اعضای اداره مزبوره علیحده برای شعبه خود انتخاب خواهند کرد و بمعرفی معاون حاکم که رئیس دفترخانه است حاکم ولایت آنها را بشغل خودشان منصوب خواهد کرد .

دویم - در اختیارات اداره ولایتی

ماده ۱۳۵ - اختیارات اداره ولایتی محدود بحدود ولایت است یعنی فقط در حدود ولایت این اداره می تواند با ادارات تابعه حکم بدهد و مجبور با اجرای قوانین نماید و کلیه نسبت بآنها ناظر اجرای قوانین باشد لهذا اگر اختلافی با معارضه ای در باب مرجعیت امور مابین دوایر حکومتی يك ولایت یا دوایر حکومتی ولایت دیگر یا مابین دوایر حکومتی يك ولایت یا دوایر مختلفه ولایت دیگری حاصل شود باید دید کاری که باعث حدوث اختلاف بوده در کدام ولایت شروع شده و با اداره ولایتی آن ولایت رجوع کرد هر گاه اختلافی فی مابین دو اداره ولایتی در ولایتی در باب مرجعیت کارها و غیره روی دهد حکم آن با وزارت داخله خواهد بود ولی اگر اختلافی مابین اداره ولایتی با شعب وزارتخانه وانجمن ولایتی یا با اشخاصیکه تابع اداره ولایتی نیستند اتفاق افتد حکم آن با مجلس وزراء است (رجوع بماده ۳۸۸) .

ماده ۱۳۶ - اداره ولایتی اختیاراتی مخصوص نسبت با ادارات نظمی و ضبطیه

دارد لهذا مکلف است که بکلیه شکایاتی که از ادارات نظمیه و ضبطیه می شود رسیدگی نماید و اگر تعطیل یا تأخیری در امور آن ادارات مشاهده نماید یا بی نظمی و بی قاعده گی از آن ادارات سر بزند رفع نماید و حق دارد کلیه اقدامات ادارات نظمیه و ضبطیه را در صورت لزوم تعطیل نماید ولی بشرطی که این اقدامات نظمیه و ضبطیه راجع بتحقیقات جنحه و جنایاتی نباشد زیرا که در این موارد ادارات مزبوره تابع مدعی عمومی و معاون آن هستند .

ماده ۱۳۷ - اداره ولایتی شکایاتی که از صاحب منصبان و مستخدمین ادارات جزو خود می شود رسیدگی مینماید و از آنها توضیحات می خواهد و اگر تقصیر آنها به ثبوت رسید تنبیه و سیاست آنها موافق قوانین (رجوع بماده ۳۹۱) منوط بقرارداد اداره ولایتی است و اگر تقصیر آنها باندازه ایست که تنبیه و سیاست آنها از این حد تجاوز می نماید اداره ولایتی کار آنها را بمحاکم عدلیه رجوع خواهد کرد .

ماده ۱۳۸ - هرگاه یکی از صاحب منصبان و مستخدمین ادارات تابعه با اداره ولایتی بخیانیت خدمتی یا حیف و میل نمودن وجوه اداره متهم شود و کسی که مأمور بتحقیقات و رسیدگی باینگونه اتهام است از اداره ولایتی توقیف اموال شخص متهم را بخواهد اداره مزبوره بطوری رفتار خواهد کرد که در نظامات عدلیه مندرج است .

ماده ۱۳۹ - هرگاه از وزیر داخله یا سایر وزراء دستورالعملی بحکومت ولایت برسد و اداره ولایتی آن دستورالعمل را برخلاف قوانین موضوعه مشاهده نماید حق دارد که آن دستورالعمل را بلا اجرا گذاشته ملاحظات خود را بمجلس وزراء راپورت کند و حکم وزراء را مجری دارد .

ماده ۱۴۰ - هرگاه از مجلس وزراء دستورالعملی برسد که اداره ولایتی آنرا

برخلاف قوانین موضوعه تصور نماید اداره ولایتی مکلف است که آن دستورالعمل را بلا اجرا گذاشته ملاحظات خود را بهمان مجلس راپورت کند تا رسیدگی نموده رأی بدهد و این رأی بلا تأخیر بتوسط اداره ولایتی بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

ماده ۱۴۱ - در صورتی که اشتباهی یا شك و شبهه‌ای در معنی قانونی برای اداره ولایتی دست دهد اداره مزبوره ورؤسای دوائر اداره و عدلیه را تماماً باجلاس عمومی خود دعوت می نماید و بعد از مذاقه لازمه مجلس مزبور با کثرت آراء معین می کند که فی الواقع اشتباهی یا شك و شبهه‌ای در معنی قانون حاصل است یا نه هر گاه تردیدی نیست موافق قرار داد مجلس عمومی اداره ولایتی با اجرای آن قانون اقدام کرده مراتب را بمجلس وزراء اطلاع میدهد و در صورت بقای اشتباه بمجلس وزراء رجوع کرده توضیحات لازمه را میخواهد در مسائل خصوصی یا غیر مهمه اداره ولایتی بدون تشکیل مجلس عمومی از وزارتخانه لازمه بتوسط حاکم توضیحات لازمه رامی خواهد

تبصره - این ترتیب برای موارد فوق العاده و مهم است ولی در غیر این موارد همینکه اشتباهی در معنی قانون حاصل شد اداره ولایتی از وزیر مسئول به توسط حاکم محل توضیحات لازمه را میخواهد

ماده ۱۴۲ - این اقدامات اداره ولایتی در صورتی صحیح است که فی الواقع اشتباهی در معنی قانون حاصل شده و مورث اشکالات در اجراء آن شده باشد و الامسامحه در اجرای آن بعنوان حصول اشتباه در معنی اکیداً ممنوع است

ماده ۱۴۳ - اداره ولایتی مهتری خواهد داشت باعلامت آن ولایت و دوران علامت نوشته خواهد شد اداره ولایتی ولایت

سوم - در ترتیب اجلاس ادارات ولایتی

و حقوق و تکالیف اعضای آن

ماده ۱۴۴ - صدر مجلس مشاوره ولایتی جای رئیس یعنی حاکم ولایت است بعد از حاکم معاون می نشیند و بعد از او مستشار اول و بعد سایر اعضاء به ترتیب رتبه و مقام آنها بعد معین الاداره .

ماده ۱۴۵ - در موقع تعطیل تابستان اعضاء اداره ولایتی در صورتیکه کارشان متراکم نشده باشد میتوانند با اجازه حاکم مرخصی گرفته تعطیل نمایند ولی در اداره ولایتی باید اقل سه نفر از اعضاء بمانند سایرین هم هر وقت حضور آنها لازم شد باید مراجعت نمایند .

ماده ۱۴۶ - تکالیف معاون حاکم در اداره ولایتی از قرار تفصیل است :

(اول) او معاون بلا واسطه حاکم است در اداره کردن کلیه امور ولایتی - (دوم) مراقب و مواظب صحت امور و انتظام کارهای اداره ولایتی است و نظارت مخصوصی در انتظام امور دفترخانه آن اداره دارد - (سوم) در صورت غیبت حاکم از ولایت بهرجهتی که باشد معاون مدیر ولایت است - (چهارم) در صورت غیبت حاکم از کرسی ولایت برای محال گردشی معاون کفیل امور ولایتی است و از طرف حاکم کاغذها را بسمت کفالت امضاء میکند - (پنجم) برای اینکه معاون حاکم از وضع امور مطلع باشد حتی المقدور در اجلاسات کمیسیونها و کمیتهها (انجمنها) که در تحت ریاست حاکم برای انجام امور تشکیل مییابد حاضر شده صورت مجلس را امضا مینماید - (ششم) در مواردیکه کسی از اقدامات صاحب منصبان و مستخدمین دولتی در محکمه بدایت شکایت نموده از دولت مطالبه خسارت نماید باید معاون حاکم در دیوانخانه مزبوره حاضر شده در حضور او

رسیدگی بعمل آید - (هفتم) حاکم میتواند دعوض خود معاون خود را برای سرکشی بدوایر جزو حکومتی بفرستد و وزیر داخله را هر دفعه از مأموریتی که بمعاون داده مطلع نماید (هشتم) در صورتیکه حاکم غائب باشد معاون او در اداره ولایتی در صدر مجلس مینشیند ولی در کارهاییکه باید تمام اعضای اداره رأی بدهند معاون بیش از یک رأی ندارد - (نهم) معاون اگر در اداره ولایتی اغتشاشی یا بی نظمی مشاهده کند حق دارد باعضای آن اختارات لازمه را بنماید و اگر نتیجه حاصل نشد ملامت و توییح نماید و در صورت اهمیت مسئله مراتب را بحاکم اطلاع دهد در باره مستخدمین دفتر خانه یعنی محررین و دفتر دار و غیره حق تنبیه آنها را در صورت لزوم موافق ماده (۳۸۹) دارد باستثنای مدیر شعبه عمومی دفتر خانه که منشی اداره ولایتی است و معاون آن که فقط میتواند مورد توییح و ملامت واقع شوند و هر یک از اعضای اداره ولایتی نیز نسبت باجزای شعبه خود از دفتر خانه اداره ولایتی حق توییح و ملامت را دارند و اگر ثمری نبخشید حق خواهند داشت که موقتاً آنها را از شغل منفصل نموده مراتب را برئسی که آنها را معین کرده اطلاع دهند.

ماده ۱۴۷ - وظیفه مستشار اینست که در صورت غیبت معاون قائم مقام او واقع شود در این مورد مستشار اول کاغذها را به نیابت از طرف معاون امضاء میکند و در این مواقع معین الاداره کارهای شعبه مستشار را در دفتر خانه اداره ولایتی کفالت میکند.

ماده ۱۴۸ - چون مستشارها باید در اداره ولایتی مراقب بامور محوله بخود باشند لهذا فرستادن آنها بداخله ولایت برای انجام مأموریتی جایز نیست مگر باقتضای ضرورت.

ماده ۱۴۹ - معین الاداره کار معینی در اداره ولایتی ندارد غالباً یا قائم مقام یکی از مستشارها که غایب است واقع میشود و یا کار مخصوصی باو رجوع میشود در صورتیکه هر دو مستشار یک دفعه غایب شوند یا اینکه یکی از مستشارها و معین الاداره هر دو غایب باشند یکی از صاحب منصبان مجرب اداره مالیه یا کارگذاری میتواند موقتاً با رعایت قدمت خدمت بسمت مستشاری در مجلس مشاوره حاضر شود.

چهارم - تقسیم کارهای اداره ولایتی

و ترتیب حل و تسویه آنها

ماده ۱۵۰- اموری که راجع با اداره ولایتی است بر سه نوع است (اول) امور راجعه بمحاکم اداره (دویم) امور اداره فقط (سیم) امور اجرائیه.

ماده ۱۵۱- امور راجعه بمحاکم اداره از قرار تفصیل است (اول) رجوع کردن کار صاحب منصبان و مستخدمین را بمحکمه عدلیه (دویم) رفع اختلافاتی که در باب مرجعیت امور بطوریکه در ماده (۳۸۸) مذکور است حاصل میشود و حکم بحقانیت (سوم) امور راجعه بشک و شبهه که در معنی قانون حاصل میشود رجوع بماده ۱۴۱ (چهارم) تنبیه و سیاست صاحب منصبان و مستخدمین در صورت مسامحه و مداخله آنها (پنجم) رسیدگی بشکایاتی که از تأخیر و تعطیل در کارها میشود.

ماده ۱۵۲- تمام امور راجعه بمحاکم اداره باید حتماً در مجلس مشاوره ولایتی مطرح مذاقه گردد و در قراردادهای راجعه باین امور فقط اکثریت آراء اعضای مجلس مشاوره اداره مناط اعتبار است و در صورت تساوی آراء طرفین رأی حاکم اکثریت را معین میکند.

ماده ۱۵۳- امور اداره اموری است که مذاقه و مباحثه مجلس مشاوره ولایتی را لازم دارد و بدون این نوع مذاقه اداره ولایتی نمیتواند اظهار رأی یا عقیده نماید یا اینکه این امور طوری است که در فهمیدن یا ترتیب تسویه یا اجرای آن عقاید مختلف میشود مثل اقداماتی که بموجب قانون میشود و منافع خزانه دولت یا شهر و غیره را در بردارد یا راجع باصلاح و ترقی وضع ولایت است لہذا عزل و نصب اشخاصی که پول یا اموال دولت در دست آنها است و اقدامات لازمه برای افتتاح شهر یا محال جدیدی و بخشیدن بقایائی که وصول شدنی نیست پس از تصویب انجمن

ایالتی بموجب قانون و همچنان نقشه بازدید و دستورالعمل ابنیه و عماراتی که باید بخرج دولت ساخته شود باصلاح اندیشی انجمن ایالتی و دادن مقاطعه‌ها ومسئول نمودن مقاطعه‌کاران و کلیه این نوع امور امورا داره‌ئی است - امور اجرائیه اموریست که حل و تسویه آنها فقط بسته باجرای قوانین است یا اجرای تقاضائیکه دوایر اداره بموجب قوانین می نمایند و محتاج بمداقه در مجلس مشاوره اداره ولایتی نیست مثل اقدامات فوری که باید حکومت برای جلوگیری از امراض مسریه و سریع الانتشار بعمل آورد و همچنان اقدامات برای سرشماری و وصول بقایا و اجازه تأسیس بازارها و کارخانه‌ها و مطبعه‌ها و دواخانه‌ها و تأدیة مواجب و مقرریهای مأمورین و استدعای امتیاز و ترفیع رتبه برای صاحبمنصبان و مستخدمین و اعلام وانتشار قوانین موضوعه و اقدام در اجرای احکام محاکم عدلیه و کلیه اموری که از این قبیل است .

ماده ۱۵۴ - امور اداره نیز باید در مجلس مشاوره اداره ولایتی مطرح مذاقه شود ولی اجرای قراردادهای راجعه به این نوع امور با حاکم است امورا اجرائیه بسته باهمیت آن بحکم حاکم یا معاون و یا بتوسط خود مدیرهای شعبات دفترخانه اداره ولایتی بموقع اجرا گذارده میشود بدون اینکه بدواً در مجلس مشاوره اداره ولایتی مطرح مذاقه گردد .

ماده ۱۵۵ - هرگاه در مذاکره امور اداره اختلاف آراء حاصل شد اکثریت آراء مجلس مشاوره قرارداد اداره ولایتی خواهد بود ولی اعضائیکه با اکثریت توافق حاصل نکردند و قرارداد اداره مزبوره را قبول ننمودند میتوانند در صورت مجلس این نکته را قید نمایند و در مدت چهار روز از روز اجلاس عقیده کتبی خودشان را به حاکم تقدیم کنند و الا مثل این است که قرارداد اداره ولایتی را قبول کرده باشند .

ماده ۱۵۶ - چنانچه حاکم قرارداد اداره ولایتی را در امورا داره نپسندید میتواند رأی خودش را بتوسط وزارت داخله بمجلس وزراء ابراز کند و در صورت تصویب مجلس مذکور

این رأی حاکم بموقع اجراء گذارده خواهد شد ولی اشخاصیکه رأی حاکم را تصویب نمودند یا با رأی اکثریت موافق نیستند میتوانند رأی خود را بوزیر داخله یا بفرمانفرما تقدیم کنند و اگر این اقدام را در مدت هفت روز از روزی که صورتمجلس بامضای حاکم رسیده و بمجلس اعاده شده ننمودند مثل اینست که رأی حاکم یا قرارداد اکثریت را قبول کرده باشند هرگاه حاکم مشاهده نماید که عضو مکرر عقیده مخصوصی اظهار کرده و بجاهای لازم رجوع ننموده حق دارد بخواهد که این نکته را در صورتمجلس درج نمایند و در صورت تکرار بوزیر داخله اطلاع دهد .

ماده ۱۵۷ - حاکم در صورتیکه بخواهد میتواند امور اجرائیه را هم بمداقه مجلس

مشاوره رجوع نماید در این صورت جریان این امور هم مثل امور اداره خواهد بود.

ماده ۱۵۸ - از قراردادهای مجلس مشاوره آنچه راجع بامور محاکمه اداره نیست

باید با اطلاع مدعی عموم ولایت برسد تا مشارالیه صورتمجلس را ملاحظه نموده عقیده خود را یا شفاهاً اظهار دارد و یا کتباً بمجلس مشاوره ارسال نماید مدعی عمومی مجاز نیست که صورت مجلس را زیاد از اندازه پیش خود نگاه دارد و در امور فوری باید بلا تأخیر صورت مجلس را ملاحظه کرده معاودت دهد و در پائین صورت مجلس عبارت (ملاحظه شد) با تاریخ آن قید نماید.

ماده ۱۵۹ - هرگاه اداره ولایتی ملاحظه مدعی عمومی را پسندیده با رضایت

حاکم قرارداد خود را تغییر میدهد و الا قرارداد خود را مجری میدارد و در صورت عدم قبول ملاحظات کتبی مدعی عمومی اداره ولایتی کتباً مراتب را بمشارالیه اطلاع میدهد و سوادى از قرارداد خود را برای مشارالیه میفرستد .

ماده ۱۶۰ - همینکه صورت مجلس اداره ولایتی نوشته شده و بامضای اعضای

اداره مزبور رسید صورت مجلس حکم قرارداد را خواهد داشت و همینکه حاکم هم

تصویب نمود و مدعی عمومی هم ایرادی ننمود آن قرارداد مناط اعتبار بوده بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

ماده ۱۶۱ - قرارداد اداره ولایتی را که مناط اعتبار است هیچکس حق ندارد غیر از مجلس وزراء تغییر بدهد یا نسخ نماید .

ماده ۱۶۲ - در صورتیکه تغییر قرارداد اداره ولایتی که مناط اعتبار است لازم شود یا اداره ای که مطلب راجع بآن است یا خود اداره ولایتی مراتب را بمجلس وزراء اظهار و کسب تکلیف خواهد کرد .

ماده ۱۶۳ - هرگاه در کارهای اداره و اجرائیه تغییر اوضاع و احوال مستلزم قراردادهای جدیدی بشود اداره ولایتی حق این اقدام را خواهد داشت زیرا که مقصود از مواد ۱۶۲ - ۱۶۱ این است که اداره مزبوره قراردادهای ناسخ و منسوخ در کاری ندهد ولی تغییر قراردادهای بمرور وقت و تغییر اوضاع جایز است مثلاً عزل صاحب منصبان و مستخدمین را که اداره ولایتی معین کرده است ممکن است کذا لک کاری که خود اداره ولایتی رسیدگی کرده و تمام کرده است بواسطه حدوث بعضی اتفاقات غیر مترقبه ممکن است محتاج برسیدگی جدیدی باشد و همچنان تغییر قراری را که اداره ولایتی در باب تقسیم قشون ولایتی داده بواسطه تغییر اوضاع و احوال جایز است .

ماده ۱۶۴ - هرگاه قرار بر آنکه خود مجلس مشاوره اداری بواسطه حکم مقامات عالیله داده است بواسطه حکم همان مقامات در آن باب قراردی دیگری بدهد یا آن قرارداد را تغییر بدهد ناسخ و منسوخ نخواهد شد .

ماده ۱۶۵ - حاکم و معاون آن باید مراقب باشند که در اداره ولایتی امور محاکمه و امور اداره را بعنوان امور اجرائیه تسویه نمایند و اجزاء از حدود خود تجاوز نکنند و اگر چنین اتفاقی روی داده باشد باید این اتفاق در حال اهمیت مسئله در

صورت مجلس قید شود و با اطلاع فرمانفرما (در جائیکه هست) و وزیر داخله برسد تا مقصر را تنبیه نمایند.

ماده ۱۶۶ - هرگاه حاکم از کرسی ولایت غیبت نماید ولی در حدود ولایت باشد و در حین مذاقه در امور اداره اختلاف آراء در مجلس مشاوره اداره ولایتی حاصل شود آنکار را باید تا زمان مراجعت او بتأخیر انداخت و چنانچه فوری باشد باید صورت مجلس را نزد او فرستاد همینطور اقدام میشود در مواقعی که معاون حاکم اشتباهی در امور داشته باشد و همچنان در صورت غیبت حاکم بدون انفصال او اداره ولایتی بدون امضای او حکم باخراج مستخدمین ناقابل از خدمت و عزل آنها یا رجوع کار آنها بمحکمه عدلیه ننماید.

ماده ۱۶۷ - حاکم هر چند صدر مجلس مشاوره اداره ولایتی است ولی مجبور نیست که در کلیه اجلاس مجلس حاضر باشد بلکه حضور او در مجلس عمومی با اختیار خود اوست ولیکن در موارد مهمه و کذا لک در مورد ماده ۱۴۱ و همچنان در موردی که فرمان فرمای ایالت (اگر داشته باشد) در اجلاس اداره مزبوره حاضر می شود حاکم نیز باید حتماً حاضر باشد و برای اینکه تحریر و ترغیب یا تهدیدی در قرارداد اداره ولایتی ننموده باشد حاکم رأی خود را چه در حضور و چه در غیاب بعد از رأی سایر اعضاء مجلس مشاوره اظهار میدارد.

ماده ۱۶۸ - هرگاه فرمانفرمای ایالت (در جائیکه هست) در اجلاس مجلس حاضر باشد صدر مجلس خواهد نشست و در این مواقع حاکم ولایت در حقوق با سایر اعضاء مساوی خواهد بود.

ماده ۱۶۹ - در جائیکه ولایت جزو ایالتی است اداره ولایتی مکلف است که قرار دادهای خود را در ارجاع کار مأمورین و مستخدمین دوایر حکومتی و محلیه بمحاکم عدلیه (رجوع بماده ۳۹۱ و ۳۹۲) برای تصدیق فرمانفرما نزد او بفرستد و فرمانفرما در صورتیکه

رای اداره ولایتی را تصویب ننماید بدون اینکه حق تغییر قرارداد را داشته باشد فقط تعطیل اجرای قرارداد را نموده ملاحظات خود را به مجلس وزراء اظهار میدارد و حاکم بوزیر داخله مراتب را اطلاع میدهد.

پنجم- در روابط اداره ولایتی

باسایر ادارات

ماده ۱۷۰- اداره ولایتی بمجلس وزراء و باشخصیکه از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی بتفتیش ولایت مأمور میشوند در موارد لازمه راپورت میدهد و بفرمانفرما (درجائیکه هست) و حاکم ولایت ملاحظات خود را تقدیم میکند راپورتها و ملاحظات کتبی اداره ولایتی بامضای حاکم یا معاون او باید برسد از مجلس وزراء باداره ولایتی حکم صادر میشود فرمانفرماها (اگر باشند) و حاکم ولایت و اشخصیکه بتفتیش ولایت مأمور شده اند ملاحظات خود را باداره ولایتی اخطار میکنند یا اقدامی را تکلیف مینمایند .

ماده ۱۷۱- تمام مکاتبات اداره ولایتی با وزراء مسئول بتوسط حاکم بعمل میآید ولی مراسلات و مکاتبات در شعبه لازم دفتر خانه نوشته و ثبت می شود.

ماده ۱۷۲- اداره ولایتی باتمام دوایر اداره وعدلیه و غیره تمام شعبات وزارت خانه ها در موارد لازم مکاتبه مینماید و اطلاعات لازم را با آنها تبلیغ مینماید و ملاحظات خود را اعلام میکند .

ماده ۱۷۳- اداره ولایتی بادارات نظمیه و رئیس نظمیه و ضبطیه و رؤسای بلوکات و اطبای شهری و بلوکی و بکلیه دوایر جزو حکومتی حکم میکنند و از آنها راپورت میگیرد

ماده ۱۷۴- اعضای اداره ولایتی میتوانند بادفترخانه های ادارات متساویه دفتر خانه های شعبات وزارتخانه ها یا ادارات جزو خود مکاتبه نمایند.

ماده ۱۷۵- اداره ولایتی می تواند در صورت لزوم رأساً بعضی اطلاعات ازدوایر جزو حکومت ولایت دیگری بخواهد یا همراهی آن دوایر را تقاضا کند ولی هرگاه لازم شود که امری در ولایت دیگری بموقع اجرای گذارده شود یا باید با اداره ولایتی آن ولایت رجوع نماید یا باشخصیکه نسبت بآن دوایر جزو ریاست دارند.

ششم - در نظارت بدوایر جزو وصاحبمنصبان

جزو حکومتی ومؤاخذه از آنها

ماده ۱۷۶ - اداره ولایتی باید مراقبت نماید که احکامیکه بدوایر جزو صادر میشود بموقع اجرا گذارده شود هرگاه جواب احکامیکه از اداره ولایتی صادر میشود نرسید آن حکم را با مضای معاون تکرار مینماید واگر باز اهمال ومسامحه در اجرای آن شد از طرف حاکم اظهار جدیدی میشود و جهة مسامحه را استعلام مینماید چنانچه باز تعللی در جواب شد یا عذر اشخاص و دوایر جزو موجه نبود موعدی برای اجرای احکام باید معین شود و چنانچه آن احکام در آن موعده بموقع اجرا گذارده نشد منشی اداره مسئله را با اداره اظهار میدارد که قرار مؤاخذه و تنبیه مقصر داده شود توییح و ملامت و هر سیاستی که باشخاص و دوایر جزو داده میشود باید در صورت مجلس قید شود .

ماده ۱۷۷ - در موقع فرستادن مأمور مخصوص برای اجرای احکام باید نکات ذیل همیشه منظور نظر باشد (اول) بدون ضرورت آدم مخصوص فرستاده نشود (دوم) صاحبمنصبان و مستخدمین دفتر خانه اداره ولایتی را حتی المقدور نفرستند بلکه صاحبمنصبان و مستخدمین اداره نظمیه یا قراسوران را مأمور نمایند (سیم) اگر چند مأموریت بعهدہ یک نفر محول است و خط حرکت یکی است مخارج مسافرت و تفاوت خرج هم نباید متعدد باشد (باید یکی باشد) تمام مخارج مأمور مخصوص

بعهدۀ شخص مقصر یا اداره مقصر است.

هفتم - در نظارت بانظام امور اداره ولایتی و مسئولیت آن

ماده ۱۷۸ - چون یکی از وظایف عمده اداره ولایتی نظارت آن اداره است نسبت بدو ایر جزو حکومتی تا آنکه امور قرین کمال انتظام و ترتیب بوده بسرعت تسویه شود لهذا خود اداره باید سر مشق نظم و ترتیب از برای دو ایر جزو باشد تمام نوشتجات وارده باید در دفاتر وارده که در شعبه عمومی دفترخانه است با قید تاریخ ورود فهرست شده بشعبات منقسم شود و مدیر هر شعبه مراقبت نماید که امور راجعه بشعبه خودش از جریان طبیعی باز نماند برای نیل باین مقصود کارها را باید بدو قسمت منقسم نمود کارهای فوری که مقدم بر کارهای عادیست و بعد از فهرست در کتابچه های وارده فوراً برای اقدام با علامت فوری بودن آن بشعبه لازم داده میشود و کارهای عادی که بعد از ثبت در دفاتر وارده نیز بشعبه لازم داده میشود ولی تسویه آن امور بنوبت و ترتیب تاریخ ورود آن امور بشعبه عمومی دفترخانه است اقدام در امور عادی در شعبه لازمه نباید بیش از سه روز طول بکشد ولی اجزای هر شعبه باید سعی نمایند که زودتر از این موعد امور تسویه شود.

ماده ۱۷۹ - معاون حاکم مکلف است که زود زود (متوالیاً و سریعاً) دفاتر نوشتجات وارده و صادره را مقایسه کرده جریان امور را تفتیش نماید بنا بر این تمام اعضای دفترخانه و مدیرهای آن و معاون هر یک باندازه تکالیف خود مسئول صحت امور دفترخانه اداره ولایتی هستند.

ماده ۱۸۰ - نوشتجاتیکه از دفترخانه اداره ولایتی صادر میشود و باید بامضای حاکم یا معاون او برسد باید بدو بتصدیق مدیر شعبه رسیده باشد و علامت تصدیق آنست که مدیر شعبه پائین تر از محل امضای حاکم یا معاون او را مهر نموده کاغذ را برای امضاء بحاکم یا معاون او تقدیم میکند.

تبصره - تفصیل ترتیب جریان امور را در دفترخانه اداره ولایتی و مباحثات و مذاکرات مجلس مشاوره آن اداره را وزارت داخله جداگانه مرتب خواهد کرد .

ماده ۱۸۱ - معاون حاکم بعلاوه سرکشی که بدفترخانه اداره ولایتی مینماید مکلف است که سالی دو دفعه تفتیش مفصل نموده راپورت خود را بحاکم بدهد کذا لک حاکم هر سال باید مجلس مشاوره و دفترخانه آن را تفتیش نماید و بعلاوه هر وقت که مقتضی بداند بدفترخانه اداره ولایتی سرکشی نماید حاکم راپورت خود را در این باب بوزارت داخله خواهد فرستاد .

ماده ۱۸۲ - هرگاه در دفترخانه اداره ولایتی بواسطه اهمال و مسامحه اعضای آن کارها بقدری متراکم شود که ایجاد شعبه موقتی برای تسویه آن لازم شود مخارج آن شعبه بعهدۀ مقصرین خواهد بود .

ماده ۱۸۳ - اشخاصیکه از قراردادهای اداره ولایتی شکایت دارند و آن احکام راجع بامور اداره ایست میتوانند در ظرف ششماه از روز اجرای آن احکام بمجلس وزراء شکایت نمایند و اگر آن حکم بموقع اجراء گذارده نشده در ظرف سه ماه از روز اعلان حکم اداره ولایتی بمجلس وزراء شکایت کنند و اداره ولایتی مکلف است که توضیحات لازمه در این باب بمجلس مذکور بفرستد و تصریح نماید که کی قراری که موجب شکایت گردیده داده شده و کی بموقع اجراء آمده و اگر بموقع اجرا نیامده کی بمتشکی اظهار شده .

هشتم - در ترتیب داخله اداره ولایتی و دفاتر آن

ماده ۱۸۴ - عمارات اداره ولایتی و اثاثیه و کلیه اموال متعلقه باداره مزبوره و اثاثیه دفتر خانه آن در تحت نظارت ناظم است و مستحفظین و قراولهای آن اداره نیز تابع او هستند ناظم باید مواظبت لازمه در گرم کردن و روشن نمودن اطاقها و

پاکیزگی داشته باشد و غیبت اعضای اداره ولایتی را با اطلاع معاون برساند و مراقب اشخاصی که از ارباب رجوع و غیره با اداره ولایتی میآیند و کلیه نظم داخلی اداره ولایتی بعهدہ اوست و باید دستور العمل‌های حاکم را در این باب بموقع اجرا بگذارد .

ماده ۱۸۵ - در اداره ولایتی هر روز باید دو نفر حاضر خدمت باشد یکی از صاحبمنصبان بزرگ دفترخانه اداره و دیگری از مستخدمین جزو دفترخانه .

ماده ۱۸۶ - در اداره ولایتی باید یک اطاق مخصوص موسوم باطاق انتظار معین شود تا ارباب رجوع در آنجا نشسته در نوبت خود رفته اظهار مطلب را بنمایند .

ماده ۱۸۷ - برای اینکه، اعضای دفترخانه از کار خود بازمانند اشخاصیکه استعمال یا تحقیقی میخواهند از دفترخانه اداره بنمایند باید در اطاق انتظار مطلب خود را بناظم رجوع نمایند ناظم باید با ارباب رجوع باکمال توقیر و ادب رفتار نماید .

ماده ۱۸۸ - معاون حاکم باید در صورت لزوم باطاق انتظار رفته بمطالب هر یک از ارباب رجوع علیحده برسد و امور آنها را بجای لازم بتوسط ناظم یا معاونش رجوع کند .

ماده ۱۸۹ - تحویل دار اداره ولایتی مکلف است که بتمام امور مالیه اداره ولایتی از قبیل مقرریها و مخارج لازمه و غیره نظارت داشته بدفاتر راجعه بآن امور مرتباً رسیدگی نماید صندوق این اداره و محاسبات آن موافق قوانین صندوق ادارات تشکیل و اداره خواهد شد .

ماده ۱۹۰ - دفاتر جاری هر شعبه در خود آن شعبه موافق دستور العمل وزیر داخله مرتب خواهد شد ولی محفظه های امور تمام شده باید بدفاتر تابعه داده شود چه این کارها در خود اداره ولایتی تمام شده باشد و چه از ادارات دیگر با اداره ولایتی رسیده باشد .

ماده ۱۹۱ - اطاقهای دفتر ثابت باید خشک و از آتش دور باشد و محفظه‌ها باید در قفسهای چوبی گذارده شود.

ماده ۱۹۲ - هر دفعه که کاری از دفترخانه اداره ولایتی بدفتر ثابت داده میشود باید با اجازه حاکم ولایت باشد.

ماده ۱۹۳ - برای اینکه کاغذهای غیر مفیده در دفتر ثابت مستراکم نشود کمیسیون مرکب از اعضای اداره ولایتی تشکیل خواهد شد که موافق دستورالعمل وزیر داخله کاغذهای غیر مفیده را که از زمان ورود آنها بدفتر ثابت ده سال تمام گذشته است معدوم نمایند.

ماده ۱۹۴ - یکی از مستشارهای اداره ولایتی با انتخاب حاکم نظارت مخصوصی در امور دفتر ثابت خواهد داشت و بعلاوه سالی یکمرتبه اداره ولایتی با تمام اعضای آن امور دفتر را تقشیش نموده عقاید خود را در وضع دفتر ثابت و اصلاحاتی که باید بشود بحاکم و وزیر داخله خواهد فرستاد.

تبصره - تفصیل ترکیب دفتر ثابت اداره ولایتی را وزیر داخله جداگانه مرتب و بولایت خواهد فرستاد.

فصل چهارم - در تشکیل بلوکات

اول - قواعد عمومی

ماده ۱۹۵ - تمام بلوکات باکرسی آن و شهرهای جزو بلوکات (در صورتیکه باشد) و نواحی و دهات در اداره نایب الحکومه و اداره بلوکی است.

تبصره - شهر دارالخلافه و کرسیهای ولایات جزو اداره بلوکی محسوب نمیشوند و در اداره مستقیم حاکم و اداره ولایتی واقعند.

ماده ۱۹۶ - نایب الحکومه بتصویب حاکم از طرف وزیر داخله یا فرمانفرما

(در صورتیکه ولایت جزو ایالتی باشد) بسمت ریاست بلوکات منصوب میشود و امور بلوکات را در تحت ریاست و نظارت حاکم ولایت و اداره ولایتی اداره می نماید عزل نایب الحکومه از سمت خود بحکم وزیر داخله یا فرمانفرما است (در جائی که باشد).

ماده ۱۹۷ - ریاست نظمیه بلوک نیز برعهده نایب الحکومه است .

ماده ۱۹۸ - معاون نایب الحکومه بانتخاب نایب الحکومه و تصویب حاکم ولایت بشغل خود منصوب است و بنایب الحکومه در کارها کمک میکند و در غیاب نایب الحکومه قائم مقام اوست و بسمت مدیری امور بلوک را اداره میکند .

ماده ۱۹۹ - معاون میتواند از طرف نایب الحکومه بسرکشی نواحی و تفتیش امور بلوکی مأمور بشود ولی فقط در صورتیکه خود نایب الحکومه بواسطه عذر موجهی نتواند این امر را انجام بدهد.

ماده ۲۰۰ - معاون از طرف نایب الحکومه هرگونه مأموریت راجعه بامور ضبطیه و نظمیه را انجام می دهد چه این مأموریت در خود قصبه بلوکی باشد و چه در بلوک .

ماده ۲۰۱ - محل اقامت نایب الحکومه کرسی بلوک است و برای اداره کردن امور بلوکی در هر قصبه بلوکی اداره ای تشکیل میشود که مرکب از نایب الحکومه و معاون آنست طبیب و مهندس و معمار بلوکی در صورتیکه باشند نیز از اعضای این اداره محسوب و در اجلاس راجعه بامور آنها حاضر خواهند بود.

دوم - در وظایف نایب الحکومه از حیث امور اداره

ماده ۲۰۲ - وظایف نایب الحکومه از قرار ذیل است:

(اولا) مراقبت و مواظبت تامه در اجرای قوانین موضوعه و دستورالعملهای

ادارات متبوعه .

(ثانیاً) حفظ ووقایه امنیت و رفاهیت و آسایش مردم بموجب قوانین موضوعه.
 (ثالثاً) مراقبت در اجرای قوانین و احکام و دستورالعملها در نواحی دهات.
ماده ۴۰۳ - برای حفظ و وقایه انتظام امور نایب الحکومه زود زود ببلوکی که در اداره اوست سرکشی مینماید و دوائر جزو اداره بلوکی و همچنان ادارات ناحیتی و ادارات ضبطیه و نظمیه را تفتیش مینماید و بمحبسها و مریض خانهها و غیره نظارت دارد و بشکایات رسیدگی کرده موافق اختیاراتی که باو داده شده اقدام میکند.
تبصره - نایب الحکومه اقلاً سالی سده دفعه باید بصندوقهای قصبه بلوکی رسیدگی نماید .

ماده ۴۰۴ - نایب الحکومه باید مراقبت و نظارت مخصوصی نسبت باداره بلوکی و ادارات و صاحبمنصبان و مستخدمین جزو ریاست بلوک داشته باشد و مراقبت نماید که کارها در آن ادارات معطل نشود و در جریان قانونی باشد .

ماده ۴۰۵ - نایب الحکومه اهتمام کامل مینماید که اغتشاش و شورش در بلوک روی ندهد و در صورت وقوع اغتشاش اول بقوه نظمیه و ضبطیه رجوع نموده پلیس محلی را درجائیکه لازم است جمع کرده و درصدد رفع اغتشاش برمیآید و اگر نتیجه نبخشید بقوه نظامی رجوع مینماید و کلیه در این باب بطوری رفتار می کند که در ماده ۳۶ مقید است.

ماده ۴۰۶ - وظایف نایب الحکومه از حیث امور ضبطیه در فصل راجع باداره پلیس و ضبطیه بلوکات مذکور است.

سیم - در ترتیبات و وظایف اداره بلوکی و حدود اختیارات آن

ماده ۴۰۷ - چون تمام وظایف اداره بلوکی راجع بامور ضبطیه است شرح ترتیبات و حدود وظایف و اختیارات آن در فصل پنجم مذکور خواهد بود

ماده ۲۰۸ - اداره بلوکی دفترخانه‌ای خواهد داشت که مرکب از یک نفر مدیر بوده و بقدر لزوم منشی و اجزاء خواهد داشت در دفترخانه اداره بلوکی چند نفر از تابعین ضبطیه برای حمل مکاتبات و مراسلات از کرسی بلوک بداخله بلوک بسمت چاپاری خواهند بود و ترتیب دفترخانه و دفاتر اداره بلوکی موافق ترتیبات دفترخانه اداره ولایتی است و دستورالعمل آنرا وزارت داخله علیحده مرتب و ارسال خواهد نمود .

فصل پنجم

تشکیل ضبطیه در بلوکات

ماده ۲۰۹ - اداره ضبطیه بلوکات عبارت است از نایب الحکومه اداره بلوکی در ماده (۲۰۱) و صاحبمنصبان و مأمورین ضبطیه بطوریست که در مواد آتیه ذکر خواهد شد.

ماده ۲۱۰ - تمام بلوکات با کرسی آن وقصبات جزو بلوک (در صورتیکه باشد) از حیث امور ضبطیه تابع اداره ضبطیه بلوکی است ولی کلیه کرسی های ولایات و نیز بعضی از شهرهای بزرگ که صورت آنها را وزارت داخله علیحده مرتب خواهد کرد از این قاعده مستثنی و خودشان اداره نظمیة علیحده چنانکه مذکور در فصل هفتم است خواهند داشت.

ماده ۲۱۱ - هر بلوکی برای اداره شدن امور ضبطیه آن بچند قسمت منقسم میشود هر کدام از این قسمت‌ها موسوم بدایره ضبطیه خواهد بود عده و وسعت دوائر ضبطیه بسته بوسعت بلوک و عده نفوس و مقدار کارهایی است که با اداره ضبطیه رجوع میشود هر دایره در اداره صاحبمنصبی است که موسوم بمدير ضبطیه است .

ماده ۲۱۲ - هر دائره ضبطیه مرکب از چند دداست دائره ضبطیه از يك قصبه نیز عبارت تواند بود .

ماده ۲۱۳ - هر گاه تغییر عدۀ دوائر ضبطیه لازم شود حاکم اطلاعات لازم را از مجلس بلوکی تحصیل کرده بوزارت داخله تقدیم مینماید که اجازه اعلی حضرت همایونی در این باب صادر شود ولی تغییر حدود دوائر ضبطیه و تغییر محل اقامت مدیرهای ضبطیه بسته بصوابدید خود حاکم است و حاکم باید اقدام خودش را در این باب هر دفعه بوزارت داخله اطلاع دهد .

تبصره - شهرهای جزو محال و اماکن معتبره که نظمیۀ علیحده ندارند بسته بتقسیم یکی از دوائر ضبطیه محسوب خواهد بود و این نوع دوائر ضبطیه بسته باقتضای وقت و محل بچند قسمت منقسم تواند شد .

ماده ۲۱۴ - تا بین ضبطیه که در اداره مدیری واقعند بسد درجه منقسم میشوند (اولاً) ناظمین ضبطیه که برای کمک کردن بمدیرهای ضبطیه معین میشوند و غالباً ناظمین ضبطیه سواره هستند ولی بحکم وزیر داخله در صورت ضرورت پیاده هم میتوانند باشند (ثانیاً) ده باشی ها که هر کدام قسمتی از دوائر ضبطیه را (رجوع به تبصره ماده ۲۱۳) محافظت مینمایند و همچنان در دهات واقعند (ثالثاً) پلیس که زیر دست ده باشی ها امور ضبطیه را انجام میدهند .

تبصره - ناظمین باعمال ده باشیها نظارت دارند .

ماده ۲۱۵ - عدۀ ناظمین ضبطیه را برای ولایت وزیر داخله معین میکند تقسیم ناظمین بلوکات بتصویب حاکم است و تقسیم آنها مابین دوائر ضبطیه بتصویب رئیس بلوک است لزوم ناظمین ضبطیه و بلوکی بتصویب حاکم ولایت و قرارداد قانونی مقامات عالییه است .

ماده ۲۱۶ - تغییر عدۀ و ترکیب قسمتهای دوائر ضبطیه (رجوع به تبصره ماده ۲۱۳) بتصویب اداره بلوکی و اجازه حاکم است ولی اداره بلوکی باید قبل از دادن رأی

عقیده مدیر ضبطیه را بپرسد .

ماده ۲۱۷ - رئیس ضبطیه بلوگرا (نایب الحکومه) وزیر داخله معین میکند مدیرهای ضبطیه را اداره ولایتی معین میکند .

تبصره - عزل و نصب مدیرهای ضبطیه را باید حکام هر دفعه بوزارت داخله اطلاع دهند .

ماده ۲۱۸ - ناظمین ضبطیه را رئیس ضبطیه از اشخاص صدیق و مجرب معین مینماید ولی رجوع کردن کار آنها بدیوانخانه عدلیه بحکم اداره ولایتی است .

ماده ۲۱۹ - تعیین و عزل و نصبه باشیها بارئیس ضبطیه بلوکی است ولی رجوع کار آنها بمحاکمه بحکم اداره ولایتی است .

تبصره - ده باشیها ممکن است سر بازهایی باشند که مدت خدمت نظامیشان منقضی شده .

اول - در وظایف اداره نظمیه و حدود و اختیارات آن

ماده ۲۲۰ - اداره نظمیه همان اداره بلوکی مذکور در ماده (۲۰۱) است و وظایف آن از قرار تفصیل است اولاً نظارت در اجرای قوانین و وقایه امنیت و آسایش اهالی ثانیاً اجرای تکالیف راجعه بامور مالیه دولت و امور عدلیه و امور نظامی .

ماده ۲۲۱ - وظایف مجلس بلوکی من باب اجرای قوانین و حفظ هیئت از قرار تفصیل است .

(اول) اعلان و انتشار قوانین و فرامین و احکام دولت .

(دوم) انتشار هر نوع اعلانات که بحکم ادارات متبوعه میشود .

(سوم) گرفتن دزدها و قطاع الطریق و برقراری امنیت و آسایش عمومی .

(چهارم) دستگیر کردن فراریها و رفع منع از تکدی .

(پنجم) ملاحظه اشخاصی که در سرب راه مرده اند و معین کردن اینکه آنها را کشته اند یا باجل خود مرده اند .

(ششم) جمع آوری اطفال گم شده و سرب راه گذارده شده و نگاهداری از آنها و تحقیقات لازمه در پیدا کردن اولیای آنها و کمک بضعفا و مرضائیکه از منزل و ماوای خود دور افتاده اند .

(هفتم) دادن راپورت وقایع برؤسا و یک نسخه مستقیماً بحاکم ولایت .
(هشتم) در صورتی که در رودخانهها و آبها سواحل دریا کرجی یا کشتی بشکند یا غرق شود باید سر نشین آنها را حتی المقدور نجات بدهند و اموال آنها را حفظ کنند .
(نهم) حفظ موقتی اموال متوفیات غربائیکه وارث و ولی حاضر نداشته باشند و اطلاع باولیای آنها دادن .

(دهم) مساعدت باداره اطفائی و جلوگیری از حریق در بیابانها و جنگلها و غیره .
(یازدهم) اقدامات لازمه برای جلوگیری از امراض مسریه موافق دستورالعملهای اداره حفظ الصحه و نظارت اجرای قوانین حفظ الصحه .

(دوازدهم) اقدامات لازمه برای رفع امراض مسریه در میان حشم و دواب .
(سیزدهم) حفظ ووقایه امنیت طرق و شوارع و نظارت صحت راهها و پلها و معابر و غیره و اجرای تکالیفی که از بابت نگاهداشتن راهها باهالی مجاور وارد میآید .
(چهاردهم) مراقبت در اینکه حریق یا طغیان آب اتفاق نیفتد و اقدامات لازمه در این باب بعمل آید .

(پانزدهم) نظارت پاگزگی در قصبات و دهات و مراقبت در اینکه بناهای جدید که موافق نقشه و دستورالعملهای مقرر ساخته شود .

(شانزدهم) نظارت بکاروانسراها و قهوه خانهها و مهمانخانهها و چلوپزخانهها و کلیه جائیکه محل اکل و شرب عمومی است و مراقبت در اجرای قوانین راجعه باین جاها

و عدم اجازه قمار و کلیه کارهاییکه خلاف شرع بوده و باعث مشاجره و منازعه و مجادله تواند شد و اساس امنیت را متزلزل تواند کرد .

(هفدهم) دادن اجازه نامه باشخصیکه اخذسموم از مواد مینمایند و نظارت بفروش آن موافق قوانین حفظ الصحه .

(هیجدهم) دادن اجازه نامه برای خریدن باروت و سایر مواد محترقه و نظارت بفروش آن موافق قوانین حرفت و صنعت .

(نوزدهم) مراقبت در اینکه در بازارها و میدانها و جاهای دیگر چیزهایی راکه دولت خرید و فروشش را قدغن کرده است خرید و فروش نشود .

(بیستم) مواظبت در اجرای قوانین راجعه بشکار و صید ماهی و طیور که در غیر موقع بشکار و صید اقدام نشود .

(بیست و یکم) ترتیب فهرست هائیکه معین کند در بلوک عدّه مساجد و مکاتب و ادارات خیریه و کارخانجات و دهات چقدر است و همچنان عدّه نفوس و متولدات و متوفیات و عقد و ازدواج بچه اندازه است و اتباع خارجه در بلوک بچه کسب مشغولند .

(بیست و دوم) ترتیب دفاتر نفوس راجعه بمتولدات و متوفیات و عقد و ازدواج .
(بیست و سوم) اطلاع دادن بر رؤساء و ادارات متبوعه اشیاء عتیقه که کشف شده یا ظهور اشیائیکه ندرت دارد .

(بیست و چهارم) نظارت باستخراج طلا و نقره در جاهای لازمه موافق قوانین موضوعه .
(بیست و پنجم) دادن تصدیق نامه بایتام و بیچارگان برای دخول بدارالایتام و دارالضعفا و غیره .

(بیست و ششم) نظارت اینکه اجرت کارگر و عمله و فعله بموقع و تمام پرداخته شود .
(بیست و هفتم) اجرای کلیه تکالیفی که بموجب قوانین ادارات دولتی و مملکتی و بلدی بعهده اداره ضبطیه است .

ماده ۲۲۲- تکالیف اداره ضبطیه بلوکات نسبت بامور مالیه از قرار تفصیل است:
(اول) وصول بقایای دولتی و ادارات بلدییه و اجتماعیه ولایات بموجب احکام
ادارات متبوعه یا اعلان ادارات متساویه.

(دوم) اقدامات مجددانه بر منع و کسر نمودن اوزان و اکیال و تغییر وزن و کمیت
مسکوکات .

(سوم) اجرای اوزان و اکیال جدیده بحکم دولت.

(چهارم) دعوت مقاطعه کاران برای مزایده های دولتی و مملکتی و ادارات
بلدییه و غیره .

(پنجم) دادن شهادت نامه بمقاطععه چیها در صورتیکه بواسطه معاذیر موجهه
یا هیچ نتوانسته اند کاری را که برعهده گرفته اند انجام بدهند و یا بوقت و بموقع
نتوانسته اند برسانند .

(ششم) مساعدت باشخاص و اداراتی که بموجب قوانین نظارت بحرفت و صنعت
و تجارت دارند و بموجب قوانین عوارض اخذ میکنند .

(هفتم) اجرای تکالیفی که بموجب قوانین راجعه باخذ مالیات و عوارض با ادارات
ضبطیه محول است .

(هشتم) عمل کردن بوظایفی که بموجب قوانین گمرکات بعهده ادارات ضبطیه
موکول است .

(نهم) مساعدت با ادارات جنگلها و خالصجات دولتی در اجرای تکالیف آنها
و در اقداماتی که در صورت نقض قوانین جنگلها و خالصجات برعهده این ادارات
وارد می آید .

ماده ۲۲۳- وظایف اداره ضبطیه نسبت بامور عدلیه از قرار ذیل است :
(اول) جلوگیری از تعدی و اقدامات خودسرانه و اجرای تحقیقات و همراهی در

تحقیقاتیکه از طرف محاکم عدلیه بعمل میآید با اندازه‌ای که در قوانین و نظامات عدلیه و محاکم جنایتی مندرج است.

(دوم) حاضر کردن مقصرین و متهمین را بدیوانخانه بحکم آن و توقیف آنها در صورتیکه حکم دیوانخانه در این باب صادر شود.

(سوم) احضار اشخاص لازم بمحاکم عدلیه و شراکت در اجراء احکام محاکم عدلیه بموجب قوانین و نظامات دوائر عدلیه.

(چهارم) برداشتن سیاهه اموال اشخاص معینه و تقویم و حفظ آن و اعلان فروش اموال بمزایده و فروش بعضی اموال بموجب قوانین عدلیه راجعه باین اقدامات.

(پنجم) مجبور کردن و کلاء را برد کردن و کالت نامه‌هایی که از طرف موکلین آنها استرداد میشود (موافق قوانین موضوعه).

(ششم) تفتیش و تفحص اشخاصی که گم شده‌اند و خبری از آنها نیست.
(هفتم) نظارت در پاک نگاهداشتن محبسها و اجراء کلیه قوانینی که بمحبسها و محبوسین راجع است.

(هشتم) دادن شهادت نامه قرابت و خویشی باقرباء و اقوام اشخاصیکه بحکم قانون در محبس توقیف شده‌اند.

(نهم) کلیه تکالیفی که بموجب قوانین محاکم عدلیه و محاکم نظام بری و بحری بعهده ادارات ضبطیه محول است.

ماده ۲۴۴ - وظایف اداره ضبطیه بلوکی در امور نظامی از قرار تفصیل است:
(اول) مراقبت و نظارت انتظام حرکت قشون و اجراء تکالیف در این باب بموجب قوانین نظامی.

(دوم) احضار تا بین ردیف نظام بری و بحری بحکم ادارات متبوعه نظامی بسر خدمت خودشان و دادن شهادت نامه بآنها در مواقعیکه قوانین نظامی معین کرده.

(سوم) اخبار زنهای سر بازها از فوت شوهران آنها .

(چهارم) یادآوری بتابین و همچنان بصاحبمنصبان نظامی که مدت مرخصی آنها منقضی شده و دعوت آنها بموجب قوانین نظامی بمراجعت بمحل خدمت .

ماده ۲۲۵ - کلیه اداره ضبطیه بلوکی و اشخاصیکه تابع آن هستند باید ناظر اجرای قوانین باشند ولی بهیچوجه حق ندارند اجرای قانونی را بخواهند که اعلام نشده و یا قراردادی را بموقع اجرا بگذارند که قبل از وقت به اطلاع اهالی نرسیده .

ماده ۲۲۶ - نه فقط اهالی بلوکات مکلفند که احکام قانونی اداره ضبطیه را اطاعت نمایند بلکه اشخاصی هم که از شهرهای دیگر آمده در آن بلوکات متوقفند تابع احکام اداره ضبطیه که راجع با اجرای قوانین موضوعه و دستورالعملها است میباشد .

ماده ۲۲۷ - عمال ضبطیه مکلفند که بشکایات رسیدگی نمایند و رفع تعدی و بی نظمی را بکنند و نه فقط بشکایات مظلومین رسیدگی مینمایند بلکه بکلیه شکایات که حاوی اطلاعات بوده و اوضاع و احوال امور اتفاقیه را روشن میکند باید برسند و ولو اینکه این نوع شکایات که با اداره ضبطیه میشود موافق ترتیب مقرر نباشد هرگاه اقدامات عمال ضبطیه مثمر ثمری نشد و شخصی که باعث تعدی و بی نظمی شده علناً اقدامات ستمی و جبری نماید عمال ضبطیه حق دارند آن شخص را توقیف نمایند .

تبصره - قواعد راجعه باستعمال اسلحه در موارد لازمه بتوسط مأمورین نظمیه و قراسوران علیحده مرتب و منضم باین ماده است .

ماده ۲۲۸ - هیچکس از عمال ضبطیه حق ندارد که سیاست و مجازات جنایتی بکسی بدهد این حق مختص بمحاکم عدلیه است بر وفق قوانین شرعیه .

ماده ۲۲۹ - هر چند حدود اختیارات اداره ضبطیه بلوک همان حدود بلوکات

است و خارج از بلوک خود اداره مزبوره اختیاری ندارد ولی در موارد ذیل استثنای از این قاعده لازم میآید :

(اول) در صورت وقوع حریق یا طغیان آب یا طوفان اداره ضبطیه بلوکی و مدیر های ضبطیه در بلوکات مجاور اقدامات لازمه را بعمل میآورند تا آنکه اداره ضبطیه آن بلوک و عمال آن مطلع و خودشان مشغول با اقدامات لازمه شده از کمک مستغنی بشوند .

(دویم) در موارد تعاقب قطاع الطریق و دزد ها و فراریان و اشخاصی که مرتکب جنحه و جنایتی شده فرار کرده اند عمال ضبطیه بلوکی از حدود بلوک و ولایات حق دارند تجاوز نموده در تعاقب این نوع اشخاص بکوشند و فقط وقتی دست از کار دارند که عمال ضبطیه آن محل شروع بتعاقب کرده باشند .

ماده ۲۳۰ - هرگاه عمال ضبطیه در جاهائیکه قلمرو اقدامات قراسورانها است کشف علامت جنحه و جنایتی نمایند و مأمورین قراسوران در آن محل نباشند مکلفند که تا ورود آنها موافق قوانین و نظامات عدلیه تحقیقات اولیه و کذاک حفظ علامت جنحه و جنایت و سایر اقدامات را بعمل آورند .

سوم - در روابط اداره ضبطیه بلوکی و صاحب منصبان و

تابین ضبطیه با ادارات متبوعه و متساویه

ماده ۲۳۱ - اداره ضبطیه با تمام اشخاصیکه تابع آن اداره هستند مطیع احکام و دستور العملهای حاکم ولایت و اداره ولایتی است .

تبصره - جاهائیکه موقتاً در تحت قوانین نظامی گذارده شده است قواعد

اطاعت صاحبمنصبان ضبطیه بادارات نظامی موافق قانونیست که جداگانه مرتب و منضم باین ماده خواهد بود .

ماده ۲۳۲ - دربنادر نظامی ادارات ضبطیه تابع اداره بحری است .

ماده ۲۳۳ صاحبمنصبان ضبطیه تابع رئیس بلوک و رئیس ضبطیه هستند ولی بدون اجازه اداره ولایتی عزل یا جلب آنها بمحاکمه ممنوع است .

ماده ۲۳۴ - ناظمین ضبطیه در اداره حاکم ولایت و رئیس بلوک هستند و تابع اوامر مدیرهای ضبطیه .

ماده ۲۳۵ - ده باشی ها تابع اوامر مدیرهای ضبطیه اند و باعمال پلیس نظارت دارند .

ماده ۲۳۶ - ادارات ضبطیه بحاکم و اداره ولایتی راپورت میدهند و از آن مقامات بعهده آنها احکام صادر میشود .

ماده ۲۳۷ - محاکم بدایت باداره و عمال ضبطیه حکم مینمایند مدعی عمومی و معاون آن اقدامات لازم را از تحقیقات و اجرای احکام و غیره میخواهند و از اداره ضبطیه در جواب راپورت میگیرند (منضم باین ماده باید بعد از ترتیب قوانین راجعه بنظام نوشته شود) .

ماده ۲۳۸ - اداره مالیه و اداره خالصجات و اداره نفتیش و سایر شعبات وزارتخانه ها در ولایات از اداره ضبطیه اجرای قوانین راجعه بآن ادارات را میخواهند و در جواب راپورت میگیرند .

ماده ۲۳۹ - اداره ضبطیه يك بلوک با اداره ضبطیه بلوک دیگر و با ادارات متساویه مکاتبه مینمایند و اطلاعات لازم را بهم دیگر میدهند .

چهارم - در ترتیب تسویه امور و اقدامات اداره ضبطیه بلوکی

ماده ۲۴۰ - اداره ضبطیه بلوک و عمال جزو آن در موارد ذیل اقدام بکار مینمایند:

(اولاً) بحکم ادارات متبوعه .

(ثانیاً) بتقاضای اداراتیکه حق چنین تقاضا را دارند .

(ثالثاً) بواسطه شکایت اشخاص منفرقه .

(رابعاً) بموجب راپورتهای ادارات تابعه .

(خامساً) بموجب ملاحظات شخصی خودشان در صورتیکه بموجب قانون باشد و

یا بر حسب اوضاع و احوال صلاح بدانند .

ماده ۲۴۱ - رئیس ضبطیه که همان نایب الحکومه است ریاست کلیه ضبطیه

بلوک بعده او است باید کمال مراقبت را در حصول امنیت و آسایش اهالی داشته باشد

تفصیل اتفاقات و اطلاعاتی را که باو رسیده است فوراً بحاکم راپورت نماید و اگر اقدام

فوری لازم باشد بعمل آورده بحاکم اطلاع دهد.

ماده ۲۴۲ - نایب رئیس ضبطیه که معاون نایب الحکومه است در کارها بر رئیس

ضبطیه کمک میکند و باداره ضبطیه و دفترخانه آن نظارت دارد و هر مأموریتی را از

طرف رئیس ضبطیه انجام میدهد .

ماده ۲۴۳ - در صورتی که رئیس ضبطیه یکماهه مرخصی گرفته غایب شود

و یا آنکه از مرکز امور بواسطه سرکشی بنواحی یا مأموریت دیگری دور شود نایب

او کفیل او خواهد بود ولی کارهای جاریه را تسویه نموده در امور مهمه در صورتیکه

فوری نباشد بدون اطلاع رئیس ضبطیه اقدام نخواهد کرد لهذا عزل و نصب مستخدمین

ضبطیه که در حدود قوانین با اختیار رئیس ضبطیه محول شده است و تنبیه و سیاست

آنها واحکامی که ناسخ احکام سابقه رئیس ضبطیه است واموری را که خود رئیس ضبطیه سپرده است بدون اطلاع او تسویه نشود یا تا مراجعت رئیس ضبطیه بتعویق می اندازد و یا بامامور مخصوص نزد او میفرستد .

ماده ۲۴۴ - ضباط نواحی و کدخداهای دهات تابع احکام اداره ضبطیه بلوکی بوده احکام این اداره را اجرا مینمایند و بمدیرهای ضبطیه در اجرای تکالیف آنها کمک و مساعدت مینمایند .

ماده ۲۴۵ - بناظرین ضبطیه نیز ضباط نواحی و کدخداهای دهات باید کمک و مساعدت لازمه را بنمایند و تقاضای آنها را که مبتنی بر قانون است بموقع اجرا گذارند ولی بهیچوجه حق ندارند بامور اجتماعیه و امور داخلی نواحی دهات دخالت نمایند و یا وجهها من الوجوه دخالتی در امور محاکم عدلیه نواحی کنند.

پنجم - درمسئولیت اداره ضبطیه بلوکی

ماده ۲۴۶ - اداره ضبطیه مکلف است که راپورت اموری که بآن محول شده است باداره ولایتی بدهد و صورت حساب و جوهریکه باو رسیده باداره تقشیش ولایتی تقدیم کند .

ماده ۲۴۷ - شکایت از مستخدمین و تابعین ضبطیه یا بمدیر ضبطیه میشود یا بخود رئیس ضبطیه شکایت از رئیس ضبطیه یا از اداره ضبطیه بلوکی در ظرف سدهفته از روز حکم آنها بحاکم یا اداره ولایتی داده می شود و چنانچه اقدام رئیس ضبطیه یا اداره ضبطیه بموجب یکی از ادارات متبوعه شده است متشکی باید شکایت خود را باداره ای که حکم کرده است بدهد .

ماده ۲۴۸ - هرگاه مدیرهای ضبطیه مرتکب جنحه و جنایتی شده باشند رئیس

ضبطیه موقتاً آنها را از شغلشان منفصل نموده مراتب را با اطلاع حاکم ولایت میرساند و منتظر حکم میشود .

فصل ششم

در وظایف صاحب منصبان و مستخدمین تا باین ضبطیه

ماده ۲۴۹ - هر چند وظایف صاحب منصبان و عمال ضبطیه از وظایف و حدود اختیارات اداره ضبطیه بلوکی معلوم و معین است باز برای عدم وقوع اشتباهی در اجرای قوانین ضبطیه وظایف هر کدام نسبت بحوزه مأموریتی آنها زیلا شرح داده میشود.

اول - در وظایف رئیس اداره ضبطیه بلوکی

رئیس ضبطیه - نایب الحکومه

ماده ۲۵۰ - رئیس ضبطیه بلوک مراقبت مخصوصی خواهد داشت که تمام وظایف اداره ضبطیه مجری شود و شخصاً مسئول تمام امور ضبطیه بلوک است رئیس مزبور در رفتار و سلوک با مردم کمال ملایمت و مسالمت را اظهار خواهد کرد ولی از طرف دیگر مواظبت تامد را خواهد داشت که از قوانین و احکام و دستورالعملها بوجه من الوجوه تخلف نشود .

ماده ۲۵۱ - وظایف رئیس ضبطیه از قرار شرح ذیل است :

(اول) اعلان و انتشار قوانین و مواظبت اینکه قوانین و احکامی که باید بموقع اجراء گذارده شود با اطلاع عامه برسد .

(دوم) مذاقه در قوانین و احکامی که مورد اشتباه شده است و رجوع با اداره ولایتی برای رفع اشتباه .

(سیم) رسیدگی بشکایا تیکه از ادارات و اشخاص متفرقه رسیده و راجع باعمال و رفتار صاحب منصبان ضبطیه است .

(چهارم) تقدیم لایحه بحکومت ولایت در باب تغییر حدود دوایر ضبطیه و همچنان تغییر محل اقامت مدیرهای ضبطیه .

(پنجم) تغییر قسمت های دوایر ضبطیه .

(ششم) انفصال موقتی صاحب منصبان ضبطیه (مدیرهای ضبطیه) که مرتکب جنحه و جنایتی شده اند از مشاغل آنها تا تکلیف آنها از طرف حکومت معین شود .

(هفتم) مراقبت تامه نسبت بدوائر ضبطیه و مدیرهای آن دوائر و اجرای تکالیف آنها و نظارت بجریان قانونی امور در آن دوایر .

(هشتم) ملاحظه راپورت های مدیرهای ضبطیه و جمع کردن و خلاصه کردن مطالب تمام آنها برای تقدیم بحکومت .

(نهم) ملاحظه اموری که از دوایر ضبطیه بر رئیس ضبطیه تقدیم میشود و تسویه آن امور .

(دهم) امضای اقداماتی که مدیرهای ضبطیه لازم میدانند بنمایند و کسب تکلیف میکنند ورد یا قبول آن اقدامات و یا حکم با اقدامات نوع دیگر .

(یازدهم) راپرت دادن بمقامات عالیله در اجرای احکام و اوامر صادره از آن مقامات و مراقبت لازمه نسبت بضباط نواحی و کدخدای دهات برای اجرای قوانین ضبطیه که باین اشخاص محول شده است .

ماده ۲۵۲ - رئیس ضبطیه بلوکی (نایب الحکومه) مراقبت مینماید که اداره ضبطیه در کمال انتظام باشد و در دفتر خانه منشی و اجزای آن دفتر خانه هر کدام امور

محولّه بخودشانرا کاملاً اجرا نمایند رئیس مزبور هرگاه مسامحه یا ممالطه در اداره ضبطیه مشاهده کند اشخاص لازم را توییح و ملامت مینماید و چنانچه این اقدام او اثری نبخشید مهلتی بآن اشخاص میدهد و اگر باز نتیجه حاصل نشد مراتب را باداره ولایتی اطلاع میدهد .

ماده ۲۵۳ - چنانچه رئیس ضبطیه مشاهده نماید که کاری در دوائر ضبطیه بعهده تعویق افتاده مهلتی بمدیر ضبطیه آن دایره داده تسویه آن را خواهد خواست و هرگاه مدیر مزبور در آن موعده آن کار را تسویه نکرد و نیز نتوانست مدلل کند که قادر بر تسویه آن نبوده مراتب را رئیس ضبطیه با اطلاع اداره ولایتی میرساند و اگر رئیس ضبطیه در این موارد اغماض کرد خودش مسئول خواهد بود .

ماده ۲۵۴ - هرگاه تعطیل در جریان امور حاصل و این تعطیل بواسطه نرسیدن جواب ادارات یا اشخاصی باشد که تابع اداره ضبطیه بلوکی نبوده و جزو حکومت ولایت دیگرند رئیس بعد از یک ماه از تاریخ استعمال اول استعمال ثانوی نموده جواب میخواهد و اگر باز جواب نرسید باداره ولایتی آنولایت رجوع مینماید و اگر باز جواب نرسید باداره ولایتی ولایت خود رجوع میکند .

ماده ۲۵۵ - هرگاه مدیر ضبطیه دایره مریض باشد رئیس میتواند کار او را بمدیر دیگری موقتاً رجوع کند ولی تغییر مدیری از دایره بدایره دیگر با اجازه اداره ولایتی است .

ماده ۲۵۶ - رئیس ضبطیه حق دارد که مدیر دایره را از تحقیقات مطلبی خارج نموده و آن تحقیقات را در همان دایره بمدیر دیگری واگذار کند این اقدام رئیس ضبطیه در صورتی صحیح و قانونی است که تحقیقات راجع بخود مدیر ضبطیه یا اقوام و اقارب او یا املاک خود او و اقوام او باشد این اقدام خود را رئیس ضبطیه با اطلاع اداره ولایتی رسانیده و جهتش را هم اظهار میدارد .

ماده ۲۵۷ - در موقع مجال گردشی رئیس ضبطیه اعمال و افعال مدیرها را تقشیش مینماید و بشکایات آنها رسیدگی میکند و دفاتر نوشتهجات وارده و صادره را که درخانه آنها است بدقت ملاحظه میکند .

ماده ۲۵۸ - چنانچه رئیس ضبطیه بی نظمی و تقصیری از مدیر ضبطیه مشاهده کند بطوریکه دیگر مدیر ضبطیه مورد اعتماد ضبطیه نباشد مراتب را فوراً بحاکم اطلاع داده عزل مدیر را میخواهد .

ماده ۲۵۹ - رئیس ضبطیه در وقت مجال گردشی مساعدت لازم را بمدیرهای ضبطیه در اجرای تکالیف آنها مینماید و مراقبت مینماید که قوانین حفظالصحه و ضد حریق وغیره تماماً بموقع اجرا گذارده شود .

ماده ۲۶۰ - رئیس ضبطیه مواظبت مینماید که هیچکس بدون محاکمه تنبیه و سیاست نشود و همچنین از طرف دیگر رئیس ضبطیه مواظبت مینماید که اشخاص مقصر بعد از تحقیقات کامله بمحاکم عدلیه جلب و تنبیه و سیاست شوند .

ماده ۲۶۱ - هنگام محل گردشی رئیس ضبطیه سعی مینماید که بمواعظ و نصایح لازمه مردم دهات را با اجرای قوانین راجعه بآنها دلالت کند و فواید زراعت و حرفت و صنعت را بآنها گوشزد و تشویق نماید .

ماده ۲۶۲ - تمام اطلاعات خود را رئیس ضبطیه با اطلاع اداره ولایتی میرساند و حرکت خود را از شهر و قصبه بلوکی و مراجعت خود را بآن شهر نیز اطلاع میدهد .

ماده ۲۶۳ - رئیس ضبطیه باید مستحضر از خوبی و بدی حاصل باشد و اطلاعات لازمه را در این باب با جهات آن بحاکم برساند .

دوم - در وظایف مدیر ضبطیه

ماده ۲۶۴ - وظایف مدیر ضبطیه از قرار ذیل است :

- (اول) اعلام و انتشار قوانین در حوزه مأموریتی خودش بحکم اداره ضبطیه.
- (دوم) اعلام و انتشار احکام و دستورالعملهای دولتی و هرگونه اعلانات و احضار اشخاص لازم بحکم حکومت و ادارات متبوعه .
- (سوم) اعلان مزایدهها و احضار مقاطعه کاران و امثال آنها.
- (چهارم) جمع کردن اطلاعات لازمه و خواستن توضیحات از اشخاصیکه در دایره ضبطیه او هستند.
- (پنجم) مراقبت در وصول مالیات و عوارض و فروعات که بموجب قانون گرفته میشود .
- (ششم) مساعدت با اشخاص لازم در تقویم اموال و برداشتن صورت آنها و همچنان تقویم و برداشتن صورت کارخانهها و غیره در صورتیکه بموجب قانون لازم و حکم اداره ضبطیه در این باب صادر شده .
- (هفتم) اقدامات لازمه در مواردی که قشون از دایره ضبطیه مدیری میگردد و مراقبت اینکه مردم تکالیف خودشان را بموجب قوانین نظامی و غیره بموقع اجرا بگذارند .
- (هشتم) نظارت امنیت راههای نظامی و پستی و تجارتنی و غیره و صحت پلها و معابر از دائمی و موقتی و پاکیزگی، دهات و مراقبت ابنیه بترتیب و نقشه‌ای که معین شده ساخته شود.
- (نهم) مراقبت در فروش سموم و ممانعت از قاچاق و فروش اشیاء ممنوعه و تقلب در مسکوکات و مواظبت بصحت اکیال و اوزان.
- (دهم) نظارت با اجرای قوانین و برقراری آسایش و امنیت چه در دهات چه در خارج از دهات و اقدامات اولیه برای جلوگیری و تعدی از افعال خودسرانه و اغتشاش و اطلاع دادن مراتب را ب اداره ضبطیه.

(یازدهم) تعاقب فراری‌های نظامی و دزدها و مرتکبین جنحه و جنایات و اشخاص مجهول الحال .

(دوازدهم) برداشتن اطفالی را که سر راه انداخته‌اند و نگاهداری از آنها بوسیله موجوده .

(سیزدهم) نجات دادن اشخاصی را که از آفت کشتی در مخاطره هستند و حفظ اموال متعلقه بآنها .

(چهاردهم) حفظ اشیاء عتیقه و اشیائی که گم شده بود و بعد پیدا شده (لقطه).

(پانزدهم) ملاحظه جسد اموات که در راهها و معابر و غیره پیدا میشود و تحقیقات لازمه برای معین کردن جهت مرگ و اطلاع دادن بجاهای لازمه .

(شانزدهم) جلوگیری از دزدها و قطاع الطریق و اقدامات برای برقراری امنیت اهالی و تحقیقات دزدی و حریق و غیره و اطلاع دادن باداره ضبطیه .

(هفدهم) اقدامات لازمه برای حفظ الصحه و رفع امراض مسریه و امراض سریع الانتشار میان مردم و حیوانات و راپرت دادن باداره ضبطیه .

(هیجدهم) قبول کردن عرضحال و شکایاتیکه باداره ضبطیه داده میشود و منضم کردن اطلاعاتی که مدیر ضبطیه راجع بآن عرضحال یا شکایت تحصیل کرده .

(نوزدهم) ترتیب صورتهائیکه حاوی اطلاعات دفتر نفوس و هیئت احصائیه است از قبیل عدّه مساجد و مدارس و مکاتب و مریضاندها و دارالمساکین و عدّه دهات و نفوس و متولدات و متوفیات و عقد ازدواج و غیره و فرستادن آن صورتهای را باداره ضبطیه .

(بیستم) امور راجعه بتذکره موافق قوانین تذکره .

(بیست و یکم) ابلاغ نمودن باداره ضبطیه صورتهائی را که ضباط نواحی در باب اطلاعات راجعه بحاصل و زراعت و غیره ترتیب میدهند .

(بیست و دوم) اجرای احکام محاکم عدلیه بحکم رئیس ضبطیه و اجرای کلیه اوامر ضبطیه.

(بیست و سوم) اخبار اداره ضبطیه از انجام دادن اوامر و احکامیکه بعهده مدیر ضبطیه صادر شده .

(بیست و چهارم) پاك نگاهداشتن محبسی که در نزد يك خانه مدیر ضبطیه برای توقیف موقتی اشخاص لازم ساخته شده است.

ماده ۲۶۵ - خانه مدیر ضبطیه باید همیشه برای هر کس باز باشد و همه وقت باید مدیر عرض حال و شکایت مردم را بشنود و اقدام لازم را بعمل آورد و با مردم بملایمت و حوصله رفتار نماید .

تبصره - بالای خانه مدیر ضبطیه باید سر لوحه باشد باین کلمات (خانه مدیر ضبطیه) .

ماده ۲۶۶ - مدیر ضبطیه باید مراقبت تامه داشته باشد که حرکتی از کسی ناشی نشود که مخالف قوانین باشد مثلاً اعلان و انتشار قوانین و احکام بدون اجازه اداره ضبطیه و پاره کردن اعلاناتی که بتوسط اداره ضبطیه شده و قمار و شرب مسکرات و ارتکاب منکرات علناً که مورث اختلال نظم شود و اجتماع زن و مرد در یکجا در موارد ممنوعه و اعلانات تهمت آمیز و انتشاراتی که باعث فساد اخلاق است .

ماده ۲۶۷ - در مواردی که مدیر ضبطیه بتوسط ده باشیها از وقوع جنحه و جنایت و قباحتی از قبیل قتل و سرقت و حریق عمدی و تقلب در مسکوکات و اسناد دولتی و ملتی و بانکها و غیره مطلع میشود باید فوراً مراتب را بمدعی عمومی یا معاون آن اطلاع دهد و اقدامات اولیه را در جلوگیری از اعمال شنیعه و توقیف جانی و تحقیقات اولیه بعمل آورد .

ماده ۲۶۸ - مدیر ضبطیه باید بصورت اشخاصی را که دردهات برای اطفاء حریق

داوطلب شده‌اند ترتیب داده و اعلانات لازم در دهات بنماید که اشخاص لازم بدانند با چه اسباب باید برای اطفاء حریق حاضر شوند .

ماده ۲۶۹ - هرگاه در حوزه مأموریتی مدیر ضبطیه ملخ خواریگی یا آفت دیگری برای زراعت حادث شود مدیر ضبطیه بتوسط ده باشی‌ها مردم دهات و کدخداهای مضبوط را دعوت مینماید که اقدامات لازم را موافق علم و تجربه که دارند بر ضد ملخ خواریگی و غیره بعمل آورند و کذا لک اگر حیوانات درنده و سبع در حول و حوش آبادانیها زیاد شوند مدیر ضبطیه اعلام مینماید که اشخاص داوطلب حاضر شده حیوانات مزبوره را قلع و قمع نمایند .

ماده ۲۷۰ - هرگاه مدیر ضبطیه مطلع شود که طفلی سر راه یا در میان افتاده است باید تحقیقات لازم را بعمل آورد بفهمد که عمداً آن طفل را انداخته‌اند یا گم شده بعد از تحقیقات و کشف و تعیین والدین و اقربای آن طفل طفل را با ولیای آن میرساند و اگر عمدی بوده یکی از اهالی محل میدهد که در مقابل حق الزحمه معینی از طفل پرستاری نماید کذا لک اشخاصی را که در بین راه بواسطه مرضی افتاده و در مانده‌اند مدیر ضبطیه بدارالمساکین میسپارد و در صورتیکه چنین اداره خیریه نباشد موقتاً بخاندای میسپارد و بکسان مریض اطلاع میدهد .

ماده ۲۷۱ - چنانچه آثار عتیقه و دینه پیدا شود مدیر ضبطیه فوراً مراتب را با اطلاع اداره ضبطیه و حاکم ولایت میرساند ولی اشیاء مفقوده که پیدا میشود باید بصاحبان آن رد شود و اگر صاحبان آن معین نباشد مدیر ضبطیه آن اشیاء را با اداره ضبطیه میفرستد که موافق قوانین شرع انور اقدام شود .

ماده ۲۷۲ - مدیر ضبطیه حق دارد در موارد لازم با مدیرهای ضبطیه سایر دوایر مکاتبه و از آنها بعضی اطلاعات یا تحقیقات بخواهد و اگر جواب نرسد با اداره ضبطیه رجوع نماید .

تبصره - دواير ضبطيه همان بلوك يا بلوك ديگر يك حكم دارد مقصود اين است كه مدير هر يك از دواير ضبطيه ولايتى ميتواند با تمام دواير ضبطيه آن ولايت مكاتبه نمايد .

ماده ۲۷۳ - هر گاه در حكم اداره ضبطيه مدير ضبطيه چيزى مشاهده كند كه علاوه بر خلاف قوانين باشد مدير مزبور اجراى آن حكم را نكرده با اداره ضبطيه ملاحظات خود را تقديم نمايد و چنانچه مجدداً همان حكم صادر شد حكم اداره ضبطيه را اجرا نموده فوراً مراتب را با اطلاع اداره ولايتى برساند .

ماده ۲۷۴ - هر گاه مدير ضبطيه بخواهد با اداره ضبطيه براى كارى برود بايد قبل از وقت تحصيل اجازه كرده بعد برود ولى در موارد فوق العاده ميتواند بدون اجازه در اداره ضبطيه حاضر شود بشرطى كه قبل از حركت مدير دايره ضبطيه همجوار را كه قبل از وقت بحكم اداره ضبطيه براى اين گونه موارد قائم مقام معين شده است اخبار نمايد .

ماده ۲۷۵ - مديرهاى ضبطيه نظارت باعمال ناظمين ضبطيه وده باشيها دارند و اگر رفتار خلاف قاعده از آنها مشاهده نمايند ملاحظات خود را در عزل آنها با اداره ضبطيه اظهار ميدارند .

تبصره - مدير ضبطيه نبايد بوجه من الوجوه تا بين ضبطيه را كه در اداره او هستند بكارهاى شخصى خود بگمارد .

سوم - در وظائف تا بين ضبطيه

ماده ۲۷۶ - وظائف ناظمين ضبطيه (معاون مدير ضبطيه) موافق دستورالعملى است كه وزارت داخله با اطلاع وزارت عدليه و ساير وزارتخانهها مرتب خواهد نمود .

ماده ۲۷۷ - وظائف ناظمين ضبطيه وده باشيها اجراى اوامر اداره ضبطيه

و احکام مدیرهای ضبطیه است لهذا اشخاص مزبوره تمام امور راجعه بداره ضبطیه را موافق مواد (۲۳۹ - ۲۱۹) و كذلك وظائف مدیرهای ضبطیه را مطابق مواد (۲۷۴ - ۲۶۳) بموجب احکام و دستورالعمل آنها بموقع اجرا میگذارد حفظ و وقایه امنیت و آسایش و مراقبت پاکي و پاکیزگی در دهات مخصوصاً بعهده مأموریت آنها است .

ماده ۲۷۸ - تا بین مذکوره مواظبت مینماید که در جاهائیکه آب از سرچشمه برای خوراکي برداشته میشود رخت نشویند و بیعضی اقدامات آب را کثیف ننمایند و سرچاهها محفوظ باشد و برای شست و شو و استعمالات دیگر حوضهای علیحده تهیه شود .

ماده ۲۷۹ - تا بین ضبطیه مراقبت مینماید که در خانههای رعیتی بخاریها و لوله های بخاری صحیح باشد و هرگاه بخواهند در خانههای قریب بجنگلها آتش برافروزند باید مسافت معینی که اقلا ده ذرع باشد تا جنگلها فاصله داشته باشد و در موارد اتفاق حریق باید فوراً اشخاصی را که قبل از وقت داوطلب اطفاء حریق شده اند خبر نمایند و با تمام وسائل موجوده واسباب اطفائیه و غیره جلوگیری و دفع حریق را بنمایند .

ماده ۲۸۰ - تا بین ضبطیه باید مراقبت مخصوص نسبت بصحت طرق و شوارع و معابر و پلها و کوچه و غیره داشته باشند و بموقع مدیرهای نظمیه را از اغتشاش راهها مطلع نمایند که اقدامات فوریه از طرف آنها در ادارات لازمه برای تغییرات لازمه بعمل آید .

ماده ۲۸۱ - نظارت اجرای قوانین دولتی در حفظ جنگلها و مراقبت قوانین حفظالصحه و قواعد خرید و فروش سموم و عدم خرید و فروش اموال قاچاق و اشیاء ممنوعه و غیره بعهده تا بین ضبطیه است و باید بموقع تمام اینگونه اتفاقات و وقایع را

بمدیر ضبطیه اطلاع دهد .

ماده ۲۸۲ - کلیه تائین ضبطیه مراقب و مواظب اجرای تمام قوانین دولتی و دستورالعملهای ادارات از هر قبیل هستند و هر قبیل اتفاقات فوق العاده را فوراً بمدیرهای ضبطیه اطلاع میدهند و دستورالعمل میگیرند و هرگاه اتفاق فوق العاده نباشد هفته ای یکمرتبه ده باشی نزد مدیر ضبطیه رفته راپرتهای خودشانرا میدهند و دستورالعمل میگیرند و در صورتیکه خودشان نتوانستند حاضر شوند یکنفر از تائین نظمی را برای گرفتن دستورالعمل میفرستند .

تبصره - روزهای حاضر شدن ده باشیها در نزد مدیر ضبطیه باید طوری معین و مرتب شود که برسیدن پست شهری و احکام اداره ضبطیه بمدیر ضبطیه توافق نماید .

ماده ۲۸۳ - در صورت مریض بودن ده باشی یکی از تائین ضبطیه هائیکه ساکن همان محل و از حیث خدمت اقدم است قائم مقام اوست .

ماده ۲۸۴ - تائین ضبطیه را نباید از مشاغل آنها بازداشت لهذا کدخداهای دهات مأذون نیستند مادامیکه آنها مشاغل رسمی دارند کاری بآنها رجوع نمایند .

ماده ۲۸۵ - تائین ضبطیه که در اداره بلوکی خدمت مینمایند و حامل مکاتبات و مراسلات اداره ضبطیه برای مدیرهای ضبطیه بوده و نیز بعکس راپورت مدیرهای ضبطیه را بآن اداره حمل مینمایند باید در راه معطل نشوند و سعی داشته باشند که مکاتبات را خوب حفظ کرده بموقع برسانند در عرض راه هر چه از آنوقه و غیره لازم میشود باید بخرند و کسی را مجبور بدادن هدیه و تعارفی ننمایند و هیچگونه اجحاف و تعدی بکسی رواندارند اگر کسی شکایت از آنها داشته باشد یا بمدیرهای ضبطیه و یا باداره ضبطیه میدهد .

فصل هفتم

در نظمیه پایتخت و کرسی های ولایات و غیره

اول - در ترکیب نظمیه

ماده ۲۸۶ - در پایتخت و کرسی های ولایات و شهرهائی که صورت آنها را وزارت داخله معین خواهد کرد اداره نظمیه علیحده مؤسس و مقرر است اداره مزبوره در پایتخت مرکب است از رئیس نظمیه و دو نایب رئیس و در کرسیهای ولایات و غیره از رئیس نظمیه و یک نفر نایب رئیس .

ماده ۲۸۷ - از حیث امور نظمیه شهر بچند محله تقسیم میشود و هر محله در اداره صاحب منصب نظمیه ایست که موسوم است بکدخدای محله .

ماده ۲۸۸ - هر محله نیز بچند گذر قسمت میشود و اداره کردن امور نظمیه در هر کدام از گذرها محول است بعهده و مسئولیت شخصی که موسوم است بنایب هر گذر و بچند کوچه تقسیم میشود .

ماده ۲۸۹ - کوچها بمحافظت تا بین نظمیه از قبیل دهباشی و پلیس و گزمه و غیره محول است و نایب گذر رئیس بلا واسطه تا بین نظمیه گذر است .

ماده ۲۹۰ - در اداره نظمیه دفتر خاندای تشکیل خواهد شد که مرکب از یک نفر مدیر و چند نفر منشی و محرر و اجزاء دیگر خواهد بود و تمام قراردادها و احکام اداره نظمیه بتوسط کدخداهای محلات و نواب و ده باشی ها و پلیس بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

ماده ۲۹۱ - کدخداهای محلات در پایتخت و سایر شهرهائی که بیش از دو بیست هزار نفر نفوس دارد یک نفر معاون خواهند داشت و در این صورت کدخدای محله یا

معاونش اداره ضبطیه محلیه را تشکیل میدهد و اداره مربوطه نیز دارای دفترخانه ای خواهد بود که بقدر لزوم منشی و محرر و اجزاء خواهد داشت .

ماده ۲۹۲ - تقسیم نواب و پلیس و گزیده و مستخدمین دفترخانه های محلات بمحلات مختلفه بسته بصوابدید رئیس نظمیه یا بیگلر بیگی است .

ماده ۲۹۳ - در هر محله باید محبس نظمیه برای توقیف اشخاص لازم دایر شود و این محبس هاهر کدام در تحت نظارت ناظمی خواهد بود و در هر محبس باید چند رختخواب در اطاق علیحده برای مرضی در تحت نظارت اطبای نظمیه باشد .

ماده ۲۹۴ - در پایتخت اداره نظمیه نیز نظمیه ردیفی (نخیره) خواهد داشت و این نظمیه مرکب خواهد بود از یکنفر رئیس و چند نفر نواب و تابین در این اداره مکتبی نیز ایجاد خواهد شد برای تهیه و حاضر کردن نواب و تابین ردیف - معلمین این مکتب صاحبمنصبان و نواب نظمیه خواهند بود .

ماده ۲۹۵ - در شهر پایتخت و شهرهای بزرگ علاوه بر نظمیه مذکور در مواد فوق الذکر نظمیه تفتیشی نیز مؤسس و مقرر است فهرست اسامی این نوع شهرها را وزیر داخله مرتب و اعلام خواهد نمود .

ماده ۲۹۶ - نظمیه تفتیشی مرکب است از یکنفر رئیس و یکنفر معاون و مأمورین مخصوصی و نواب و عمال نظمیه .

ماده ۲۹۷ - اداره اطفائیه در شهرهای لازم مرکب است از رئیس اطفائیه و مأمورین اطفائیه در محلات شهری و انبار اطفائیه و عمال اطفائیه که در تحت ریاست مأمورین اطفائیه واقعند .

ماده ۲۹۸ - شکل و ترتیب لباس صاحبمنصبان و تابین نظمیه را و همچنان نوع اسلحه ای را که باید داشته باشند وزیر داخله موافق دستور العمل جداگانه مرتب و بادارات نظمیه اعلام خواهد کرد .

دوم - در نصب و انفصال و عزل رئیس نظمیه

یا مأمورین نظمیه و غیره

ماده ۳۹۹ - رئیس نظمیه در پایتخت بتصویب وزیر داخله و فرمان همایونی منصوب و منقل میشود رؤسای نظمیه سایر شهرها بمعرفی حاکم محل و بحکم وزیر داخله منصوب و منقل میشوند .

تبصره - هرگاه ولایتی جزو ایالتی باشد نصب و عزل رئیس نظمیه کرسی آن ولایت بمعرفی حاکم و بحکم فرمانفرما است .

ماده ۴۰۰ - نصب و عزل معاون رئیس نظمیه و کدخدای محلات در پایتخت بمعرفی رئیس نظمیه و تصویب حاکم است و در سایر شهرها بمعرفی رئیس نظمیه و امضای حاکم است عزل و نصب معاون کدخدای محلات و نواب و تائین نظمیه و اجزای دفتر خانه ها در همه جا بمعرفی رؤسای بلا واسطه آنها و تصویب رئیس نظمیه است .

سوم - در قواعد خدمت تائین نظمیه

ده باشی پلیس و گز مه

ماده ۴۰۱ - اشخاص ذیل نمیتوانند در نظمیه مستخدم شوند :

(اولاً) کسانی که بواسطه جنحه و جنایتی مجازات قانونی دیده اند یا در تحت استنطاق و محاکمه هستند و یا متهم بجنحه و جنایتی شده شرعاً بری الذمه نشده اند .

(ثانیاً) از تائین ردیف نظامی آنهایکه هنگام خدمت نظامی مورد جریمه و

تنبیه نظامی بوده اند .

(ثالثاً) اشخاصیکه بواسطه جرم و تقصیری از خدمت خارج شده اند .

(رابعاً) اشخاص ورشکست بتقصیر .

(خامساً) اشخاصیکه محتاج بقیم شرعی هستند .

(سادساً) کسانیکه تریاک استعمال مینمایند و یا متجاهر بفسقند .

ماده ۳۰۲ - صاحبمنصبان اداره نظمیه و ضبطیه از رؤساء و کدخداها و مدیرهای ضبطیه اشخاصی خواهند بود که تبعه ایران بوده و در یکی از مدارس علمیه تحصیلات خود را تمام کرده اند و یا در خدمت کشوری و لشکری معلومات و تجربه کافی تحصیل کرده اند .

ماده ۳۰۳ - در پایتخت اشخاصیکه موافق دو ماده قبل صلاحیت دخول بخدمت نظمیه را دارند و میخواهند بسمت کدخدائی داخل خدمت نظمیه شوند جزو نظمیه نخیره (ردیف) محسوب خواهند شد که بعد از دادن امتحانات لدی الاقتضاء داخل خدمت نظمیه بشوند و اگر بثبوت رسید که لایق خدمت در نظمیه نیستند معاف خواهند بود .

تبصره - اشخاصیکه در مدت سه سال در جاهای دیگر صاحبمنصب نظمیه و ضبطیه بوده اند (کدخداهای محله یا مدیر ضبطیه بوده اند) و همچنان صاحبمنصبان نظامی از این قاعده مستثناء و یکدفعه در پایتخت داخل خدمت نظمیه خواهند شد .

ماده ۳۰۴ - هرگاه صاحبمنصب ردیف در مدت سه سال اول ترفیع رتبه نیافتند از ردیف نظمیه نیز باید خارج شوند .

ماده ۳۰۵ - ترفیع رتبه در اداره نظمیه باید بمراتب باشد .

ماده ۳۰۶ - صاحبمنصبان نظمیه تفتیش نیز باید تماماً تبعه ایران و دارای شرایطی باشند که در ماده ۳۰۷ و ۳۰۱ مذکور است و بعلاوه باید در پایتخت و شهرهای بزرگ امتحان معلوماتی که برای خدمت آنها لازم است داده باشند .

ماده ۳۰۷ - شرایط دخول نواب و عمال ضبطیه بخدمت نظمیه از قرار ذیل است:
(اولاً) تابعیت ایرانیه .

(ثانیاً) سن که کمتر از بیست و پنج نباید باشد .

(ثالثاً) برای نواب داشتن شهادت نامه تحصیل لامحاله از یکی از مکاتب ابتدائیه و برای تابین نظمیه سواد فارسی .

ماده ۳۰۸ - اشخاصیکه صلاحیت دخول بخدمت نظمیه را موافق ماده قبل دارند در پایتخت اول جزو ردیف نظمیه محسوب میشوند و بعد از دادن امتحانات در مکتب نظمیه داخل خدمت واقعی خواهند شد و هرگاه نواب و تابین لیاقت و استعداد نداشته باشند اخراج خواهند شد .

ماده ۳۰۹ - از نواب و تابین آنهاییکه سه سال باین سمت در خدمت نظمیه بوده اند و تجارب لازمه را تحصیل کرده اند میتوانند یک دفعه داخل خدمت واقعی بشوند بشرطیکه رعایت ماده ۳۰۱ و ۳۰۶ شده باشد .

ماده ۳۱۰ - تابین نظمیه در خدمت دولتی محسوب خواهند شد ولی حق ارتقاء بدرجه صاحبمنصبی را نخواهند داشت .

ماده ۳۱۱ - نواب و تابین نظمیه بسه درجه منقسم می شوند و برای تشویق خدمت صادقانه هر پنج سال از درجه سفلی بدرجه علیا ارتقاء می یابند نایبی که از درجه اولی باشد و یکی از مکاتب ابتدائیه را تمام کرده باشد در صورت خدمات صادقانه و ابراز کفایت میتواند معاون کدخدای محله واقع شود و کذالك پلیسی که سواد کافی دارد و از درجه اولی است میتواند بعد از دادن امتحانات لازمه نایب شود .

تبصره - درجات تابین نظمیه از این قرار است دهباشی پلیس و گزومه .

ماده ۳۱۲ - نواب و تابین نظمیه را نمیتوان بکار دیگری گماشت ولو آن کار موقتی باشد .

ماده ۳۱۳ - اشخاصی که در خدمت نظمیه واقعند نمیتوانند متصدی شغل دیگری بشوند و کذاک از مشاغل شخصی از قبیل تجارت و کسب و غیره ممنوعند .

چهارم - در مسئولیت و مؤاخذه

ماده ۳۱۴ - هرگاه از صاحب منصبان و مستخدمین نظمیه تقصیر سر بزند که از قبیل جنحه و جنایتی بوده محتاج بجلب آنها بمحاکمه و دادن مجازات قانونی باشد بطوری رفتار خواهد شد که در مواد ۳۹۱ و ۳۹۲ و نظامات عدلیه مقید است ولی چنانچه تقصیری که از صاحب منصبان و مستخدمین نظمیه ناشی شده است جنحه و جنایتی نبوده مستوجب جلب بمحاکمه عدلیه نباشد مؤاخذه آن از قرار ذیل است .

تبصره - اشخاصی که در اداره نظمیه برای کاری اجیر شده اند و مستخدم نیستند در موردی که تقصیری از آنها ناشی شود در حکم مستخدمین نظمیه خواهند بود

ماده ۳۱۵ - مؤاخذه ای که از صاحب منصبان نظمیه میشود باستثنای رئیس نظمیه و تقشیش و رئیس اداره حریق و رئیس نظمیه ردیفی از قرار ذیل است :

(اول) اخطار .

(دوم) توبیخ و ملامت .

(سیم) همان مؤاخذه با اعلان و انتشار در اداره نظمیه .

(چهارم) و داشتن بخدمت خارج از نوبت (یعنی سوای خدمت مقرره) .

(پنجم) توقیف و حبس بمدت هفت روز .

(ششم) کسر گذاشتن از حقوق .

(هفتم) تبدیل شغل مقصر از اعلی باسفل .

(هشتم) عزل از شغل (نه از خدمت) .

ماده ۳۱۶ - مؤاخذه ای که از نواب میشود از قرار تفصیل ذیل است :

(اول) اخطار .

(دوم) توبیخ و ملامت .

(سوم) همان مؤاخذه باقید اسم مقصر در دفتر جرائم .

(چهارم) رجوع خدمت خارج از نوبت .

(پنجم) حبس تادوهفته .

(ششم) کسر حقوق .

(هفتم) تبدیل شغل مقصر از درجه اعلی باسفل .

(هشتم) نقل از رتبه نایبی به پلیس .

(نهم) اخراج از خدمت .

ماده ۳۱۷ - مؤاخذه از پلیس تا بین نظمیه همان مؤاخذه از نایب است باستثنای

حبس که مدت آن یکماه تواند بود .

تبصره اول - کسر حقوق یعنی (موجب) نباید بیش از یک ثلث باشد .

تبصره دوم - رئیس نظمیه حق دارد اشخاصی را که شغلشان از اعلی باسفل تبدیل

شده مجدداً در ازای خدمت صادقانه بدرجه اعلی معاودت دهد .

ماده ۳۱۸ - توبیخ و ملامت شفاهی اگر راجع بصاحب منصبان است باید در دفتر

مخصوص قید شود و چنانچه راجع بنواب و تا بین نظمیه است (دهباشی و پلیس و گزوه) در

دفتر جرائم ثبت خواهد شد .

ماده ۳۱۹ - حبس صاحب منصبان نظمیه در محبس نظامی خواهد بود و حبس نواب

و تا بین نظمیه در محبس هائیکه در اداره نظمیه (مرکزی یا محله) ساخته شده است - نواب

باید از تا بین نظمیه علیحده باشند .

ماده ۳۲۰ - مؤاخذه باید با اهمیت جرم و تقصیر متناسب باشد لهذا باید تقصیری

که ناشی شده و اوضاع و احوال آن و حرکت و رفتار ماقبل مقصر و مدت خدمت آن منظور باشد .

ماده ۳۲۱- مؤاخذات فوق الذکر (در ماده ۳۱۴ و ۳۱۵) حق رئیس نظمیه است ولی حق مؤاخذه مأمورین نظمیه (کدخداهای محلات) از قرار ذیل است:

(اولاً) نسبت بصاحبمنصبانی که در اداره او هستند اخطار و توبیخ و ملامت و بخدمت و داشتن در غیر نوبت بطور فوق العاده فقط یک دفعه.

(ثانیاً) نسبت بنواب توبیخ و ملامت باقید در دفتر جرایم و بخدمت و داشتن در غیر نوبت بطور فوق العاده تا چهار دفعه.

(ثالثاً) نسبت بتابین نظمیه رجوع خدمت در غیر نوبت بطور فوق العاده تا شش دفعه و حبس تا سه روز اگر مؤاخذه شدیدتری لازم شود کخدای محله از رئیس نظمیه تحصیل اجازه خواهد کرد.

ماده ۳۲۲- رؤسای نظمیه ذخیره و ناظمین محبس ها و رؤسای نظمیه تفتیش و رئیس اداره حریق نسبت بصاحبمنصبانی که در اداره آنها هستند در باب مؤاخذه همان حق را دارند که در باب کخدای محلات قید و تصریح شده.

ماده ۳۲۳- مؤاخذات دیگر که شدیدتر باشد با اجازه رئیس نظمیه است.

ماده ۳۲۴- مادامیکه رؤساء از حدود خود تجاوز نکرده اند و مؤاخذه صحیح بوده مقصرین حق ندارند از آنها شکایت بنمایند .

پنجم - در وظایف اداره نظمیه شهری

و صاحبمنصبان و تابین نظمیه

ماده ۳۲۵- حدود حقوق و تکالیف اداره نظمیه شهری همان است که در باب اداره ضبطیه (بلوکی) مصرح است .

ماده ۳۲۶ - وظایف صاحب‌منصبان نظمیه از رئیس و غیره و نواب و تائین نظمیه در شهر نیز همان است که در باب رئیس ضبطیه (بلوکی) و مدیرهای ضبطیه و غیره قید شده .

ماده ۳۲۷ - بعضی وظایف که مخصوص نظمیه شهر است از قراری است که در مواد آتی ذیل مندرج است .

ماده ۳۲۸ - کدخداهای محلات و اداره نظمیه محله (در صورتیکه باشد) مکلفند که: (اولاً) هر فوتی که در محله آنها اتفاق میافتد بشخص امین آن محله که برای این نوع کارها معین میشود اطلاع دهند تا اقدامات لازمه در حفظ اموال متوفی بعمل آید . (ثانیاً) ناظر اجرای قواعدی باشند که رئیس نظمیه یا مجلس بلدیة برای انتظام امور شهری ایجاد و اعلام نموده اند .

(ثالثاً) نظارت بمحبس‌ها داشته باشند که وضع آن محبس‌ها موافق قاعده و انتظام باشد لهذا کدخداهای محلات زود زود باید باین امکانه سرکشی نمایند .

(رابعاً) باید هر ماه بغتتاً بامور اداره خود و صندوق و غیره سرکشی نمایند . (خامساً) بقراول خانه‌هایی که محل اقامت پلیس است نظارت داشته باشند .

ماده ۳۲۹ - تقسیم کارها مابین معاونین کدخدای محله در صورتیکه کدخدا دو معاون داشته باشد بسته بصوابدید رئیس نظمیه است .

ماده ۳۳۰ - صاحب‌منصبان و مستخدمین اداره نظمیه تماماً در تحت نظارت رئیس نظمیه اجرای دستورالعملهای آنرا مینمایند و هر يك مسؤل رشته کاری هستند که بآنها رجوع شده .

ماده ۳۳۱ - اجزای اداره نظمیه محلیه (در صورتیکه باشد) در تحت نظارت کدخدای محله واقع و مسؤل امور رجوعه بخودشان هستند .

ماده ۳۳۲ - نواب تماماً تابع کدخدای محله خودشان بوده و بلاواسطه اوامر و

دستورالعملهای کدخدای محله خودشانرا بلا تأخیر بموقع اجرا میگذارند .

ماده ۳۳۳ - تا بین نظمیة درادارۀ نواب و تابع او امر ادارات نظمیة اند .

ماده ۳۳۴ - اجزای محبس نظمیة درادارۀ ناظمین بوده تابع او امر و دستورالعملهای آنها هستند .

ماده ۳۳۵ - ترتیب اقدامات و رفتار نواب و تا بین نظمیة را رئیس نظمیة علیحده مشروحاً مرتب خواهد کرد .

ماده ۳۳۶ - ردیف نظمیة برای این دو مقصود تأسیس شده اولاً برای اشخاص داوطلب که خودشان را برای خدمت در نظمیة بسمت صاحبمنصبی نایبی و تا بینی نظمیة حاضر نمایند ثانیاً در صورت عدم کفایت مستخدمین و تا بین نظمیة موجوده نظمیة محلیه را تکمیل نمایند .

ماده ۳۳۷ - ترتیب و قواعد خدمت پلیس ذخیره و پروگرام (دستور العمل) امتحانات دخول بآن اداره و تفصیل دیگر را وزیر داخله معین خواهد کرد .

ماده ۳۳۸ - پلیس تفتیش مأمور است که در موارد اتفاق جنحه و جنایتی تفتیش و تفحص و تحقیقات لازمه را بعمل آورد و یا اجرای او امر و احکام رئیس نظمیة را در جلوگیری از جنحه و جنایات وقتنه و فساد بعمل آورد پلیس تفتیش در این موارد موافق دستورالعملهای راجعه بنظمیة اقدام مینماید و در واقع آلت اجرائیه نظمیة است .

تبصره - تفصیل ترتیبات و دستورالعملهای نظمیة تفتیش را رئیس نظمیة مرتب خواهد کرد .

ششم - در روابط تأسیسات نظمیة

ماده ۳۳۹ - تأسیسات نظمیة تماماً درادارۀ رئیس نظمیة است و او امر و احکام آنرا بموقع اجرا میگذارند و راپورت میدهند - با سایر دو ایردولتی ادارات نظمیة

مکاتبه مینمایند و بتایین حکم میدهند .

ماده ۳۴۰ - در امور راجعه بنظمیه تمام ادارات دولتی از حکومتی و عدلیه و مالیه و غیره مستقیماً بتأسیسات نظمیه رجوع مینمایند .

ماده ۳۴۱ - اشخاصیکه از اقدامات نظمیه راضی نیستند شکایات خودشانرا بداره متبوعه میدهند که مصدر حکم است .

ماده ۳۴۲ - ترتیب رسیدگی ب صندوق نظمیه و محاسبات آن و نظارت ب اموال نقدی و جنسی و اموال غیر منقوله تأسیسات نظمیه موافق قوانینی است که برای محاسبات ادارات دولتی کلیه وضع و ایجاد شده .

ماده ۳۴۳ - حدود تأسیسات نظمیه شهری حدود شهر است با اراضی و باغاتی که از محوطه شهر محسوب میشود ولی در صورت تعاقب دزد یا اشخاصی که جنحه و جنایتی از آنها سرزده است پلیس شهری مکلف است که در خارج حدود شهر نیز اقدامات خود را امتداد بدهد و فقط وقتی از تعاقب صرف نظر کند که پلیس محال شروع با اقدامات کرده باشد .

ماده ۳۴۴ - نسبت بجاهائیکه قلمرو اقدامات قراسورانها است (طرق و شوارع) عمال نظمیه تکلیفی ندارند ولی هرگاه عمال نظمیه در قلمرو اقدامات قراسورانها کشف علامت جنحه و جنایتی را نمایند و مأمورین قراسوران در آن محل نباشند مکلفند که تا ورود مأمورین مزبوره موافق قوانین عدلیه تحقیقات اولیه و حفظ علامت جنحه و جنایتی را بعمل آورند .

فصل هشتم - در باب قراسورانها

اول - در تشکیل اداره قراسورانها

ماده ۳۴۵ - قراسورانهای کلیه ممالک ایران در اداره وزارت داخله و در تحت

ریاست وزیر داخله است .

ماده ۳۴۶ - در هر ولایتی که بموجب قوانین اداره تشکیل شده اداره ای برای ترتیب و تنظیم امور قراسورانها تشکیل خواهد شد و این اداره مرکب است از رئیس قراسورانهای ولایتی و نایب او .

ماده ۳۴۷ - این اداره مثل اداره نظمیه دفتر خانه ای خواهد داشت منشی اداره قراسورانها مدیر دفتر خانه مزبوره است و اجزای دفتر خانه از قبیل محرر و دفتردار وغیره در تحت نظارت او واقعند .

تبصره - مقر اداره قراسورانها در کرسی ولایت خواهد بود .

ماده ۳۴۸ - رئیس قراسورانهای ولایتی بمعرفی حاکم و بتصویب وزیر داخله منصوب و منفصل میشود هر گاه ولایتی جزو ایالتی باشد نصب و عزل او بمعرفی حاکم و تصویب فرمانفرما است نایب رئیس قراسورانها بمعرفی رئیس قراسورانها و تصویب حاکم بشغل خود منصوب و از شغل خود منفصل خواهد شد مدیر دفتر خانه قراسورانها را رئیس قراسورانها معین میکند

ماده ۳۴۹ - وزیر داخله با اتفاق وزیر عدلیه و وزیر طرق و شوارع عده قراسورانهای هر ولایتی را علیحده معین خواهند کرد که بعد از تصویب مقامات عالیه قوت قانونی یافته بموقع اجراء گذارده شود .

ماده ۳۵۰ - در تعیین عده قراسورانهای ولایتی مقدار و وسعت خاک آن ولایت و اخلاق و عادت سکنه و طوایف آن و همچنان اهمیت طرق و شوارع و عده نظمیه و ضبطیه ولایت منظور نظر خواهد بود .

ماده ۳۵۱ - رئیس قراسورانهای ولایتی و نایب رئیس و صاحبمنصبان جزو قراسوران رتبه نظامی خواهند داشت و از صاحبمنصبان نظامی معین خواهند شد تمام صاحبمنصبان و تابین قراسوران در خدمت نظام حاضر رکاب محسوب و از حیث رتبه و

مقام و اعطای مناصب و امتیازات و قواعد خدمت تابع قواعد و ترتیبات خدمت نظامی خواهند بود .

ماده ۳۵۲ - تقسیم قراسورانهای ولایتی بدستجات مختلفه و سپردن هر کدام از دستجات مزبوره را بصاحبمنصبی و تعیین رتبه و مقام رئیس و نایب رئیس و صاحبمنصبان جزو و كذلك ترتیب لباس و اسلحه و اسب و سایر ملزومات آنها را وزیر داخله باتفاق وزیر جنگ معین و بعد از تصویب مقامات عالییه بموقع اجرا خواهد گذارد .

تبصره - تعیین عدّه قراسورانها برای ممالک ایران و تقسیم آن بولایات بعهده وزیر داخله خواهد بود .

دوم - دروظائف اداره قراسورانها

ماده ۳۵۳ - اول وظیفه اداره قراسورانها حفظ و حراست راهها و وقایه امنیت طرق و شوارع است و حدود تکالیف آنها در این باب همان است که در فصول راجعه بادارات ضبطیه و نظمیه مندرج است یعنی آنچه که برعهده اداره نظمیه (درشهرها) و ادارات ضبطیه (در بلوکاتست) باجزئی اختلاف مقتضیات محل برعهده اداره قراسورانها نسبت بطرق و شوارع وارد میآید .

ماده ۳۵۴ - اداره قراسورانها مکلف است که اقدامات لازمه را در جلوگیری از جنحه و جنایات بعمل آورد و هرگاه جنحه و جنایتی اتفاق افتاده تا ورود مأمور تحقیق و تحقیقات اولیه را بعمل آورده و مرتکبین جنحه و جنایات و مقصرین را دستگیر نماید و علامت جنحه و جنایات را تا ورود مأمورین تحقیق حفظ نماید .

تبصره - در صورتیکه جنحه و جنایتی واقع شود و قراسورانهای راه در محل وقوع جنحه و جنایات نباشند مستخدمین ادارات طرق و شوارع مکلفند که حفظ علایم

جنحه و جنایات را تا ورود قراسورانها بعمل آورند.

ماده ۳۵۵ - در صورتیکه در محل ادارات نظمیه و ضبطیه نباشد قراسورانها تمام تکالیف آن ادارات را بموقع اجرا میگذارند موارد و مواقعیرا که قراسورانها باید تکالیف ادارات ضبطیه و نظمیه را انجام بدهند وزیر داخله بانفاق وزیر عدلیه معین و اعلام خواهد کرد .

ماده ۳۵۶ - حدود اقدامات اداره قراسورانها حفظ طرق و شوارع و ابنیه و عماراتی است که در سراهها یا در کنار جاده ساخته شده .

ماده ۳۵۷ - هرگاه جنحه و جنایتی در معابر و راهها واقع شود و جانی یا مقصر فرار نماید قراسورانها مکلفند که آنها را تعاقب نموده در خارج از حوزه اقدامات خودشان هم این تعاقب را امتداد دهند فقط وقتی دست از تعاقب بردارند که عمال ضبطیه و نظمیه آن محل با اجرای تکالیف خودشان در این باب و بتعاقب فراری اقدام کرده باشند .

ماده ۳۵۸ - قواعد استعمال اسلحه در موارد لازمه بتوسط صاحبمنصبان وتاین و قراسوران علیحده مرتب و منضم بماده است .

سوم - در روابط اداره قراسورانها با سایر دوایر محلیه

ماده ۳۵۹ - اداره قراسورانها تابع احکام وزیر داخله و وزیر عدلیه و وزیر طرق و شوارع و اداره ولایتی هستند و بآن مقامات راپرت میدهند ولی از تحقیقات راجعه بجنحه و جنایات فقط تابع مدعی عمومی ولایتی میباشد .

ماده ۳۶۰ - بدوایر محلیه اداره قراسورانها مراسله مینویسند .

ماده ۳۶۱ - اداره قراسورانها هرگونه اطلاعات لازمه را بدوایر نظمیه و ضبطیه در صورت لزوم و تقاضای آن ادارات خواهند داد و خود اداره قراسورانها هرگونه

اطلاعات لازمه را از آن ادارات بخواهد و کلیه در موارد لازمه اداره قراسورانها کمال مساعدت و همراهی را با اندازه ای که راجع بحدود تکالیف آن اداره است از ادارات ضبطیه و نظمیّه خواهد نمود .

چهارم - در تکالیف رئیس قراسورانها

و نایب رئیس و صاحبمنصبان و تا بین قراسورانها
ماده ۳۶۲ - تکالیف رئیس و صاحبمنصبان و تا بین قراسوران در قلمرو
 مأموریتی آنها همان است که در مواد راجعه بر رئیس ضبطیه بلوکی و نایب رئیس و مدیرهای
 ضبطیه و تا بین ضبطیه مصرح و مندرج است .

ماده ۳۶۳ - روابط رئیس صاحبمنصبان و تا بین قراسوران و بعکس روابط
 صاحبمنصبان و تا بین نسبت بر رئیس بموجب اصول قوانین نظامی خواهد بود .

پنجم - در مسئولیت صاحبمنصبان

و تا بین قراسوران و سیاست آنها

ماده ۳۶۴ - هرگاه از صاحبمنصبان و تا بین قراسوران تقصیرات جزئی سر بزند
 تنبیه و سیاست آنها بطوری خواهد بود که در قوانین خدمت نظامی برای صاحبمنصبان و
 تا بین نظامی معین شده ولی اگر تقصیر صاحبمنصبان و تا بین قراسوران بقدری مهم باشد
 که بعد از انفصال از شغل ارجاع کار آنها بمحاکم عدلیه لازم شود بعد از تحقیقات لازمه
 در اداره ولایتی با حضور رئیس نظام ولایت یا معاون آن کار آنها بمحاکم عدلیه و نظامی
 رجوع خواهد شد .

فصل نهم

در تشکیل اداره ناحیتی

اول - قواعد عمومی

ماده ۳۶۵ - امور اداره هر ناحیه محول است بعهده شخصیکه موسوم است بضابط (مباشر) .

ماده ۳۶۶ - ضابط بتصویب نایب الحکومه و امضای حاکم ولایت بسمت خود استقرار مییابد .

ماده ۳۶۷ - برای اداره نمودن امور ناحیه اداره ای تشکیل می شود که موسوم است به اداره ناحیتی مقر اداره ناحیتی وضابط (مباشر) یا دهی است که در وسط سایر دهات جزو ناحیه واقع شده و یا قصبه ای که از حیث آبادانی تجارت و حرفت و صنعت اهمیتی نسبت بدهات دارد .

دوم - در باب ضابط (مباشر)

ماده ۳۶۸ - حفظ و وقایه امنیت و رفاهیت و انتظام امور ناحیه بعهده ضابط (مباشر) است و کدخداهای دهات تابع او هستند .

ماده ۳۶۹ - از امور ضبطیه آنچه راجع بضابط (مباشر) است از قرار ذیل است :
(اول) اعلان و انتشار قوانین دولتی و احکام و غیره بحکم مأمورین ضبطیه و مراقبت اینک قوانین جعلی و اخباری اصل اعلام و انتشار نیابد .

(دوم) حفظ و وقایه امنیت و اقدامات اولیه در جلوگیری از اغشتشاش و حرکات خلاف قاعده تا آنکه حکم مأمورین ضبطیه برسد .

(سیم) توقیف فراریان نظامی و غیره و اشخاص مجهول الحال و تسلیم آنها بمأمورین ضبطیه .

(چهارم) اخبار مأمورین ضبطیه از اتفاقات فوق العاده و جنحه و جنایات و اغتشاشی که در ناحیه روی داده و كذلك دادن اسامی اشخاصیکه بدون اجازه ضابط (مباشر) از ناحیه بنه کن خارج شده اند .

(پنجم) اقدامات اولیه در جلوگیری از امراض مسریه مابین مردم و حشم و حریق و طغیان آب و سایر ترتیبات و اخبار مأمورین ضبطیه بلا تأخیر .

(ششم) اقدامات لازمه برای جلوگیری از جنحه و جنایت و اقدامات برای کشف جنحه و جنایت و مقصرین و تسلیم آنها بمأمورین ضبطیه .

(هفتم) نظارت صحت راهها و کوچها و پلها و معابر .

(هشتم) مراقبت اینکه کدخداها و سایر اشخاصیکه در اداره ضبطیه اند تکالیف بخود را مجری دارند .

(نهم) نظارت در وصول مالیات و عوارض دولتی و اجرای تکالیف عسکری .

(دهم) نظارت بوجوه و اموال متعلقه بناحیه و مسئولیت صرف آن وجوه بطور صحیح .

(یازدهم) نظارت بمکاتب و مریضخانهها و ادارات خیریه که بخرج اهالی ناحیه تأسیس شده است .

(دوازدهم) نظارت بترتیبات دفتر نفوس در قراء و مراقبت بصحت آن .

ماده ۳۷۰ - ضابط (مباشر) مکلف است که تقاضای مشروع مأمورین عدلیه و ادارات ضبطیه را بلاعذر و تأخیر بموقع اجرا بگذارد .

تبصره - احکام و اوامر ادارات ضبطیه را آنچه که راجع بضابط (مباشر) است دهباشی بمشارالیه ابلاغ می نماید که بتوسط ضابط (مباشر) بموقع اجراء گذاشته شود

و خودد هباشی حق ندارد که بامور راجعه بضابط (مباشر) یا کدخدا دخالت نماید ولی در موقع اجرای تکالیف ضبطیه خود می تواند بخواهد که ضابط (مباشر) کمک و معاونت لازمه را باو در جلوگیری از اغتشاش و جنحه و جنایت بعمل آورد کذلک در مواقعی که ضابط (مباشر) تکالیف خود را از حیث امور ضبطیه مجرا می دارد د هباشی مکلف است که در صورت لزوم باو کمک نماید .

ماده ۳۷۱ - هرگاه از طرف اشخاصیکه در اداره ضابط (مباشر) واقعند تقصیری سر بزند ضابط (مباشر) میتواند مقصر را سیاست نماید حد این سیاست ضابط (مباشر) در ماده (۳۹۱) مذکور است در صورت تخلف از حدود اشخاصیکه از سیاست ضابط (مباشر) شکایت دارند میتوانند در مدت یک هفته از روی اجرای سیاست به اداره بلوکی شکایت نمایند .

سیم - در اداره ناحیتی

ماده ۳۷۲ - اداره ناحیتی تشکیل مییابد از ضابط (مباشر) ناحیه و معاون آن و کدخداهای دهات جزو ناحیه .

ماده ۳۷۳ - اداره ناحیتی غالباً روزهای جمعه تشکیل میشود ولی بحکم رؤسا یا در موارد فوری روز دیگر هم می تواند فوق العاده تشکیل یابد .

ماده ۳۷۴ - اموری که در اداره ناحیتی با اتفاق یا اکثریت آراء حل و تسوید میشود از قرار تفصیل است :

(اول) خرج کردن وجوهی که متعلق بناحیه است و رعایا برای مصارف ناحیتی داده اند .

(دوم) عزل و نصب اشخاصیکه برای خدمت ناحیتی اجیر شده اند باستثنای این دو مورد در سایر امور ضابط (مباشر) با اعضای اداره ناحیتی مشورت می نماید و عقیده خود را

بمسئولیت خودش اجرا میدارد .

ماده ۳۷۵ - تسویه امور در اداره ناحیتی بمذاکرات شفاهی است ولی در دفاتر احکام باید برای اداره ناحیتی اموری که تسویه آن منوط باتفاق یا اکثریت آراء است ثبت بشود احکامی که از طرف مباشر با اداره ناحیتی یا بیکی از مستخدمین ناحیه جزو که تابع اداره ناحیتی است صادر میشود در این دفتر در دو مورد باید ثبت شود .
(اول) در صورتیکه مباشر ثبت آن احکام را بخواهد .

(دوم) در صورتیکه شخصی که حکم بعهدہ او صادر شده همین تقاضا را داشته باشد .
ماده ۳۷۶ - غیر از دفتر مذکور در ماده قبل دفاتر ذیل نیز باید در اداره ناحیتی مرتب باشد .

(اول) دفتر دعاوی که در محاکم ناحیتی طرح میشود و کذاک دفتر دعاوی که بحکمیت حل و تسویه میگردد .

(دوم) - دفتر معاملات در این دفتر هر گونه معاملات که فیما بین خود دهقان ها وملاکین وسایر اشخاص منعقد شده بمیل طرفین ثبت میشود بشرطی که وجه این معاملات عیناً یا قیمةً بیشتر از صد و پنجاه تومان نباشد ومعامله در حضور دو نفر شاهد منعقد شده باشد سواد ثبت دفتر معاملات در صورتیکه صحیح باشد (نه تقلبی) در محاکم عدلیه منظور خواهد بود .

تبصره - برای ثبت معاملات در دفتر مزبور از هر معامله دهشاهی اخذ میشود واگر دریک معامله بیش از دو نفر شراکت دارند باید نفری پنجشاهی دهند پولیکه باین ترتیب جمع میشود بمصارف خیریه خود ناحیه خواهد رسید .

ماده ۳۷۷ - نگاهداشتن دفاتر مذکوره در ماده ۳۷۶ ونوشتن شهادت نامه ها وکلیه نوشتجاتی که از طرف مباشر یا اداره ناحیتی صادر میشود بعهدہ محرر ناحیتی است ومحرر مزبور تحت نظارت مباشر مراقبت ومسئول صحت نوشتجات صادره است

و هرگاه تقلبی در نوشتجات و شهادت نامه‌ها و غیره مشاهده شود محرر مزبور بموجب قوانین راجعه بتقلب در خدمت دولتی مورد مجازات خواهد بود .

فصل دهم

در باب کدخداهای و امور راجعه بقراء

ماده ۳۷۸ - اداره کردن امور ده بعهده کدخدا است که برضایت اکثر ساکنین ده و بتصویب مباشر و مالک و امضای نایب الحکومه بدین سمت استقرار مییابد .

ماده ۳۷۹ - وظایف کدخدا از قرار ذیل است .

(اول) اجرای قرارداد های اداره ناحیتی .

(دوم) نظارت باینکه حدود اراضی متعلقه دهقانها و علائم آن محفوظ باشد

اعم از اینکه آن اراضی در ملکیت آنها باشد یا در اجاره آنها .

(سیم) مراقبت در صحت راهها و معابر و کوچها و پلهای ده .

(چهارم) مواظبت وصول مالیات و عوارض دولتی و حقوق مالک .

(پنجم) اجرای قرارداد هائیکه دهقانها مابین خودشان منعقد داشته‌اند یا

باملاکین و اشخاص خارج بستند در صورتیکه این قراردادها متنازع فیه نباشد .

(ششم) نظارت بمسکاتب و مریضخانه و دارالمساکین و غیره در صورتیکه خود اهالی

ده بخرج خودشان این نوع ادارات خیریه را تأسیس کرده باشند .

(هفتم) نظارت بدفاتر نفوس و غیره و اطلاعات راجعه بآن و تقدیم صورت این

دفاتر بجای لازم .

(هشتم) نظارت باموال و جوهریکه متعلق بخود ده است و همچنان بانبار غله

ذخیره که متعلق با اهالی ده است و صرف آن بطور صحیح .

ماده ۳۸۰ - کدخدا تمام احکام مباشر را که راجع بامور ضبطیه و مذکور در

ماده ۳۶۸ است بموقع اجرا میگذارد و خود مستقلا اقدامات ذیل را بعمل میآورد .

(اول) حفظ و وقایه امنیت اهالی و اموال آنها از جنحه و جنایات و غیره و نظارت اینکه مزارع را خراب ننمایند و جنگل را موافق قواعد موجوده حفظ کنند و كذلك اقدامات لازمه بر ضد حریق

(دوم) دستگیر کردن فراریان نظامی و غیره و اشخاصی که مرتکب جنحه و جنایت شده اند و تسلیم آنها بضبطیه محلیه

(سیم) معاونت لازمه برای جلوگیری از امراض مسریه و حریق و طوفان و سایر بلیات و اخبار مباشر و مأمورین ضبطیه محلیه

(چهارم) کلیه اخبار مأمورین ضبطیه محلی از وقوع حوادث و اتفاقات فوق العاده . (پنجم) در صورت وقوع جنحه و جنایتی که خدای محل قبل از حاضر شدن مأمور تحقیق و مأمورین ضبطیه محلی اقدامات اولیه را در تحقیقات لازمه و دستگیر کردن جانی و حفظ علائم جنحه و جنایت بعمل میآورد

ماده ۳۸۱ - در تمام موارد مذکوره در ماده قبل کدخدا مکلف است که تقاضای قانونی مالک را فوراً بموقع اجرا بگذارد

ماده ۳۸۲ - حوزه مأموریتی کدخدا حدودده است و لهذا تمام ساکنین ده از دهقان و سربازها و تایین ردیف و متقاعدین از خدمت نظامی در اداره کدخدا هستند

تبصره - اشخاصیکه در خدمت مالکند و كذلك اشخاصیکه در خانه مالکند تابع ضبطیه محلی هستند لهذا اگر خلاف قاعده یا بی نظمی از آنها سر بزنند کدخدا مراتب را بمالک اطلاع میدهد و هرگاه جنحه و جنایتی از آنها ناشی شود بضبطیه محلی رجوع میکند

ماده ۳۸۳ - کدخدا مکلف است که احکام و اوامر محکمه صلح و محکمه تحقیق و مأمورین ضبطیه و ادارات دولتی را در امور راجعه بآنها بلا تأخیر بموقع اجرا بگذارد.

ماده ۳۸۴ - کدخدا اختیار دارد اشخاصی را که در اداره او واقعند بواسطه تقصیرات

جزئی که از آنها سرزده است تنبیه نماید و فوق حدود این تنبیه تادو روز حبس است اشخاصیکه از سیاست کدخدا شاکی هستند می توانند در ظرف يك هفته از روز حکم کدخدا به اداره ناحیتی شکایت نمایند

ماده ۳۸۵ - کدخدا مکلف است که در اقدامات مهمه ای که می نماید از قبیل تنبیه و سیاست اشخاصی که در اداره او بوده و تابع او هستند و اجرای احکام محکمه صلح و احکام عمال ضبطیه و توقیف و حبس و تفتیش و تفحص خانه دهقانها مطابق قانون و تحقیقات اولیه که در صورت وقوع جنحه و جنایت بعمل می آورد و تحویل گرفتن مالیات از اشخاصی که خود اهالی برای جمع آوری مالیات معین کرده اند و ایصال آن با شخص لازم و كذلك تأدیة حقوق مالک دو نفر از ریش سفیدان ده را که محل وثوق هستند بشهادت همراه داشته باشد

ماده ۳۸۶ - در صورتیکه ناحیه عبارت از يك ده باشد مباشر ناحیه امور راجعه بکدخدا را اداره خواهد کرد و يك یا دو نفر نایب برضایت اهالی ده و تصویب مباشر برای معاونت او معین خواهد شد

فصل یازدهم

درباب مرجعیت امور بادارات محلیه (از حکومتی و غیره)

و حدود اختیارات آن ادارات

ماده ۳۸۷ - باستثنای مواردیکه قانوناً معین شده ادارات محلیه حق ندارند قراردادهای خودشانرا تغییر بدهند و كذلك قراردادهای دوایری را که تابع آن ادارات نیستند نسخ نمایند .

تبصره - هرگاه در اداره قرارداد مجلس مشاوره آن اداره هنوز در دفتر صورت مجلس نوشته نشده باشد یا اعضای مجلس صورت مجلس را امضا نکرده باشند و یا بالاخره صورت مجلس هنوز اعلام نشده و بموقع اجرا گذارده نشده باشد نسخ قرارداد آن اداره ممکن است.

ماده ۳۸۸ - هرگاه مابین آن ادارات محلیه یا مابین ادارات مزبوره با ادارات عدلیه و همچنان مابین اشخاصیکه در آن ادارات خدمت میکنند معارضه یا اختلافی در مرجعیت امور حاصل شود بطوری اقدام خواهد شد که ذیلامندرج است:

(اول) هرگاه اختلافی در مرجعیت امور مابین دوایر شهری و بلوکی (یعنی دوایری که حوزه اقدامات آنها محدود شهر است یا حدود بلوک) که تابع یک وزارتخانه هستند حاصل شود یا مابین اشخاصی که در آن دوایر خدمت میکنند رفع این اختلافات بعهده شعبه وزارتخانه متبوعه آنها است که در کرسی ولایت واقع است.

(دوم) اگر این اختلاف مابین دوایر و اشخاصی روی داده که در بلوک یا شهری واقعند ولی تابع یک وزارتخانه نیستند (یعنی تابع وزارتخانه‌های مختلفند) رفع این نوع اختلافات بعهده اداره ولایتی است.

(سیم) هرگاه اختلافی مابین دوایر بلوکی یا شهری که در ولایات مختلفه واقع و تابع یک وزارتخانه اند حادث شود یا مابین اشخاصیکه در آن دوایر خدمت می نمایند باید دید مسئله و کاری که باعث اختلاف شده در قلمرو کدام ولایت طرح شده و بشعبه وزارتخانه متبوعه که در کرسی آن ولایت واقع است رجوع نمود.

(چهارم) در صورتی که اختلافی از مرجعیت امور مابین دوایر بلوکی یا شهری که در اداره وزارتخانه‌های مختلفه هستند و در ولایات مختلفه واقعند حاصل شده باشد باید دید امری که باعث اختلاف شده در قلمرو کدام ولایت شروع شده و باداره ولایتی آن ولایت رجوع نمود.

(پنجم) هرگاه این نوع اختلافات مابین ادارات ولایتی (یعنی اداراتی که قلمرو اقدامات آنها حدود ولایت است) یا مابین اشخاصی که در آن ادارات خدمت میکنند حاصل شود و ادارات و اشخاص مزبوره در اداره یک وزارتخانه باشد رفع اختلاف بعهده وزارتخانه متبوعه است.

(ششم) اختلافاتی که در مرجعیت امور مابین ادارات واقع در کرسی ولایتی و تابع بوزارتخانه‌های مختلفه حاصل میشود راجع بحکم مجلس وزراء است.

(هفتم) اختلافاتی که مابین محکمه عدلیه بایکی از ادارات دولتی (که در محل تشکیل شده) در باب مرجعیت امور حاصل میشود تشخیص آن موکول بر رأی محکمه عدلیه است یعنی محکمه باید معین نماید که مسئله متعارض فیها راجع بخود اوست یا راجع بیک از ادارات دولتی.

ماده ۳۸۹- هر اداره باید احکام و اوامرو دستور العملهای اداره متبوعه خود را بموقع اجرا گذارد ولی هرگاه از مجلس وزراء حکمی صادر شود که مغایر با قوانین موضوعه باشد آن اداره باید آن حکم را بلا اجرا گذاشته مراتب را بمجلس وزراء راپرت نماید و هرگاه مجلس وزراء عقیده آن اداره را قبول ننموده امر با اجرای حکم سابق خود کرد بر اداره است که حکم مجلس وزراء را بلا تأخیر بموقع اجرا گذارد.

ماده ۳۹۰- هرگاه از وزیر متبوع با اداره حکمی یا دستور العملی برسد که منافض قوانین موضوعه باشد اداره مکلف است که آن حکم یا دستور العمل را بلا اجرا گذارده ملاحظاتی خود را بوزیر متبوع راپورت نماید و اگر وزیر مسئول مجدداً امر با اجرای حکم خود نمود مراتب را بمجلس وزراء راپرت نموده منتظر حکم یا دستور العمل آن بشود.

فصل دوازدهم

در باب مؤاخذه و سیاست صاحبمنصبان و مأمورین و مستخدمین

ادارات محلیه و ارجاع کار آنها در موارد لازمه بمحاکم عدلیه

ماده ۳۹۱- مؤاخذه و سیاست و تنبیه صاحبمنصبان و مأمورین و مستخدمین ادارات محلیه در موردیکه تقصیری از آنها سر بزند از قرار تفصیل است:

(اول) نصیحت و توبیخ و ملامت مأمورین و مستخدمین بدون تذکر این تنبیه در ورقه خدمت آنها بتوسط خود رئیس بلا واسطه مأمورین و مستخدمین می شود.

(دوم) کسر گذاشتن از حقوق الی یك ثلث و یا تبدیل شغل اعلی با سفل و یا عزل از شغل (نه خدمت) و یا توقیف الی پنج روز حبس و این بحکم رئیس خواهد شد که آن صاحبمنصب یا مأمور و مستخدم مقصراً معین کرده است باقی سیاست ارجاع توبیخ و ملامت یا تذکر این تنبیه در ورقه خدمت مقصراً و عزل و اخراج او از خدمت بکلی و مجازاتی که در ازای خیانت و ارتکاب بجنحه و جنایت باید بمأمورین و مستخدمین داده شود بحکم محکمۀ عدلیه خواهد بود.

تبصره - حدود مجازات صاحبمنصبان و مستخدمین نظمیه و همچنان حق تنبیه و سیاست کدخدای ده در جای خود مذکور (ماده ۳۲۲ - ۳۱۴ - ۳۸۴) و مستثنای از این قاعده عمومی است.

ماده ۳۹۲- در صورتی که تقصیر صاحبمنصبان مأمورین و مستخدمین ادارات محلیه مقتضی ارجاع کار آنها بمحاکم عدلیه باشد قبل از ارجاع بطوریکه ذیلاً مندرج است در ادارات لازمه تحقیقات مقتضیه بعمل آمده و بعد در صورت لزوم حکم بارجاع کار مقصراً بمحاکم عدلیه خواهد شد.

ماده ۳۹۳- ارجاع کار صاحبمنصبان و مأمورین و مستخدمینی که تعیینشان بعهده حاکم و اداره ولایتی یا یکی از شعبات وزارتخانهها در کرسی ولایت است و همچنان ارجاع کار تأمین نظمیه (از ناظمین نظمیه و دهباشی و غیره) باید بتحقیقات و حکم اداره ولایتی باشد.

ماده ۳۹۴- هرگاه صاحبمنصبان و مستخدمین را وزارتخانهها معین کرده اند ارجاع کار آنها بمحاکم عدلیه بحکم وزیرمسئول خواهد بود.

ماده ۳۹۵- حاکم و اشخاصی که از طرف قرین الشرف همایونی مأموریتی در ولایت دارند کارشان در موارد لازمه بتحقیقات و بواسطه مجلس وزرا بمحاکم عدلیه رجوع خواهد شد.

دوم - قسمت خصوصی

فصل سیزدهم

در باب ایالات و فرمانفرماها

اول - قواعد عمومی

ماده ۳۹۶- اوضاع سیاسی و اداره و مصالح دولتی و مملکتی در بعضی از موارد اقتضا تواند نمود که چند ولایتی که موافق قوانین تشکیل و منظم شده بطور استثناء از قاعده کلی در تحت نظارت بلاواسطه یکنفر رئیس کل که مأمور باقامت در محل و نظارت بکلیه امور کشوری خواهد بود قرار داده شود و همچنان در مواقع فوق العاده از قبیل شورش بزرگ و اغتشاشات متمادی و جنگ و غیره مقتضی تواند شد که دولت باختیارات حکومت ولایتی که قانوناً تشکیل و تنسیق شده بیفزاید

بدین معنی که موقتاً شخصی را با اختیارات وسیعه بسمت فرمانفرمائی در حدود همان ولایت برقرار نماید در مورد اولی از چند ولایت قانونی ایالتی تشکیل و ترتیب خواهد شد که در تحت نظارت و مسئولیت رئیس کل که ملقب بفرمانفرما است خواهد بود در مورد دومی غیر از حاکم در ولایت قانونی يك نفر بسمت فرمانفرمائی با قدرت و اختیاراتی که قانوناً بدین شغل تعلق میگیرد معین خواهد شد بدیهی است که تشکیل ایالت از چند ولایت قانونی و ترتیب فرمانفرمائی در ولایت معینی استثناء از این قواعد عمومی است و موقتی خواهد بود و بعد از رفع احتیاج موقوف خواهد شد .

ماده ۳۹۷ - فرمانفرما های ایالات و ولایات از رجال موثق مجرب کافی دولت بتصویب وزارت داخله انتخاب و از طرف قرین الشرف همایونی بدین سمت معین خواهند شد .

ماده ۳۹۸ - مادامی که فرمانفرما در یکی از ولایات جزو ایالت است (قلمرو مأموریت فرمانفرما) احکام قانونی او در تمام قلمرو ایالت مجری خواهد بود در صورت غیبت یا مرض فرمانفرما نمیتواند مأموریت خود را بدون اجازه مخصوص بندگان اقدس همایونی بکس دیگری محول کند .

ماده ۳۹۹ - هرگاه در غیاب فرمانفرما یا در صورت مرضی سخت جانشینی برای او معین نشده حکام ولایات جزو ایالت هر کدام موافق قوانین تشکیل و تنظیم ولایات رفتار خواهند کرد قطع نظر از اینکه ولایت جزو ایالتی باشد .

دوم - در وظایف فرمانفرما بطور عمومی

ماده ۴۰۰ - اول وظیفه فرمانفرما نظارت عالیه او است در اجرای کلیه قوانین و نظامنامه ها و دستورالعمل های راجعه بولایتی که جزو قلمرو مأموریت فرمانفرما است و این نظارت فرمانفرما منحصر بامور کشوری است مگر آنکه بموجب

امر مخصوصی در موارد مقتضیه ریاست کل قشون ولایات جزو ایالت نیز به عهدۀ فرمانفرما محول شود .

ماده ۴۰۱ - اقدامات لازمه فرمانفرما در اجرای قوانین و نظامنامه ها و دستورالعملهای خود او بتوسط ادارات و اشخاصی خواهد بود که بموجب قوانین متصدی امر اجرای قوانین و غیره هستند .

ماده ۴۰۲ - فرمانفرما مکلف است که در حدود قوانین اعمال و افعال کلیه ادارات قلمرو مأموریتی خود را تفتیش و رسیدگی نماید و از تخلف از قوانین قویاً ممانعت نماید .

تبصره - ادارات تفتیش محلی از این قاعده مستثنی و بموجب قوانین اداره کل تفتیش فقط در تحت ریاست و نظارت آن اداره واقع است .

ماده ۴۰۳ - یکی از وظایف عمدۀ فرمانفرما حفظ امنیت و وقایه رفاهیت و آسودگی اهالی ایالتی است که بعهدۀ او واگذار شده لهذا در صورتیکه در ولایتی اغتشاش یا بی نظمی حاصل شود و باقدمات حاکم آن ولایت قلع و قمع آن اغتشاش نشده باشد فرمانفرما مکلف است که اقدامات مؤثره را بعمل آورده امنیت عمومی را برقرار نماید .

ماده ۴۰۴ - در صورت بلیات سماوی از قبیل حریق و زلزله و طغیان آب و طوفان و غیره فرمانفرما باید کمال مراقبت را در فهمیدن حوائج اهالی و اعانت و کمک بدرماندگان و محنت زدگان بعمل آورد و اگر وسائل موجوده محلی کافی نباشد باید از دولت استمداد کند .

ماده ۴۰۵ - فرمانفرما باید به عرایض و شکایات مردم با کمال دقت رسیدگی نموده مطالب حقۀ آنها را انجام بدهد برای اینکه در این موارد بیجهت مکاتبه نشده تضييع وقت نشود و رعایت انتظام امور شده باشد فرمانفرما باید

مراقبت نماید که شکایاتی که باو از دواير تابعه میشود بتوسط دواير متبوعه آن دواير باشد .

ماده ۴۰۶ - از طرف دیگر فرمانفرما مکلف است اشخاصی را که در شکایت خود تهمت و افترا میزنند و یا محرک شکایات تهمت آمیز میشوند در حدود قوانین قویاً تعاقب نموده مراقبت نماید که در محکمه عدلیه بمجازات قانونی خود برسند .

ماده ۴۰۷ - در صورت بروز امراض مسریه یا امراض سریع الانتشار فرمانفرما مکلف است که اقدامات مجدانه را در قلمرو مأموریتی خود برای جلوگیری از امراض مزبوره و دفع و رفع آن بعمل آورد .

ماده ۴۰۸ - هرگاه در قلمرو ایالتی حاصل زراعتی خراب و احتمال قحطی ارزاق و آذوقه برود در صورتیکه انبارهای ذخیره کافی نباشد باید فرمانفرما اقدامات مجدانه را در جلوگیری از قحطی بعمل آورد و در صورت عدم کفایت وسایل موجوده محلی فرمانفرما از جاهای لازم استمداد مینماید و حتی المقدور سعی بلیغ در تحصیل وسایل برای کمک و اعانه قحطی زدگان و پیدا کردن کار برای آنها بعمل آورد .

ماده ۴۰۹ - فرمانفرما مراقبت مخصوصی نسبت به پیشرفت زراعت و تجارت و حرفت و صنعت ایالتی که قلمرو مأموریت او است خواهد داشت و کمال همراهی و مساعدت را در پیشرفت امور مزبوره و تحصیل زراعت که مبنای ثروت مملکت است خواهد نمود و در مواردی که اقدامی یا مساعدتی از طرف دولت لازم باشد ملاحظات خود را مفصلاً بمقامات عالیه راپورت خواهد کرد .

ماده ۴۱۰ - برای پیشرفت امور مذکوره در ماده قبل فرمانفرما مکلف است از کلیه انحصاراتیکه در قلمرو مأموریتی او بتوسط اشخاص متفرقه برقرار میشود

و مبتنی بر امتیاز نامه دولتی نیست قویاً مانع شده کار مقصرین را بمحکمه عدلیه رجوع نماید .

ماده ۴۱۱- چون پیشرفت تجارت منوط بصحت راهها است فرمانفرما مراقبت مخصوصی نسبت بطرق وشوارع خواهدداشت .

ماده ۴۱۲- چون فرمانفرما رئیس کل ایالتی است که امور آن بعهده کفایت او محول شده باید مواظب باشد که صاحبمنصبان ومستخدمین ولایت و ایالت از حیث رفتار و اخلاق و صداقت و شایستگی موافق قوانین موضوعه و منظورات مقامات عالییه باشند و در خدمت از قوانین خدمتی تخلف و تجاوز ننمایند و تکالیف خدمتی را کاملاً بموقع اجرا آورده و هر کدام شغل خود را انجام دهند و بهیچوجه از حدودی که قانوناً برای هر اداره ای معین شده تجاوز ننمایند .

ماده ۴۱۳- فرمانفرما باید مراقبت نماید که قوانین راجعه به تعیین صاحبمنصبان و مستخدمین ادارات محلیه محفوظ بوده صحیحاً مراعات شود یعنی صاحبمنصبان و مستخدمینی که باید به تعیین مقامات عالییه باشند بتوسط فرمانفرما بمقامات مزبوره معرفی شوند (در صورتی که معذور یا عذر موجهی نباشد این معرفی فرمانفرما منظور نظر خواهد بود) و صاحبمنصبان و مستخدمینی که تعیینشان بعهده ادارات واشخاص محلی است بلاواسطه از طرف آن ادارات واشخاص معین گردند

ماده ۴۱۴- چون فرمانفرما نظارت عالییه نسبت بادارات و صاحبمنصبان قلمرو ایالت خود دارد و ناظر صحت اعمال آنها است لهذا حق دارد که برای تشویق اشخاص لایق و صدیق و کافی از مقامات عالییه برای آنها خواهش ترفیع رتبه و امتیاز و مناصب نماید و صاحبمنصبان و مستخدمین نالایق و بدکردار را بتوسط ادارات ورؤسای متبوعه آنها در حدود قوانین تمثیه و سیاست نماید

ماده ۴۱۵- فرمانفرماها حق دارند که موافق مواد (۱۰۷-۱۱۰) قواعد مقتضیه

را در قلمرو ایالت خودشان وضع نمایند و همچنین حق خواهند داشت قواعدی را که بتوسط حکام جزء فرمانفرمائی ایجاد شده تغییر بدهند یا تکمیل و یا نسخ نمایند مراتب را در این موارد فرمانفرماها بوزیر داخله اطلاع خواهند داد

سیم - در روابط فرمانفرماها

ماده ۴۱۶ - روابط فرمانفرماها در امور راجعاً بآن ها بر سه نوع است :

(اولاً) با ذات اقدس همایونی

(ثانیاً) با وزارتخانهها و ادارات مرکزی

(ثالثاً) با ادارات محلیه (ایالتی و ولایتی)

ماده ۴۱۷ - فرمانفرماها میتوانند در موارد مهمه در کلیه اموری که لازم بدانند

مستقیماً عرایض را پرتی بحضور مبارک اعلیحضرت اقدس همایونی تقدیم کنند ولی از طرف دیگر فرمانفرماها نباید در این حق خود سوءاستعمال نمایند و لهذا فرمانفرماها فقط در موارد مهمه و در صورت ضرورت عرایض لازمه را مستقیماً بخاکبای همایونی عرض میکنند و در اموریکه حل و تسویه آن امور بتوسط ادارات مزبوره باید بعمل آید مکلفند موافق قوانین و نظامنامهها بوزارتخانههای لازم رجوع نمایند

ماده ۴۱۸ - در مواردیکه فرمانفرماها مستقیماً بحضور مبارک بندگان همایونی

را پرت عرض مینمایند چه فوری باشد چه غیر فوری باید مواد یا مفاد آن را با اطلاع وزیر داخله هم برسانند

ماده ۴۱۹ - هرگاه فرمانفرما صلاح نداند که در راپرت اموری که از ولایات

بوزارتخانهها بموجب قوانین موضوعه تقدیم می شود رأی و عقیده خود را اظهار دارد میتواند بخواهد که آن امور بتوسط فرمانفرما بوزارتخانه لازمه ارسال شود ولی اموری که بموجب قوانین موضوعه مستقیماً راجع بشخص فرمانفرما و اداره آن است حتماً باید توسط فرمانفرما بوزارتخانهها اظهار شود

و مبتنی بر امتیاز نامه دولتی نیست قویاً مانع شده کار مقصرین را بمحکمه عدلیه رجوع نماید .

ماده ۴۱۱ - چون پیشرفت تجارت منوط بصحت راهها است فرمانفرما مراقبت مخصوصی نسبت بطرق وشوارع خواهدداشت .

ماده ۴۱۲ - چون فرمانفرما رئیس کل ایالتی است که امور آن بعهده کفایت او محول شده باید مواظب باشد که صاحبمنصبان ومستخدمین ولایت و ایالت از حیث رفتار و اخلاق و صداقت و شایستگی موافق قوانین موضوعه و منظورات مقامات عالیه باشند و در خدمت از قوانین خدمتی تخلف و تجاوز ننمایند و تکالیف خدمتی را کاملاً بموقع اجرا آورده و هر کدام شغل خود را انجام دهند و بهیچوجه از حدودی که قانوناً برای هر اداره ای معین شده تجاوز ننمایند .

ماده ۴۱۳ - فرمانفرما باید مراقبت نماید که قوانین راجعه به تعیین صاحبمنصبان و مستخدمین ادارات محلیه محفوظ بوده صحیحاً مراعات شود یعنی صاحبمنصبان و مستخدمینی که باید به تعیین مقامات عالیه باشند بتوسط فرمانفرما بمقامات مزبوره معرفی شوند (در صورتی که محظور یا عذر موجهی نباشد این معرفی فرمانفرما منظور نظر خواهد بود) و صاحبمنصبان و مستخدمینی که تعیینشان بعهده ادارات واشخاص محلی است بلاواسطه از طرف آن ادارات واشخاص معین گردند

ماده ۴۱۴ - چون فرمانفرما نظارت عالیه نسبت بادارات و صاحبمنصبان قلمرو ایالت خود دارد و ناظر صحت اعمال آنها است لهذا حق دارد که برای تشویق اشخاص لایق و صدیق و کافی از مقامات عالیه برای آنها خواهش ترفیع رتبه و امتیاز و مناصب نماید و صاحبمنصبان و مستخدمین نالایق و بدکردار را بتوسط ادارات ورؤسای متبوعه آنها در حدود قوانین تنبیه و سیاست نماید

ماده ۴۱۵ - فرمانفرماها حق دارند که موافق مواد (۱۰۷ - ۱۱۰) قواعد مقتضیه

را در قلمرو ایالت خودشان وضع نمایند و همچنان حق خواهند داشت قواعدی را که بتوسط حکام جزء فرمانفرمائی ایجاد شده تغییر بدهند یا تکمیل یا نسخ نمایند مراتب را در این موارد فرمانفرماها بوزیر داخله اطلاع خواهند داد

سپیم - در روابط فرمانفرماها

ماده ۴۱۶ - روابط فرمانفرماها در امور راجعه بآن ها بر سه نوع است :

(اولاً) با ذات اقدس همایونی

(ثانیاً) با وزارتخانهها و ادارات مرکزی

(ثالثاً) با ادارات محلیه (ایالتی و ولایتی)

ماده ۴۱۷ - فرمانفرماها میتوانند در موارد مهمه در کلیه اموری که لازم بدانند

مستقیماً عرایض راپرتی بحضور مبارك اعلیحضرت اقدس همایونی تقدیم کنند ولی از طرف دیگر فرمانفرماها نباید در این حق خود سوءاستعمال نمایند و لهذا فرمانفرماها فقط در موارد مهمه و در صورت ضرورت عرایض لازم را مستقیماً بخاکبای همایونی عرض میکنند و در اموری که حل و تسویه آن امور بتوسط ادارات مزبوره باید بعمل آید مکلفند موافق قوانین و نظامنامهها بوزارتخانههای لازم رجوع نمایند

ماده ۴۱۸ - در مواردیکه فرمانفرماها مستقیماً بحضور مبارك بندگان همایونی

راپرت عرض مینمایند چه فوری باشد چه غیر فوری باید مواد یا مفاد آن را با اطلاع وزیر داخله هم برسانند

ماده ۴۱۹ - هرگاه فرمانفرما صلاح نداند که در راپرت اموری که از ولایات

بوزارتخانهها بموجب قوانین موضوعه تقدیم می شود رأی و عقیده خود را اظهار دارد میتواند بخواهد که آن امور بتوسط فرمانفرما بوزارتخانه لازم ارسال شود ولی اموری که بموجب قوانین موضوعه مستقیماً راجع بشخص فرمانفرما و اداره آن است حتماً باید بتوسط فرمانفرما بوزارتخانهها اظهار شود

و مبتنی بر امتیاز نامه دولتی نیست قویاً مانع شده کار مقصرین را بمحکمه عدلیه رجوع نماید .

ماده ۴۱۱ - چون پیشرفت تجارت منوط بصحت راهها است فرمانفرما مراقبت مخصوصی نسبت بطرق وشوارع خواهدداشت .

ماده ۴۱۲ - چون فرمانفرما رئیس کل ایالتی است که امور آن بعهده کفایت او محول شده باید مواظب باشد که صاحبمنصبان ومستخدمین ولایت و ایالت از حیث رفتار و اخلاق و صداقت و شایستگی موافق قوانین موضوعه و منظورات مقامات عالیه باشند و در خدمت از قوانین خدمتی تخلف و تجاوز ننمایند و تکالیف خدمتی را کاملاً بموقع اجرا آورده و هر کدام شغل خود را انجام دهند و بهیچوجه از حدودی که قانوناً برای هر اداره ای معین شده تجاوز ننمایند .

ماده ۴۱۳ - فرمانفرما باید مراقبت نماید که قوانین راجعه به تعیین صاحبمنصبان و مستخدمین ادارات محلیه محفوظ بوده صحیحاً مراعات شود یعنی صاحب منصبان و مستخدمینی که باید به تعیین مقامات عالیه باشند بتوسط فرمانفرما بمقامات مزبوره معرفی شوند (در صورتی که محظور یا عذر موجهی نباشد این معرفی فرمانفرما منظور نظر خواهد بود) و صاحبمنصبان و مستخدمینی که تعیینشان بعهده ادارات واشخاص محلی است بلاواسطه از طرف آن ادارات واشخاص معین گردند

ماده ۴۱۴ - چون فرمانفرما نظارت عالیه نسبت بادارات و صاحبمنصبان قلمرو ایالت خود دارد و ناظر صحت اعمال آنها است لهذا حق دارد که برای تشویق اشخاص لایق و صدیق و کافی از مقامات عالیه برای آنها خواهش ترفیع رتبه و امتیاز و مناصب نماید و صاحب منصبان و مستخدمین نالایق و بدکردار را بتوسط ادارات ورؤسای متبوعه آنها در حدود قوانین تنبیه و سیاست نماید

ماده ۴۱۵ - فرمانفرماها حق دارند که موافق مواد (۱۰۷ - ۱۱۰) قواعد مقتضیه

را در قلمرو ایالت خودشان وضع نمایند و همچنین حق خواهند داشت قواعدی را که بتوسط حکام جزء فرمانفرمایی ایجاد شده تغییر بدهند یا تکمیل و یا نسخ نمایند مراتب را در این موارد فرمانفرماها بوزیر داخله اطلاع خواهند داد

سیم - در روابط فرمانفرماها

ماده ۴۱۶ - روابط فرمانفرماها در امور راجعه بآن ها بر سه نوع است :

(اولاً) با ذات اقدس همایونی

(ثانیاً) با وزارتخانهها و ادارات مرکزی

(ثالثاً) با ادارات محلیه (ایالتی و ولایتی)

ماده ۴۱۷ - فرمانفرماها میتوانند در موارد مهمه در کلیه اموری که لازم بدانند

مستقیماً عرایض راپرتی بحضور مبارك اعلى حضرت اقدس همایونی تقدیم کنند ولی از طرف دیگر فرمانفرماها نباید در این حق خود سوء استعمال نمایند و لهذا فرمانفرماها فقط در موارد مهمه و در صورت ضرورت عرایض لازمه را مستقیماً بخاکپای همایونی عرض میکنند و در اموری که حل و تسویه آن امور بتوسط ادارات مزبوره باید بعمل آید مکلفند موافق قوانین و نظامنامهها بوزارتخانههای لازم رجوع نمایند

ماده ۴۱۸ - در مواردیکه فرمانفرماها مستقیماً بحضور مبارك بندگان همایونی

راپرت عرض مینمایند چه فوری باشد چه غیر فوری باید مواد یا مفاد آن را با اطلاع وزیر داخله هم برسانند

ماده ۴۱۹ - هرگاه فرمانفرما صلاح نداند که در راپرت اموری که از ولایات

بوزارتخانهها بموجب قوانین موضوعه تقدیم می شود رأی و عقیده خود را اظهار دارد میتواند بخواهد که آن امور بتوسط فرمانفرما بوزارتخانه لازمه ارسال شود ولی اموری که بموجب قوانین موضوعه مستقیماً راجع بشخص فرمانفرما و اداره آن است حتماً باید توسط فرمانفرما بوزارتخانهها اظهار شود

ماده ۴۲۰ - بنا بر آنچه در ماده قبل ذکر شده وزارتخانه‌ها هم احکام و دستورالعملهای راجعه بامور ولایتی را بتوسط فرمانفرما میدهند ولی در موارد فوری برای عدم فوت وقت احکام و دستورالعملهای وزارتخانه‌ها مستقیماً بحاکم ولایت صادر خواهد شد و سوادی هم برای فرمانفرما و اطلاع و نظارت او در اجرای احکام صادره برای او فرستاده خواهد شد

ماده ۴۲۱ - در موقع اقدام جدیدی در اصلاح وضع ولایتی یا امری که راجع بمالیه دولت است عقیده فردا نفرما را وزارتخانه لازمه قبل از اقدام خواهد پرسید و هرگاه ایجاد قانونی لازم شود از ترتیب لایحه آن عقیده فرمانفرما هم باید ملحوظ و مقید باشد

ماده ۴۲۲ - در مواردیکه وزارتخانه‌ها برای صاحبمنصبان و مستخدمین ادارات ولایتی استدعای ترفیع رتبه و امتیاز و مناصب مینمایند باید عقیده و رأی فرمانفرما را هم در فهرست عرایض قید کرده باشند صاحبمنصبان دوایر عدلیه و تقشیش از این قاعده مستثنی هستند

ماده ۴۲۳ - روابط فرمانفرما با وزارتخانه‌ها و مجلس وزراء موافق قواعدیست که در قوانین تأسیس وزارتخانه‌ها و مجلس وزراء مندرج است

ماده ۴۲۴ - حاکم و اداراتی که در ولایات تشکیل شده‌اند مکلفند تمام احکام و دستورالعملهای فرمانفرماها را که مبتنی بر قوانین است بموقع اجراء بگذارند

ماده ۴۲۵ - در صورتیکه فرمانفرما در مواقع سرکشی بولایت جزو ایالت اغتشاش یا بی نظمی در امور ولایتی مشاهده نماید و لازم بداند بدین جهت یا بجهت دیگری دستورالعملی بدهد یا اقدامی بنماید بملاحظه انتظام جریان امور و خدمت اداره دستورالعملهای لارمه را بریاست آن ولایت خواهد داد و اخطارات را بتوسط حاکم یا اداره ولایتی خواهد نمود

ماده ۴۲۶ - در موارد مهمه و فوق العاده و همچنان در موقعی که قانون جدیدی برای اجراء از مقامات عالیه بفرمانفرمائی میرسد فرمانفرما حق دارد که مجلسی از رؤسای تمام ادارات محلّیه (که بموجب قوانین در ولایتی تشکیل شده) ترتیب داده واگر نقصانی در قانون مشاهده شده یا اشکالی پیش آمده مراتب را از طرف تمام ادارات بمجلس وزراء تقدیم نماید و هرگاه با وجود این اقدام حکم مجلس وزراء در اجراء همان قانون صادر شد لازم است بدون تأخیر و مذاکره آن قانون بموقع اجرا گذارده شود

ماده ۴۲۷ - فرمانفرما در موقع توقف در یکی از دهات جزو قلمرو مأموریتی خودش می تواند بحکام ولایات اجازه بدهد که از قلمرو مأموریتی خودشان خارج شده برای مذاکره در امور راجعه بمشاغل آنها نزد فرمانفرما بیایند

ماده ۴۲۸ - فرمانفرماها با ادارات ولایتی مطالب را تکلیف مینمایند و آنها در جواب ملاحظات خود را تقدیم می کنند با ادارات شهری و محالی فرمانفرماها حکم میفرستند در جواب راپرت میگیرند

ماده ۴۲۹ - قواعد ارتباط فرمانفرماها با ادارات و اشخاص نظامی علیحده مرتب و منظم بماده ۲۳۵ خواهد بود

چهارم - در دفترخانه فرمانفرما

و صاحبمنصبانی که نزد فرمانفرما هستند

ماده ۴۳۰ - هر فرمانفرمائی يك دفترخانه دارد و چند نفر صاحبمنصب در نزد فرمانفرما برای انجام مأموریت های مخصوص مقیمند

ماده ۴۳۱ - عدّه اجزای دفترخانه فرمانفرما بموجب قانون علیحده تعیین خواهد شد

ماده ۴۳۲ - عزل و نصب صاحبمنصبان دفترخانه فرما نفرما بتصویب بلاواسطه خود اوست ولی قوانین راجعه بخدمت دولتی درباب شرایط صاحبمنصبان و مستخدمین دولتی و غیره باید رعایت شود و ترتیب دفترخانه فرما نفرما و همچنان ترتیب دفاتر و غیره در آن اداره بموجب نظامنامه و دستورالعملهای وزارت داخله خواهد بود

ماده ۴۳۳ - عده صاحبمنصبانی که برای مأموریت مخصوص معین شده اند می توانند از صاحبمنصبان قلمی یا نظامی متقاعد یا غیرمتقاعد باشند و عده آنها بموجب قانون معین خواهد شد ولی فرما نفرما می تواند این نوع صاحبمنصبان را کمتر از عده قانونی داشته باشد عزل و نصب این نوع صاحبمنصبان باختیار فرما نفرما است ولی باستثنای صاحبمنصبان نظامی حاضر رکاب که عزل و نصب آنها بصدر امر و اجازه ملوکانه است

فصل چهارم

در منضمات

اول - منضم بماده ۳۶

قواعد رجوع کردن مأمورین کشوری بقوای نظامی

ماده ۱ - مأمورین کشوری در موارد ذیل در صورت عدم کفایت نظمیه و ضبطیه برای حفظ و وقایه امنیت و انتظام امور بقوه نظامی رجوع مینمایند:

(اول) در موقع حرکت دسته برای حفظ نظم و آسایش عمومی در بازارهای عمومی و جاهائیکه محل اجتماع و ازدهام عوام الناس است

(دوم) برای حمل و نقل پول و اموال دولت

(سوم) برای اطفاء حریق و قلع و قمع حیوانات درنده و مومنی و حشرات الارض و برای مساعدت لازمه درموقع وقوع طغیان آب و طوفان و حدوث بلیات سماوی (چهارم) برای اداره کردن محبوسین و اشخاصیکه بموجب قوانین توقیف شده اند (پنجم) برای دستگیر کردن محبوسین فراری و فراریهای نظامی (ششم) برای دستگیری کردن قطاع الطریق و مرتکبین جنحه و جنایت درموقعیکه عده آنها زیاد باشد یا احتمال مجادله از طرف آنها برود . (هفتم) برای برطرف کردن شورش و اغتشاشات .

تبصره اول - در جاهائیکه محبوسین و توقیف شدگان هستند و نظمیه و ضبطیه بقدر کفایت نیست برای حفظ ووقایه امنیت نیز میتوان بقوای نظامی رجوع کرد .
تبصره دوم - هنگام حریق برای جلوگیری از غارت و یغما بحکم رئیس نظمیه یا ضبطیه از تائین نظامی که برای مساعدت باطفاء حریق حاضر شده اند زنجیری تشکیل میشود که مانع از دخول مردم خارج بمحوطه ای که محل حریق است بشوند .

ماده ۲ - غیر از موارد مذکوره در ماده اولی در موارد ذیل نیز بموجب قوانین باید بقوه نظامی رجوع نمود :

(اول) برای کشیک در قراولخانه ها .
 (دوم) برای حضور درموقع اجراء احکام محاکم عدلیه .
 (سیم) برای مساعدت با ادارات و مأمورین عدلیه .
ماده ۳ - در موارد مذکوره در ماده اولی و همچنان در موارد اول و سوم ماده دوم اشخاص ذیل حق رجوع بقوای نظامی را دارند :

(اول) فرمانفرماها .
 (دوم) حکام .
 (سیم) رؤسای بلوکات .

(چهارم) رؤسای نظمیه .

(پنجم) مفتشینی که از مرکز برای سرکشی بولایات مأمور میشوند .

ماده ۴ - فرما نفرما و حکام و مفتشین مأمور از مرکز در صورت لزوم استعمال قوه نظامی بر رئیس کل قشون ایالت یا ولایت رجوع مینمایند در صورتیکه او در شهر دیگری باشد بنزدیکترین رئیس قشون محل .

ماده ۵ - اشخاص مذکور در ماده سیم حق دارند در صورت لزوم از رئیس قراسورانها عده ای قراسوران هم بخواهند .

ماده ۶ - رؤسای بلوکات و رؤسای نظمیه فقط در یک موقع حق دارند مستقیماً بقوای نظامی رجوع نمایند و آن مورد استعمال قوای نظامی است برای حضور و مساعدت در اجرای احکام محاکم عدلیه و در این مورد اشخاص مذکوره مستقیماً بر رئیس ساخلوی محل رجوع میکنند .

ماده ۷ - در سایر موارد رئیس بلوکات و رئیس نظمیه در صورت لزوم قوه نظامی باید بمحاکم ولایت رجوع نمایند مگر در مواردی که فوت وقت باعث خسارت بزرگ تواند شد مثلاً شورشیان اقدام بحریق و قتل و غارت نمایند تا نایره فتنه مشتعل شود در این صورت رئیس محال و رئیس نظمیه مستقیماً بنزدیکترین رئیس نظام محل رجوع نموده مراتب را فوراً بحاکم اطلاع میدهد .

ماده ۸ - احضار قوای نظامی برای اجرای احکام محاکم عدلیه بتقاضای رؤسای محاکم عدلیه یا مأمورین تحقیق بعمل میآید و ترتیب آن در قوانین عدلیه مندرج است در صورتی یکی از اشخاصی که حق مراجعه بقوای نظامی را دارند در محل باشند مأمورین عدلیه بتوسط آن شخص بقوای نظامی رجوع خواهند کرد .

ماده ۹ - مراجعت بقوای نظامی در صورت عدم کفایت مستحفظین سرحدی برای گرفتن قاچاق جایز است و در این صورت رئیس اداره گمرکات ولایتی یا رئیس مستحفظین

سرحدی و یا درموارد فوری هریک از صاحبمنصبان جزء مستحفظین سرحدی میتوانند برئیس قشون محلی رجوع نمایند .

ماده ۱۰ - صاحبمنصبان کشوری و مستحفظین سرحدی در صورتیکه بنزدیکترین رئیس قشون محلی رجوع نمایند باید صاحبمنصبی را هم که ریاست بقوای نظامی احضار شده دارد فوراً مطلع نمایند یعنی اگر گروهان یا دسته را خواسته اند باید رئیس فوج یا رئیس با تالیونی را کدگروهان یا دسته مزبور جزو آن بوده مطلع دارند .

ماده ۱۱ - ترتیب حمل و نقل قشون بجای لازم و سرعت حرکت آن بحکم مأمورین کشوری است .

تبصره - مخارج حمل و نقل قشون و تفاوت خرجی که حاصل میشود بعهده خزانه دولت است .

ماده ۱۲ - در موارد مذکوره در ماده اولی از اول الی ششم و همچنان در مورد اول و سیم ماده دوم مأمورین کشوری که رجوع بقوه نظامی می نمایند باید برئیس قشون محلی اظهاردارند که برای چه قشون لازم است و بچه مقدار در مورد هفتم ماده اولی باید اظهار دارند که شدت شورش بچه اندازه است و جهت شورش چه بوده و احتمال تزايد اغتشاش و شورش دیگری میرود یا نه در این مورد عده قشون و صنف نظامی و لزوم وعدم لزوم توپخانه را خود رئیس قشون معین خواهد کرد .

ماده ۱۳ - بعد از ورود قشون بمحل لازم حکومت فرماندهی قوه نظامی را بر عهده نمی گیرد و فقط برئیس قشون احضار شده وضع امور و مقصود اصلی از احضار قشون را اظهار نموده جاهائی را که باید حفظ شود نشان میدهد و توقیفاتی که باید بعمل آید اخطار می کند بعد از تحصیل این اطلاعات رئیس قشون اقدامات لازمه را بعمل می آورد و قوای خود را طوری تقسیم می کند که با خودش همیشه عده کافی برای جلوگیری از اتفاقات غیر مترقبه داشته باشد مادامی که قشون احضار شده در محل است مأمورین کشوری

و نظامی بهمدیگر اطلاعاتی را که تحصیل کرده اند می‌رسانند و کمال مساعدت را بیکدیگر می‌نمایند .

ماده ۱۴ - در موارد شورش و اغتشاش رئیس قشون که احضار شده است باید در لزوم استعمال اسلحه منتظر تصویب مأمورین کشوری باشد و مأمورین مزبور به بقید مسئولیت فقط در صورتی این اقدام را تصویب می‌نمایند که تمام وسایل اطفاء نایره اغتشاش استعمال شده و ثمری نبخشیده باشد اگر در محلی مأمورین کشوری نباشد رئیس قشون احضار شده بصوابدید خود اقدام می‌نماید ولی هرگاه مأمور کشوری قبل از استعمال اسلحه وارد شده باید رئیس قشون متابعت دستورالعملهای او را بنماید .

تبصره - مأمورین کشوری مذکور در این ماده و مواد دیگر عبارتند از اشخاص مذکور در ماده سیم و همچنان اشخاصی که از طرف وزیر داخله یا مفتشینی که از مرکز برای سرکشی بولایت آمده‌اند و یا از طرف فرمانفرما یا حاکم مأموریت مخصوصی بآنهاداده شده است مأمورین کشوری در صورتی که بدون رعایت ماده ۱۴ استعمال اسلحه را تصویب نموده باشند مسئول و موافق قوانین مجازات خدمتی مورد سیاست خواهند بود .

ماده ۱۵ - بعد از اینکه مأمورین کشوری استعمال اسلحه را تصویب نمودند رئیس قشونی که احضار شده اقدامات لازمه را رأساً بعمل می‌آورد و قبل از اقدام استعمال اسلحه مکلف است که بشورشیان اعلام نماید که بعد از سه شیپور یا سه طبل حکم با استعمال اسلحه خواهد کرد بعد از این اعلام رئیس قشون بطوری که مقتضی و صلاح میدانند اقدام خواهد کرد ولی حکم استعمال اسلحه ناری را فقط وقتی خواهد نمود که ضرورت اقتضاء نماید و بهیچوسیله دیگری نتوان شورش را برطرف نمود .

تبصره - رئیس قشون میتواند قبل از اعلام مذکور در این ماده شورشیان را توبیخ یا نصیحت یا تهدید نماید .

ماده ۱۶ - رئیس قشونی که احضار شده فقط در صورت ضرورت مبرمه مجاز است قبل از تصویب مأمورین کشوری و اعلام مذکوره در ماده (۱۵) اقدام با استعمال

اسلحه نماید و این ضرورت وقتی است که شورشیان حمله و هجوم بقشون آورند یا اینکه لازم شود که بیک اقدام فوری اشخاصی را که بدست شورشیان افتاده اند و در شرف هلاکت هستند نجات داد .

ماده ۱۷ - از زمانی که قشون شروع باستعمال اسلحه نمودند فقط تابع احکام رئیس قشون خواهند بود و بحکم او از استعمال اسلحه دست خواهند کشید رئیس قشون همینکه مشاهده نمود که شورش بر طرف شد یا مقصود از مساعدت قوه نظامی بعمل آمد دیگر رأساً اقدامی ننموده مراتب را فوراً بمأمورین کشوری اطلاع میدهد و از این وقت حق اقدامات و دادن دستور العملهای لازمه برای حفظ انتظام و امنیت مجدداً بمأمورین کشوری معاودت مینماید

ماده ۱۸ - مأمورین کشوری اقدامات دقیقانه بعمل خواهند آورد که باشخاصی که داخل در شورشیان نیستند از استعمال اسلحه و عملیات نظامی آسیبی نرسد

ماده ۱۹ - هنگام عملیات نظامی مأمورین کشوری کلیه اقداماتی را که غیر از اقدامات نظامی است و بموجب قوانین برعهده آنها تعلق می گیرد بعمل می آورند و این اقدامات آنها تا اندازه ای باید باشد که مانع از حصول مقصود معینی نباشد

ماده ۲۰ - مواظبت و مراقبت حال مجروحین که از قشون احضار شده نیستند برعهده مأمورین کشوری است و رئیس قشون هم باید کمال مساعدت را در این باب با وسائلی که دارد بمأمورین کشوری بنماید

ماده ۲۱ - هنگامی که میخواهند قشون احضار شده را در محل شورش جا بدهند باید طوری نمود که تا بین از یکدیگر جدا نباشند بلکه برای تمام دسته ای که احضار شده بیک یا چند خانه داده شود

ماده ۲۲ - تعیین وقت و معاودت قشون از محل شورش بسته بصوابدید مأمورین کشوریست و این حرکت قشون از محل اغتشاش وقتی خواهد بود که اهالی احکام قانونی

مأمورین کشوری را اطاعت بنمایند و مأمورین مزبور بتوانند بمشاغل خود بدون ممانعت مباشرت نمایند و هرگاه دسته قشونی که برای قلع و قمع شورش احضار شده و توقفش در خارج اقامتگاه خود بیش از هفت روز طول بکشد حاکم مکلف است که هر هفته مراتب را بوزیر داخله اطلاع دهد و رئیس کل قشون ولایتی یا ایالتی را از جهاتی که مانع از مراجعت قشون احضار شده است مطلع دارد

تبصره - ترتیب مأمور نمودن قشون برای جلوگیری از اغتشاش در قوانین نظامی مرتب است

دوم - منضم بماده ۲۲۶

در باب استعمال اسلحه توسط مأمورین ضبطیه و نظمیه و قراسوران

ماده ۱۵ - هر يك از عمال ضبطیه و نظمیه و قراسوران در موارد ذیل حق استعمال اسلحه را دارند:

(اول) بجهت مدافعه شخص خود از کسیکه با اسلحه بآنها حمله بیاورد

(دوم) بجهت مدافعه شخص خود از يك یا چند نفر که بدون اسلحه حمله میآورند

ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون استعمال اسلحه مدافعه شخصی امکان نداشته باشد

(سیم) در صورتیکه مأمورین ضبطیه و نظمیه و قراسوران به بینند که يك یا چند

نفر مورد حمله شده اند و جان آنها در خطر است

(چهارم) در صورتیکه جانی یا مقصیرا که عمال ضبطیه و غیره میخواهند توقیف

نمایند اقداماتی نماید که در مورد اول و دوم این ماده مذکور است و جان عمال ضبطیه در مخاطره باشد

(پنجم) در موردی که محبوسى از حبس فرار نماید و در تعقیب و توقیف اقداماتی نماید که در مورد اول و دویم این ماده مذکور است .

ماده ۲ - در کلیه این موارد عمال ضبطیه و غیره مکلفند که اوضاع و احوال استعمال اسلحه را حتی الامکان زودتر بنزدیکترین صاحبمنصب نظمیه و ضبطیه و قراسوران اطلاع دهند .

ماده ۳ - رئیس و صاحبمنصبان ضبطیه و غیره باید مراقبت و مواظبت تامه را داشته باشند که عمال ضبطیه و نظمیه و غیره با کمال احتیاط در موارد فوق الذکر اقدام نموده بدون ضرورت مبرمه استعمال اسلحه ننمایند .

ماده ۴ - در مواردی که دسته‌ای از عمال ضبطیه و نظمیه و قراسوران برای اطفاء نایره شورش احضار میشوند استعمال اسلحه با رعایت شرایط ذیل جایز است :

(اول) اقدام با استعمال اسلحه منوط با اجازه صاحبمنصب ضبطیه ایست که اسلکات شورشیان بعده او واگذار شده و او هم حکم استعمال اسلحه را وقتی فقط خواهد داد که وسایل دیگر ثمری نبخشیده باشد .

(دوم) صاحبمنصب ضبطیه یا نظمیه باید قبل از حکم با استعمال اسلحه سه دفعه باشورشیان اتمام حجت نموده اعلام کرده باشد که استعمال اسلحه خواهد کرد بعد از آن اقدام و ترتیب استعمال اسلحه منوط بصوابدید صاحبمنصب مزبور است ولی استعمال اسلحه ناری فقط در صورتی جایز است که بهیچ وسیله دیگر نتوان شورشیان را ساکت نمود .

(سوم) در صورتیکه موقع مقتضی اتمام حجت فوق الذکر وفوت وقت نباشد مثلاً در موردیکه شورشیان حمله بعمال ضبطیه آورند بطوریکه جان آنها در مخاطره باشد یا آنکه اشخاص دیگر مورد حمله شورشیان واقع شوند و اقدام فوری برای استخلاص آنها لازم باشد بدون اتمام حجت حکم با استعمال اسلحه می توان کرد .

(چهارم) عمال ضبطیه و نظمیه باید مواظبت نمایند که باشخصیکه داخل در شورشیان نیستند آسیبی نرسد .

(پنجم) مواظبت و مراقبت حال مجروحین هنگام اسکات شورشیان بعهده عمال ضبطیه و نظمیه و غیره است .